



پوهنتون هلم

پوهنځی د قوانینو او قانون

پوهنځی د حقوقو او عدالت



مجلس شورایی اسلامی افغانستان

دین دین اسلام

پوهنځی د حقوقو او عدالت

احکام شراب و جرم شراب نوشی از نظر فقه اسلامی و قانون افغانستان

رساله ماستری

محقق: دین محمد احمد زار

استاد راهنما: دکتور محمد یونس (پراگیتی)

سال: 1400 هجری، 1442 هـ.ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

ریاست پوهنتونهای خصوصی

احکام شراب و جرم شراب نوشی از نظر فقه اسلامی و قانون افغانستان

رساله ماستری

محصل: واعظه احدىار

استاد رهنما: دكتور محمد يونس (ابراهیمی)

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۱ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

بورډ ماستری

تصدیق نامه

محترم و اعظه احدىار بنت عبد الشکور ID نمبر Sh-msf-97-347 (از دور ششم فقه و قانون) از پایان نامه ماستری خویش زیر عنوان: احکام شراب و جرم شراب نوشی از نظر فقه اسلامی و قانون افغانستان به روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر هیأت ژوری مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	سرمحقق سید حبیب شاکر	عضو هیأت	
۲	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیأت	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

..... معاون علمی

..... امر بورډ ماستری

اهداء

تقدیم به والدین گرامی ام که بنده را در راه کسب علوم تشویق و ترغیب نمودند. و تقدیم به تمام آنانیکه پیوسته برای پیشرفت خود و جامعه خود در زیر چتر شریعت اسلامی در تلاش آموختن علم و تطبیق آن در زندگی فردی و اجتماعی خود می باشند.

سپاس گذاری

در قدم اول الله متعال را سپاس گذارم و متشکرم که توفیق را رفیق را هم قرار داد تا این رساله را در طی یکسال بنویسم، همانا تمام نعمت ها و توفیقات از جانب اوست، ثانيا از وزارت محترم تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان سپاس گذارم که به جوانان کشور با منظوری ایجاد دانشگاهای خصوصی و نظارت و ارزیابی از آنها زمینه تحصیل معیاری را مهیا نموده است، و در قدم سوم از مؤسسين، استادان و کارمندان دانشگاه سلام سپاس گذارم که با فراهم نمودن زمینه و فضای خوب تحصیلی و تربیتی زمینه خوب فراگیری علم را برای تشنگان و شیفتگان دانش فراهم ساخته اند، و خاصتا از جناب استاد دکتور محمد یونس ابراهیمی، رهنمایم در نگارش این رساله و تحقیق سپاس گذاری می نمایم که با جبین گشاده و رهنمایی آگاهانه مرا در نوشتن این رساله کمک زیادی نمودن الله ایشان را پاداش دنیوی و اخروی نصیب فرماید، در فرجام از تمام اشخاص و دوستانی که مرا در این امر یاری رساندند اظهار امتنان می نمایم.

با احترام

خلاصه بحث

تحقیقی را که برای دریافت مدرک ماستری تحت عنوان (احکام شراب و جرم شراب نوشی از نظر فقه و قانون افغانستان) نوشتم خلاصه آن طور ذیل می باشد:

در فصل اول آن از تعریف خمر و انواع آن طور ذیل بحث صورت گرفته است:

واژه خمر در دو معنا استعمال شده است: ۱- شراب تهیه شده از آب انگور ۲- هر مایع مست کننده. و در عرف عامه، به هر آب مایه سُکر آوری که از انگور، یا دیگر میوه‌ها و دانه‌ها، گرفته شده باشد، خمر گفته می شود .

تعریف فقها از خمر؛ احناف خمر را عبارت از آن چه که از آب انگور با فشردن به شدت و جوشاندن و قف کردن به وجود می آید به شکل طبعی بدون آتش می دانند. و غیر آن را خمر ندانسته اند.

شراب با نامهای مختلف در بازار یافته می شود و گاهی به اعتبار و نسبت درصد وجود الکل در آن به اقسام ویژه ای تقسیم می شود.

و در قانون تعریف مشخصی از خمر نشده بلکه مجازات نوشیدن و خرید و فروش آن بیان گردیده است طوریکه در ماده 684 کد جزای افغانستان آمده است: (هرگاه در جرم نوشیدن شراب شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد شرب خمر ساقط گردد، مرتکب، تعزیراً به بدیل حبس یا جزای نقدی از ده هزار تاسی هزار افغانی، محکوم می گردد).

شرب خمر از جمله گناهان کبیره ای است که از انجام دادن آن نهی شده است، زیرا حرام قطعی بوده به دلایلی از قرآن، سنت و اجماع، و حکمت تحریم آن هم به خاطر حفظ عقل و مال می باشد.

و در فصل دوم آن تحت عنوان بررسی نصوص وارده در مورد خمر بحث صورت گرفته و آن را طی مراحل ذیل حرام قرار داده است: مرحله اول- اشاره به منکر بودن شرابخواری، مرحله دوم - تأکید بر غلبه زیان بر منافع، مرحله سوم - تشویق به ترک شراب، مرحله چهارم - تحریم کامل شرب خمر.

و در فصل سوم آن تحت عنوان بررسی طرق اثبات حد شراب نوشی و مجازات آن در شریعت اسلامی و قوانین افغانستان طور ذیل بحث صورت گرفته است:

طریقه های اثبات حد شرب خمر: حد شرب به یکی از پنج روش ذیل اثبات می شود: طریقه اول- اقرار طریقه دوم - شهادت، طریقه سوم - سکر و مست بودن، طریقه چهارم - استشمام بوی شراب از دهان شارب خمر، طریقه پنجم - قی کردن، که دو طریقه اول روش ها اصلی و اتفاقی میباشد و روش های دیگر قرائن بوده و اختلافی میباشد.

مجازات جرم شراب نوشی در شریعت اسلامی: شریعت اسلامی برای نوشیدن شراب مجازات معین و مقدری (از جمله حدود) تعیین نموده است، مجازاتی که برای ولی امر و قاضی جایز نبوده که از آن در گذرند و یا بعد از اینکه اثبات شد از تنفیذ آن جلوگیری کنند.

و در اخیر هم از جرم شرب و احکام آن در قوانین افغانستان بحث صورت گرفته است.

فهرست موضوعات

1 مقدمه

فصل اول

تعریف خمر و انواع آن

11 مبحث اول - مفهوم کلی خمر

11 مطلب اول: معنای لغوی خمر و اختلاف لغویین در مورد

11 فرع اول: معنای لغوی خمر

12 فرع دوم: نام های شراب در زبان عربی

13 مطلب دوم: معنای اصطلاحی خمر و اختلاف فقها در معنای آن

13 فرع اول: معنای اصطلاحی خمر از دیدگاه جمهور فقها

24 فرع دوم: معنای اصطلاحی خمر از دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله

25 فرع سوم: جمع بندی هر دو دیدگاه و رأی راجح

28 مطلب سوم: تعریف خمر در طب و کیمیا

28 مطلب چهارم: تعریف خمر در قانون

29 مبحث دوم - انواع خمر و خمر در ادیان دیگر

29 مطلب اول - انواع خمر از لحاظ ساخت آن

30 مطلب دوم - شیوه های شراب سازی

31 مطلب سوم - تاریخچه ساخت و مصرف خمر

33 شراب در مشرق زمین

- 35 شراب در بین اعراب
- 36 مطلب چهارم – شراب در ادیان دیگر
- 37 فرع اول: تحریم شراب در دین عیسویت
- 38 فرع دوم: تحریم شراب در دین یهودیت

فصل دوم

احکام شراب و اضرار آن

- 41 **مبحث اول – بررسی نصوص قرآنی و احادیث نبوی در مورد شراب**
- 41 مطلب اول – بررسی نصوص قرآنی در مورد شراب و مراحل تحریم آن
- 41 فرع اول: مرحله اول منکر وصف نمودن شرابخوری
- 44 فرع دوم: مرحله دوم تأکید بر غلبه زیان بر منافع
- 45 فرع سوم: مرحله سوم تشویق به ترک شراب
- 48 فرع چهارم: مرحله چهارم تحریم کامل شرب خمر
- 52 مطلب دوم – احادیث ذکر شده در بیان حرمت خمر
- 56 مطلب سوم – حکمت حرمت تدریجی شراب
- 62 **مبحث دوم – حکم شراب نوشی با انواع مختلف آن در شریعت اسلامی**
- 71 مطلب اول: حکم خوردنی ها و نوشیدنی هایی که با شراب مخلوط شده باشد.
- 73 مطلب دوم – حکم تداوی با خمر
- 77 مطلب سوم – طهارت و نجاست شراب
- 82 **مبحث سوم – بررسی اضرار نوشیدن خمر**

- 82 مطلب اول - اضرار فردی
- 84 مطلب دوم - اضرار اجتماعی
- 85 مطلب سوم: اضرار معنوی شراب
- 89 مطلب چهارم: اضرار صحی شراب

فصل سوم

طرق اثبات، ارکان و مجازات جرم شراب نوشی

در شریعت اسلامی وقوانین افغانستان

- 93 **مبحث اول - طریقه های اثبات شرب خمر**
- 93 مطلب اول: طریقه های اثبات شرب خمر
- 93 مطلب اول - اقرار:
- 94 مطلب دوم - شهادت بر نوشیدن شراب :
- 97 مطلب سوم - سکر و مست بودن
- 97 مطلب چهارم - استشمام بوی شراب از دهان شارب خمر:
- 99 مطلب پنجم - قی کردن:
- 100 **مبحث دوم - ارکان جرم شراب نوشی**
- 100 مطلب اول - فعل شرب:
- 103 مطلب دوم - قصد جنایی:
- 105 **مبحث سوم - مجازات جرم شراب نوشی در شریعت اسلامی وقوانین افغانستان**
- 105 **مطلب اول: مجازات جرم شراب نوشی در شریعت اسلامی**
- 106 فرع اول: مقدار حد شرب واختلاف فقها پیرامون آن
- 108 فرع دوم - جزای شرب خمر حد است یا تعزیر؟

108	دیدگاه اول: جزای شرب خمر تعزیر می‌باشد.
109	دیدگاه دوم - حد و تعزیر هر دو می‌باشد:
110	دیدگاه سوم: این است که مجازات شرب خمر حد بوده و هشتاد ضربه شلاق است.
111	مطلب دوم - مجازات شراب نوشی در قوانین افغانستان.
112	فرع اول - دیدگاه کود جزای افغانستان
112	فرع دوم: دیدگاه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر
114	نتیجه گیری
116	پیشنهادات:
118	فهرستها
119	فهرست آیت های قرآنی
120	فهرست احادیث نبوی علی صاحبها الصلاة والسلام.
123	فهرست اعلام
125	فهرست مراجع ومصادر

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره ونتوب إليه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا ، من يهده الله فلا مضل له ، ومن يضلل فلا هادي له ، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. اما بعد:

مشکل مصرف شراب یکی از مشکلات شایع در جهان است و به اندازه ای خطرناک است که همه جوامع از اثرات منفی این مشکل رنج می برند و همه جوامع بشری (علی رغم تنوع در ارزش ها، سنت ها و فلسفه حاکم بر آنها) ضد شراب ایستاده اند، در موضع مخالف با آن فکر می کند و با آن برخورد خصمانه دارند. هیچ اندیشه اجتماعی وجود ندارد، و نه دین آسمانی که به مشروبات الکلی تشویق کرده باشد، اجازه استفاده از آن را داده یا آن را با دید احترام و افتخار مشاهده کرده باشد.

پس در مقابل این خطری که امنیت و سلامت اجتماعات را تهدید می نماید، ضرورت به یک مبارزه و مجادله کاملاً عیار است که مکروب شراب و مسکرات از بین برده شود.

بیان مسئله:

دین مبین اسلام، به عنوان کامل ترین دین الهی در تمام جنبه های مادی و معنوی انسان نظر دارد، چنانکه باوجود عادت عمومی شراب خوری در شبه جزیره عربستان، شراب را طی یک مبارزه قطعی و اصولی زمان دار منع کرد و حتی تصریح قرآن بر لزوم اجتناب از شراب خواری سبب شده است که حرمت آن نزد مسلمانان از احکام ضروری دین تلقی شود و کسی که آن را حلال بداند، کافر بشمار می

آید. اما نسبت به زمان و مراحل آیت تحریم و نیز مصداق های شراب، در میان مفسران و فقها اختلاف است. به همین دلیل باید علاوه بر بحث اندیشه قرآن در زمینه تساهل تدریجی نسبت به مصرف شراب، به نظرگاه قرآن در باب ریحی سکر و تفاوت های شراب دنیوی و اخروی نیز پرداخت. واز آنجائیکه مقصد از نزول همه شرایع سماوی همانا جلب مصالح و دفع مفسد است، و این روند با نازل شدن شریعت محمدی صلی الله علیه وسلم به پایه اکمال و درجه پختگی خود رسید. یعنی شریعت محمدی صلی الله علیه وسلم تمام آن چیزهاییکه به ضرر انسان بوده و سبب شقاوت و بدبختی انسان در دنیا و آخرت میگردد به شکل تام و جهان شمول بیان داشته است و هیچ امری از امور زندگی نیست که به نفع و یا ضرر انسان مگر اینکه آن را همه جانبه تشریح و بیان کرده است. پس در این پایان نامه در پی آنیم تا به تبیین دیدگاه فقهای کرام و قوانین افغانستان درباره حرمت شراب پردازیم.

اهمیت تحقیق

پیشرفت علم سبب شده است که اهمیت دستورات اسلام روز به روز آشکار تر شود و حقانیت دین اسلام ظهور روز افزون پیدا کند.

این در حالی است که قبل از اسلام و در اوایل ظهور اسلام نوشیدن شراب یک امر عادی در میان مردم بوده است، و حتی مسیحیان از آن به عنوان معجزه عیسی یاد می کرده اند^۱. ولی دین اسلام به مخالفت چنین امر پرداخت. و اکنون دانشمندان به مضرات مشروبات علم پیدا کرده اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم بنا بر تحقیقات که توسط اکادمی سرطان امریکا شده است: مصرف مشروبات الکلی، سبب بروز سرطان معده سرطان دهان و حنجره، سرطان کبد مری، سرطان کلون و رکتوم سرطان سینه، و سرطان

پانقراس می شود و در تحقیقات دیگر که توسط سازمان اعتیاد امریکا انجام شده است، مضرات شراب این گونه شمارش شده است: 1- کاهش اندازه مغز، 2- ناتوانی در تفکر انتزاعی، 3- از دست دادن توانایی ادراک بصری، 4- سندروم ورنیکه کورساکوف (علائم این سندروم شامل گیجی و پریشانی روانی، فلج اعصاب حرکتی چشم، عدم توانایی راه رفتن و.. است)، 5- از دست دادن حافظه و 6- از دست دادن دامنه حواس و دقت.

پس از آن جا که شراب دارای اضرار بی شمار دنیوی، دینی، صحی، اجتماعی و... است پس می باید که در زمینه پژوهش بیشتری صورت گیرد تا احکام و اضرار آن برای صاحبان دانش بیشتر بر ملا شود.

پیشینه تحقیق

تحت عنوان بررسی احکام شراب و جرم شراب نویسی از نظر فقه و قانون تا به هنوز کتاب مشخصی نوشته نشده اما در کتاب ها و رساله های متعدد در مورد احکام شراب بحث صورت گرفته، و به رشته تحریر در آمده است.

از آن جمله کتاب های که از احکام شراب بحث کرده و به آن اشاره نموده اند، فتاوی معاصر از دکتور یوسف قرضاوی حفظه الله، حکمت و فلسفه تشریح از دکتور جرجاوی و اثرات مشروبات الکلی از دیدگاه دانش پزشکی و دانشمندان غرب از علی اصغر اکبری، گناهان و محرمات در اسلام، قسمت شراب خوری از همت سهراب پور میباید، که در این زمینه نگاشته شده است، که در این پایان نامه از آن استفاده خواهد شد و در مورد احکام و مجازات آن در فقه و قانون تحت عناوین مختلف بحث خواهیم نمود.

وكتاب های که در این مورد مشخص نوشته شده می توان از کتاب های ذیل نام برد:

1. ذم الخمر، ابن رجب، سلسله بحوث و تحقیقات مختاره من مجله الحکمه (1405).
2. الخبیثه أم الخبائث، عبد الفتاح بن سلیمان عشاوی، الناشر: الجامعه الإسلامیه بالمدينه المنوره، الطبعة: السنه الخامسه عشر العدد الثامن والخمسون. ربيع الآخر-جمادی الأولى-جمادی الأخرى 1403هـ.
3. دور الأدب في مكافحة الخمر بين الجاهلية والإسلام، محمود محمد سالم، الناشر: الجامعه الإسلامیه بالمدينه المنوره، الطبعة: (السنه الرابعه عشره العدد الرابع والخمسون) ربيع الثاني -جمادی الأولى -جمادی الآخرة 1402هـ.
4. الخمر وتأثيرها على العيون، فکری السيد عوض، الناشر: الجامعه الإسلامیه بالمدينه المنوره، الطبعة: السنه الرابعه عشره العدد الرابع والخمسون ربيع الثاني جمادی الأولى جمادی الآخرة 1402هـ.
5. الخمر بين الطب والفقہ، الدكتور محمد علی البار، ، الدار السعودیه للنشر و التوزيع، (1404هـ - 1984م).

پرسش های تحقیق

پرسش اصلی: در مورد احکام شراب و جرم شراب نوشی در فقه اسلامی وقانون وضعی چه گونه بحث صورت گرفته است؟

که از این سوال چند سوال ذیل تفریع می شود:

پرسشهای فرعی:

1. چرا اسلام در نهی مشروبات الکولی از روش تدریجی استفاده نموده است حکمت آن چیست؟
2. شرب خمر چه نوع جرمی است وچه مجازات دارد؟
3. حکم شراب خوری در قانون چه است؟

روش تحقیق

نظر به موضوع، تحقیق به روش تحلیلی، توصیفی و کتابخانه ای صورت میگیرد. به این ترتیب که ابتدا با مراجعه به کتابخانه ها جمع آوری منابع و مطالب به مطالعه و روبرداری و سپس به سازمان دهی و تحلیل مطالب پرداختیم. غالب منابع در این موضوع به زبان عربی نگاشته شده است. یافتن کتابهای جدید در این خصوص نیازمند زحمت زیاد و جستجو در کتابخانه های مختلف بوده است.

درین تحقیق از کتاب های PDF بیشتر واحیانا از کتاب خانه الکترونی المکتبه الشامله کتاب های که مطابق مطبوع بوده استفاده صورت گرفته است وبه ندرت هم از سایت های معتبری که در زمینه نوشته های داشته اند بهره برده ام، البته قابل یادآوری می دانم که در ترجمه آیات مبارکه قرآن کریم از تفسیر نور نوشته مرحوم داکتر مصطفی خرم دل استفاده نموده ام ودر زمینه تخریح احادیث کتاب های تخریجی که

در المكتبة الشاملة وجود دارد بهره برده ام و در زمینه معرفی اعلام از دو کتاب بسیار مفیدی که در زمینه نوشته شده (سیر اعلام النبلاء اثر امام ذهبی و الأعلام نوشته خیر الدین زرکلی) استفاده کردم.

خطه بحث

این رساله دارای یک مقدمه و سه فصل می باشد که در مقدمه بیان موضوع، اهمیت و ضرورت تحقیق، اسباب اختیار موضوع، سوال های تحقیق، پیشینه ای موضوع و روش تحقیق گنجانیده شده است. که در ذیل تقسیم بندی موضوع را به فصل ها، مباحث و مطالب ذکر می نمایم:

فصل اول - تعریف خمر و انواع آن

دارای دو مبحث و مطالب ذیل می باشد:

مبحث اول: مفهوم کلی خمر

که دارای مطالب ذیل می باشد:

- مطلب اول: معنای لغوی خمر و اختلاف لغویین در مورد
- مطلب دوم: معنی اصطلاحی خمر و اختلاف فقها در معنای آن
- مطلب سوم: تعریف خمر در طب و کیمیا
- مطلب چهارم: تعریف خمر در قانون

مبحث دوم - انواع خمر و خمر در ادیان دیگر

که دارای مطالب ذیل می باشد:

- مطلب اول - انواع خمر
- مطلب دوم - شیوه های شراب سازی
- مطلب سوم - تاریخچه ساخت و مصرف خمر
- مطلب چهارم - شراب در ادیان دیگر

فصل دوم - احکام شراب و اضرار آن

که دارای سه مبحث و مطالب ذیل می باشد:

مبحث اول - حکم شراب نوشی با انواع مختلف آن در شریعت اسلامی

- مطلب اول: حکم خوردنی ها و نوشیدنی هایی که با شراب مخلوط شده اند.
- مطلب دوم - حکم تداوی با خمر
- مطلب سوم - طهارت و نجاست شراب

مبحث دوم - بررسی نصوص قرآنی در مورد شراب و مراحل تحریم آن

- مطلب اول: مرحله اول منکر وصف نمودن شرابخوری
- مطلب دوم: مرحله دوم تأکید بر غلبه زیان بر منافع
- مطلب سوم: مرحله سوم تشویق به ترک شراب
- مطلب چهارم: مرحله چهارم تحریم کامل شرب خمر
- مطلب پنجم - احادیث ذکر شده در بیان حرمت خمر
- مطلب ششم - حکمت حرمت تدریجی شراب

مبحث دوم - بررسی اضرار نوشیدن خمر

- مطلب اول - اضرار فردی
- مطلب دوم - اضرار اجتماعی
- مطلب سوم: اضرار دینی شراب
- مطلب چهارم: اضرار صحتی شراب

فصل سوم

طرق اثبات جرم شراب نوشی وارکان این جرم در شریعت اسلامی وقوانین افغانستان

که دارای مباحث ومطالب ذیل می باشد:

مبحث اول - طریقه های اثبات شرب خمر وارکان این جرم در شریعت اسلامی

- مطلب اول: طریقه های اثبات شرب خمر
- مطلب دوم: ارکان جرم شراب نوشی

مبحث دوم - مجازات جرم شراب نوشی در شریعت

- مطلب اول: مقدار حد شرب واختلاف فقها پیرامون آن
- مطلب دوم: جزای شرب خمر حد است یا تعزیر؟

مبحث سوم - مجازات شراب نوشی در قوانین افغانستان

- مطلب اول - دیدگاه کود جزای افغانستان

• مطلب دوم: دیدگاه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر

که در اخیر مهمترین نتایج، پیشنهادات و فهرست ها می باشد.

فصل اول

تعریف خمر و انواع آن

مبحث اول: معنی لغوی واصطلاحی خمر.

مبحث دوم: انواع خمر و خمر در ادیان دیگر.

مبحث اول

مفهوم کلی خمر

خمر؛ نوشیدنی مسکر و مست کننده است. فقها از این عنوان در بسیاری از بابها از قبیل طهارت، صلاۀ، تجارت، رهن، نکاح، طعام و شراب، غضب، شهادت و حدود سخن گفته اند که به مهم ترین احکام آن اشاره می شود.

مطلب اول: معنای لغوی خمر و اختلاف لغویین در مورد

فرع اول: معنی لغوی خمر

«خمر» در لغت، در اصل، به گفته «راغب» به معنای پوشانیدن چیزی است لذا به چیزی که با آن می پوشانند «خمار» گفته می شود، هر چند «خمار» معمولاً به چیزی گفته می شود که زن سر خود را با آن می پوشاند^(۱).

در «معجم مقاییس اللغة» نیز برای «خمر» یک ریشه ذکر کرده که دلالت بر پوشاندن، اختلاط و آمیزش در پنهانی می کند و از آنجا که شراب عقل انسان را می پوشاند به آن خمر گفته شده، زیرا سبب مستی است و مستی پرده ای بر روی عقل می افکند و نمی گذارد انسان خوب و بد را تشخیص دهد^(۲).

^۱ - أبو القاسم الحسین بن محمد المعروف بالراغب الأصفهانی، المفردات لالفاظ القرآن الکریم، المحقق: صفوان عدنان الداودی، الناشر: دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بیروت، الطبعة: الأولى - 1412 هـ ج ۱، ص ۱۵۹.

^۲ - أحمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، أبو الحسین (المتوفی: 395هـ)، معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبد السلام محمد هارون، الناشر: دار الفکر، عام النشر: 1399هـ - 1979م.

واژه خمر در دو معنا استعمال شده است: ۱- شراب تهیه شده از آب انگور ۲- هر مایع مست کننده. و در عرف عامه، به هر آب مایه سُکرآوری که از انگور، یا دیگر میوه‌ها و دانه‌ها، گرفته شده باشد، خمر گفته می‌شود^(۱).

فرع دوم: نام های شراب در زبان عربی

شراب در زبان عربی به نام‌های متعدد خوانده شده که مشهورترین آنها خمر (از انگور) و نبید (از غیر انگور) است.

داوود انطاکی^(۲) نام های عربی برخی از انواع آن را آورده است، از جمله مِر (از برنج)، بُوَزَه (از نان خشک یا ارزن) غُبیراء، (از جو یا سُلْت (گونه ای جو)، وَنْضُوح از (انار)^(۳).

حکیم مؤمن بسیاری از انواع شراب انگوری، از جمله ریحانی، جُمهوری، عتیق، مدفون، را زیر عنوان «خمر»^(۴) و انواعی دیگر، از جمله فُقَاع، نبید الزَّبیب، نبید الارز (به فارسی، بوزه) را زیر عنوان «نبید»^(۵) وصف کرده است؛ همچنین از مِیْفُحْتَج (معرب می پخته) یا عقید العنب (یونانی gleukinos؛ معرب آن اغلیقی یا اغلیقی)، می جوش و می سوسن^۶ یاد کرده و خواص آنها را شرح داده است.

۱ - علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۲۵۲۰.

۲ - داوود انطاکی: داوود بن عمر (1007 یا 1008ق - 1598/ یا 1599م)، داکتر نامدار، ادیب، فیلسوف و متکلم نابینا و مشهور به ضریر و بصیر، اهل انطاکیه ترکیه. (ویکی نور، دانشنامه تخصصی wikinoor.ir).

۳ - داوود بن عمر انطاکی، تذکره اولی الالباب، قاهره ۱۳۰۸-۱۳۰۹، ج ۱، ص ۲۸۵.

۴ - محمد مؤمن بن محمد زمان حکیم مؤمن، تهران (تاریخ مقدمه ۱۴۰۲)، ص ۳۵۸-۳۶۱.

۵ - مرجع سابق ص ۸۳۹-۸۴۱.

۶ - مرجع سابق ص ۸۳۳، ۸۳۹.

انطاقی گونه ای از مَبِیْحَتَج موصوف به «مدبّر» را نیز ذکر کرده است^(۱).

مطلب دوم: معنی اصطلاحی خمر و اختلاف فقها در معنای آن

فرع اول: معنی اصطلاحی خمر از دیدگاه جمهور فقها

جمهور فقها (مالکی ها ، شوافع و حنابلة و بعضی از احناف) در مورد تعریف خمر گفته اند: خمر

عبارت از هر آن چه که سُکر و مستی بار بیاورد برابر است که عصیر و جوشیده از انگور باشد و یا از چیز

دیگری مانند: خرما، عسل، گندم، جو و اشپای دیگری پخته شده باشد و یا غیر مطبوخ^۲.

در الموسوعه الفقهیه الكويتیه آمده است: (فقها بر اساس اختلاف شان در حقیقت خمر در لغت و

اطلاق آن در شرع، در تعریف خمر اختلاف داشتند. بنابراین مردم مدینه و سایر اهل حجاز و همه اهل

حدیث و حنبلیان و برخی از شافعیان معتقد اند که شراب به هر آنچه گفته می شود که قلیل و کثیر آن مست

کننده باشد و بر گرفته شده از عصیر انگور ، خرما ، گندم ، جو و غیره باشد^۳. و به این فرموده رسول الله صلی

الله علیه وسلم استدلال نموده اند: «کلّ مسکرٍ خمرٌ، وکلّ خمرٍ حرامٌ»^۴، ترجمه: هر مست کننده خمر

(شراب) بوده و هر خمری حرام است. و به این قول عمر رضی الله عنه: (أیها الناس: إنه نزل تحريم

^۱ - داوود بن عمر انطاقی، تذکره اولی الالباب، قاهره ۱۳۰۸-۱۳۰۹، ج ۱، ص ۲۸۳.

^۲ - الأم للشافعی 180/6، والمغنی 304/8، والمهذب للشیرازی 366/2، والمنتقى للباچی 151/3، وفتح القدير 9/10، وبدائع الصنائع للکاسانی 112/5، والهدایة شرح بداية المبتدئ 108/4، والفتاوی الهندیة 409/5.

^۳ - الموسوعه الفقهیه الكويتیه، صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامیة - الكويت، الطبعة: (من 1404 - 1427 هـ)، الأجزاء 1 - 23: الطبعة الثانية، دارالسلاسل - الكويت،..الأجزاء 24 - 38: الطبعة الأولى، مطابع دار الصفة - مصر،..الأجزاء 39 - 45: الطبعة الثانية، طبع الوزارة ص 389.

^۴ - صحیح مسلم، مسلم - مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، دار إحياء الكتب العربیة.

الخمر، وهي من خمسة: من العنب، والتّم، والعلس، والحنطة، والشّعير)^۱. ترجمه: ای مردم! هر

آینه حرمت شراب نازل شده، که شراب ساخته شده از پنج چیز است: انگور، خرما، عسل، گندم و جو.

امانت علمی اقتضاء دارد که برای ذکر نظریات فقها در اینجا خلاصه سخن ابن رشد^۲ در «بدایه المجتهد» را ذکر کنم که او گوید:

جمهور فقهای حجاز و جمهور محدثین می گویند: نبیذ و همه مشروباتی که مست کننده باشد اندک و بسیار آنها حرام است.

و علمای عراق و ابراهیم نخعی از تابعین و سفیان ثوری و ابن ابی لیلی و شریک و ابن شبرمه و ابوحنیفه و دیگر فقهای کوفی و بیشتر علمای بصره درباره مشروبات غیر از م می گویند: که مقدار مستی آور آنها حرام است نه خود آنها. علت اختلاف آن است که آثار و احادیث و روایات و قیاسها با هم در این باره با هم تعارض دارند. علمای حجاز درباره اثبات مذهب خود دو راه پیش گرفته اند: طریقه اول: یکی اینکه بروایات و اخبار وارده در این باره استناد می کنند.

دوم اینست که آنان هر نبیذ و چیزی که مستی آور باشد خمر می نامند و خمر هم بکلی حرام است^۳.

۱ - 3669 حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبرَاهِيمَ حَدَّثَنَا أَبُو حَيَّانَ حَدَّثَنَا الشَّعْبِيُّ عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنْ عُمَرَ قَالَ نَزَلَ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ يَوْمَ نَزَلَ وَهِيَ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْعَنْبِ وَالتَّمْرِ وَالْعَسَلِ وَالْحَنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالْخَمْرُ مَا خَامَرَ الْعَقْلَ وَثَلَاثٌ وَدِدْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يُفَارِقْنَا حَتَّى يَعْهَدَ إِلَيْنَا فِيهِنَّ عَهْدًا نَنْتَهِي إِلَيْهِ الْجِدُّ وَالْكَلالَةُ وَأَبْوَابٌ مِنَ أَبْوَابِ الرَّبِّا [ص: 84] عون المعبود، العظيم آبادی - محمد شمس الحق العظيم آبادی، دار الفكر، سنه النشر: 1415هـ / 1995م، رقم الطبعة: --- عدد الأجزاء: أربعة عشر جزء.

۴- ابن رشد: ابن رشد ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد، مشهور به حفید (نواده) فیلسوف، شارح و مفسر آثار ارسطو، فقیه و پزشک برجسته غرب اسلامی (اندلس) بود. وی در ۵۲۰/۱۱۲۶م در شهر قرطبه در اندلس زاده شد. (عبدالله عنان، عصر

المرابطين و الموحدین، ج ۲، ص ۱۱-۱۳، قاهره، ۱۹۸۴م.)

۳ - بدایه المجتهد ج 1 ص 434 - 437.

مهمترین روایتی که اهل حجاز بدان متمسک و استدلال جسته اند، روایتی است

که امام مالک بن انس^۱ رحمه الله آن را از ابن شهاب^۲ و او از ابوسلمه بن عبدالرحمن^۳ و او از عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که گفت: «درباره» نبیذ غسل از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال شد گفت: «کل شراب أسکر فهو حرام»^۴ هر مشروب مست کننده ای حرام است». بخاری آن را نقل کرده است.

و همچنین مسلم از ابن عمر نقل کرده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «کل مسکر خمر، وکل خمر حرام»^۵. این دو حدیث هر دو صحیح هستند که حدیث اول مورد اتفاق همه راویان حدیث

^۱ - امام مالک رحمه الله: وی شیخ الاسلام، امام دار هجرت ابو عبد الله مالک پسر انس، و مادرش عالیه بنت شریک ازدی است، بنا بر قول صحیح در سال 93 هجری سالی که انس رضی الله عنه خادم رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نمودند وی تولد گردید و در رفاهیت و تجمل رشد نمودند. (سیر اعلام النبلاء 7 / 150).

^۲ - ابن شهاب: امام علامه نویسنده مجود ابو علی، حسن بن شهاب بن حسن بن علی، فقیه حنبلی. سال تولد: 335 هجری. (سیر اعلام النبلاء 13 / 205).

^۳ - ابو سلمه بن عبد الرحمن: پسر عوف یکی از اعلام مدینه، بعضی گفته اند نام اصلی وی عبد الله میباشد و در سال بیست چندم هجری تولد شده است. (سیر اعلام النبلاء 5 / 166).

^۴ - إسناده صحیح. أبو سلمة: هو ابن عبد الرحمن بن عوف، وابن شهاب: هو محمد بن مسلم الزُّهري، ومالك: هو ابن أنس. (أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السُّجِسْتَانِي (المتوفى: 275هـ)، سنن أبي داود، المحقق: شعيب الأرناؤوط - محمّد كامل قره بللی، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م. وهو في "موطأ مالك" 2 / 845.

^۵ - حدیث صحیح، وهذا إسناده حسن، محمّد بن عمرو صدوق حسن الحدیث. سهل: هو ابن أبي سهل زنجلة. (ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: 273هـ)، سنن ابن ماجه ت الأرناؤوط، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م).

وأخرجه بنحوه الترمذی (1972)، والنسائي 324 / 8 - 325 من طريق محمّد ابن عمرو بن علقمة، بهذا الإسناد. ولم يذكر فيه الترمذی "كل مسكر خمر".

وأخرجه مسلم (2003)، وأبو داود (3679)، والنسائي 324 / 8 من طريق نافع، عن ابن عمر. ورواية النسائي موقوفة على ابن عمر. وهو في "مسند أحمد" (4863).

است و حدیث دوم را تنها مسلم صحیح دانسته است. ابوداود^۱ و نسائی^۲ و ترمذی^۳ از جابر بن عبدالله^۴ نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «ما أسکر کثیره فقلیله حرام»^۵ ترجمه: «چیزی که مقدار بسیار آن مست کند، مقدار اندک آن نیز حرام است».

طریقه دوم که می گویند هر گونه نیبذی مست کننده ای «خمر» نامیده می شود از دو راه آن را اثبات کرده اند.

یکی از طریق اشتقاق کلمه که خمر را بطریقه اشتقاق ثابت می کنند .

دوم از جهت سماع و شنیدن از شارع که شارع آنها را خمر نامیده است.

از جهت اشتقاق می گویند: می و باده را بدین جهت «خمر» می نامند که عقل را مخامره می کند و می پوشاند بنابراین از نظر زبان و لغت و اشتقاق هر چیزی که عقل را بپوشاند نام «خمر» بر آن اطلاق می شود^۱.

^۱ - ابوداود سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر ازدی (یا اسدی) سجستانی (202 - 275 ق) یکی از محدثان طراز اول اهل سنت و نویسنده یکی از شش کتاب معتبر حدیثی (صحاح سته) آنان یعنی «سنن ابی داود» می باشد. (تاج الدین سبکی، عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۲، ص ۲۹۳).

^۲ - «ابو عبد الرحمن، احمد بن علی بن شعیب نسائی»، محدث معروف و مؤلف یکی از صحاح سته اهل سنت، در سال ۲۱۴ یا ۲۱۵ ق، در شهر نساء به دنیا آمد. (شرح سنن النسائی، تالیف سیوطی، ج ۱، مقدمه).

^۳ - ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره (ح ۲۱۰-۲۷۹ ق/ ۸۲۵-۸۹۲ م)، از محدثان نامدار ماوراءالنهر. وی شهرت خود را بیش تر از کتاب الجامع الکبیر یا سنن گرفته است که یکی از صحاح سته به شمار می رود. (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۷۱).

^۴ - جابر بن عبدالله انصاری از صحابی مشهور وی فرزند عبدالله بن عمرو بن حرام از قبیله خزرج، تیره بنی سلمه است. کنیه وی را به اختلاف ابو محمد، ابو عبدالله و ابو عبد الرحمن نوشته اند؛ اما ابو عبدالله شهرت بیشتری دارد. (الاصابه فی تمییز الاصحاب، عسقلانی، ابن حجر، ۵۴۶/۱)

^۵ - صحیح لغیره بوده، و این اسنادش حسن بوده به خاطر داود بن بکر بن ابی الفرات. وأخرجه ابن ماجه (3393) عن عبد الرحمن بن إبراهيم دُحیم، عن أنس بن عیاض، و الترمذی (1973) من طریق إسماعیل بن جعفر، كلاهما (أنس بن عیاض وإسماعیل) عن داود بن بکر، به. وقال الترمذی: حدیث حسن غریب.

و اما طریقه دوم از جهت سماع است که می گویند: اگر چه مواد مست کننده در لغت «خمر» نامیده نمی شوند ولی در اصطلاح شرع «خمر» نامیده شده اند، که این حدیث عبد الله ابن عمر^۲ رضی الله عنهما بدان تصریح دارد که گذشت و از ابوهریره^۳ رضی الله عنه نیز روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «**الْخَمْرُ مِنَ هَاتَيْنِ الشَّجَرَتَيْنِ: النَّخْلَةِ وَالْعَنْبِ**»^۴. ترجمه: «خمر از این دو درخت ساخته می شود: خرما و تاک».

باز هم از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «**إِنَّ مِنَ الْحِنْطَةِ خَمْرًا وَمِنَ الشَّعِيرِ خَمْرًا وَمِنَ الزَّيْبِ خَمْرًا وَمِنَ التَّمْرِ خَمْرًا وَمِنَ الْعَسَلِ خَمْرًا وَأَنَا أَنْهَاكُمُ**

^۱ - محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم المبارکفوری أبو العلاء، تحفه الأحمدي بشرح جامع الترمذی، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج 5، ص 490. - محمد بن عبد الباقي بن يوسف الزرقانی، شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک، نسنه الولادة / سنه الوفاة 1122، الناشر دار الکتب العلمیة، سنه النشر 1411، مکان النشر بیروت، ج 4، ص 208.

^۲ - عبد الله بن عمر بن خطاب بن نفیل بن عبد العزی بن ریاح بن قرط بن رزاح بن عدی بن کعب بن لوی بن غالب، امام قدوه شیخ اسلام ابو عبد الرحمن قریشی، در سن خوردی اسلام آورد بعدا همراه پدرش هجرت نمود واولین غزوه که حضور داشتند غزوه خندق می باشد. (سیر أعلام النبلاء 4 / 303).

^۳ - أبو هريرة، (21 ق هـ - 59 هـ = 602 - 679 م)، عبد الرحمن بن صخر دوسی ملقب به ابو هریره، در بین صحابه از همه بیشتر حدیث حفظ وروایت نموده است، به مدینه آمد در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم در خیبر بودند، ابو هریره رضی الله عنه در سال 7 هـ مسلمان شده ودر همراهی با رسول الله صلی الله علیه وسلم ملازمت نمودند. (الأعلام للزركلي 3 / 308).

^۴ - إسناده صحيح. يحيى: هو ابن أبي كثير، وأبان: هو ابن يزيد العطار. (المكتبة الشاملة) وأخرجه مسلم (1985)، وابن ماجه (3378)، والترمذی (1983)، والنسائي (5572) و (5573) من طرق عن أبي كثير، به. وهو في "مسند أحمد" (7753)، و"صحيح ابن حبان" (5344).

قال الخطابي: معناه أن معظم ما يتخذ من الخمر إنما هو من النخلة والعنب، وإن كانت الخمر قد تتخذ أيضاً من غيرهما، إنما هو من باب التأكيد لتحريم ما يتخذ من هاتين الشجرتين لضراوته وشدته سورته. (أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني = (المتوفى: 275 هـ)، سنن أبي داود، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمد كامل قره بللي، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م، ج 5، ص 520.

عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ^۱ ترجمه: «خمر را از انگور و عسل و مویز و کشمش و گندم می‌گیرند... من شما را از هر چیز مست کننده ای نهی می‌کنم.»

اما کوفیان برای مذهب خود بظاهر آیه: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»^۲ ترجمه: «(خداوند) از میوه‌های درختان خرما و انگور، (غذای) پربرکتی نصیب شما می‌سازد که گاه آن را به صورت زینباری در می‌آورید و از آن (شراب) درست می‌کنید و (گاه) رزق پاک و پاکیزه از آن می‌گیرید. بی‌گمان در این (گردآوری دو و چند خاصیت و قابلیت در میوه‌ها) نشانه ای (از قدرت آفریدگار) برای کسانی است که از عقل و خرد سود می‌گیرند»^۳. چنین استدلال کرده و گفته اند کلمه «سکر» در آیه به معنی مسکر است، اگر خود آب خرما و انگور حرام بود، خداوند آن را رزق و روزی نیکو نمی‌نامید، پس آنچه حرام است مستی است نه عین آب انگور و خرما^۴.

^۱ - این حیث صحیح الاسناد میباشد. (المکتبه الشامله).

- أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990.

^۲ - سورة النحل / 67.

^۳ - در ترجمه آیات در این بحث از تفسیر نور اثر دکتور مصطفی خرم دل استفاده نمودم.

^۴ - سید سابق، فقه السنه، ج 2، ص 380.

و اما روایاتی که نقل کرده اند مشهورترین آنها روایت ابوعون ثقفی^۱ است که از عبدالله بن شداد^۲ و او از ابن عباس^۳ رضی الله عنهما روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «**حرمت الخمر لعینها، والسكر من غیرها**»^۴ «خمر ذات وعین آن حرام بوده اما اشیای دیگر در صورتی که مست کننده باشند حرام بوده در غیر آن نه». یعنی خمر حرام لذاته بوده و اشیای دیگر حرام لغیره (یعنی مستی).

گویند این نصی است که تاویل بردار نیست. اهل حجاز این روایت را ضعیف می دانند چون بعضی راویان آن بجای «والمسکر من غیرها» «المسکر من غیرها» را روایت کرده اند. از جمله این روایات حدیث شریک از سماک بن حرب با اسناد خود از ابوبرده بن نیار است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: «**إني كنت نهيتكم عن الشراب في الاوعية، فاشربوا فيما بدا لكم ولا تسكروا**»^۵ ترجمه: «من شما را از

^۱ - محمد بن عبدالله بن سعید ابوعون ثقفی از روات حدیث است و تابعی می باشد. (موسوعة رواة الحديث <http://hadithtransmitters.hawramani.com>).

^۲ - عبدالله بن شداد لثی. عبدالله فرزند شداد بن هاد لثی از اعراب مدنی بعدا کوفی، و مادرش سلمی خواهر اسماء بنت عمیس بوده که در ابتدا خانم حمزه رضی الله عنه بوده که بعد از شهادت آنحضرت، عبد الله بن شداد با سلمی ازدواج نمود. (سیر اعلام النبلاء 488/3)

^۳ - عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، مکنایه ابوالعباس، سه سال پیش از هجرت هنگام حضور مسلمانان و بنی هاشم و از جمله عباس و خانواده اش، در شعب ابی طالب زاده شد. پدرش عباس (م. ۳۴ق.) کاکای رسول خدا صلی الله علیه وسلم و مادرش ام فضل، لبابه کبرا دختر حارث هلالی خواهر میمونه همسر رسول خدا صلی الله علیه وسلم است. (الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۹۳۳).

^۴ - أخرجه ابن أبي شيبة (24067)، وأحمد في العُلل (723)، والنسائي: 321 / 8، وبحشل في تاريخ واسط: 157، والطحاوی نی شرح معانی الآثار: 214 / 4، والنحاس في النسخ والمنسوخ (179)، والطبرانی في الكبير (10837)، وأبو نعیم في مسند أبي حنيفة: 44 / 2 - 45، وابن حزم في المحلى: 481 / 7، قال الهيثمي في المجمع: 53 / 5 "رواه الطبرانی بأسانيد ورجال بعضها رجال الصّحيح" وانظر نصب الرأية: 306 / 4 - 307.

^۵ - شرح معانی الآثار « کتاب الأشربة » باب الانتباز فی الدباء والحتمم والتقییر والمزفت، 6541.

مشروبی که در کوزه‌ها است، نهی کرده بودم، پس هر مشروبی را بنوشید ولی مستی نکنید و مست نشوید»
که طحاوی آن را ذکر کرده است.

از عبد الله ابن مسعود روایت است که گفته است: «من نیز مانند شما حاضر بودم که نبیذ حرام شد و از آن اطلاع دارم و شاهد دوباره حلال شدن آن بودم، من آن را بخاطر سپردم و شما آن را فراموش کردید»^۱.

از ابوموسی اشعری^۲ روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم من و معاذ بن جبل^۳ را به یمن فرستاد گفتیم ای رسول خدا در آنجا دو نوع مشروب هست که از گندم و جو ساخته می‌شوند که یکی را «المذر» و دیگری را «البتع» می‌نامند. آیا از آنها نوشیم؟^۴...!

پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «اشربا ولا تسکرا» «از آن بنوشید ولی مست نشوید». که آن را نیز طحاوی ذکر کرده است... از اینگونه اخبار ضعیف، در این باره یاد کرده اند^۱.

^۱ - ابن مسعود، (د ۳۲ یا ۳۳ ق/۶۵۳م) از نخستین مسلمانان و مهاجران حبشه، راوی حدیث، قاری و مفسر قرآن کریم، مدفون در بقیع است. او از اصحاب مشهور پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می‌باشد. بر اساس آنچه در منابع آمده، ابن مسعود آیات قرآن را از حافظه بر شاگردان املا می‌نمود و آنان قرائت او را در مصاحفی می‌نوشتند. (محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، م. ۷۴۸ ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۲۸۱).

^۲ - ابو موسی نامش عبدالله پسر قیس بن سلیم بن حضار، از مردم قریه رمع یکی از قرای یمن و اشعریان آن جا بود و در سال بیست و یکم قبل از هجرت در یمن متولد شد و از اصحاب مشهور رسول الله صلی الله علیه وسلم میباشد. (ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ط الاولی، ۱۴۱۰/۱۹۹۰، ج ۴، ص ۸۰).

^۳ - معاذ بن جبل: معاذ بن جبل بن عمرو بن اوس بن عائذ؛ کنیه اش ابو عبد الرحمن و از انصار پیامبر اسلام (ص) است. [1] او به همراه هفتاد نفر از کسانی بود که در بیعت عقبه؛ با پیامبر (ص) بیعت کرد [2] و در جنگ‌هایی؛ مانند بدر و أُحد به همراه پیامبر (ص) شرکت کرد. (ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج 4، ص 418، دار الفکر، بیروت، 1409 ق.)

^۴ - شرح معانی الآثار 4/ 228.

اما استدلال نظری و منطقی آنها اینست که خداوند در قرآن علت تحریم «خمر» را مانع بودن آن از ذکر خدا و سبب شدن آن برای ایجاد دشمنی و کینه در بین مردم ذکر کرده است، که می فرماید:

(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)^۱

ترجمه: شیطان می خواهد از طریق میخوارگی و قماربازی در میان شما دشمنانگی و کینه توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد. پس آیا (از این دو چیزی که پلیدند، و دشمنانگی و کینه توزی می پراکنند، و بندگان را از یاد خدا غافل می کنند، و ایشان را از همه عبادات، به ویژه نماز که مهمترین آنها است، باز می دارند) دست می کشید و بس می کنید؟!

این علت تنها در مقداری وجود دارد که مست کننده باشد، پس مقداری که مست کننده نباشد نباید حرام باشد، مگر اینکه اجماع بر آن باشد مانند خمیری که از انگور ساخته می شود که باجماع اندک و بسیار آن حرام است، ولی در مشروبات دیگر چنین نیست تنها مقدار مستی آور حرام است.^۲

و گفته اند اینگونه قیاسها حکم نصی دارد که شرع به علت آن اشاره کرده است. دانشمندان معاصر از اهل نظر و رای گفته اند از نظر دلیل سمعی و روایتی حجت اهل حجاز قوی تر است و از نظر قیاس طریقه عراقیان آشکارتر است.

^۱ - أحمد بن محمد بن سلامه بن عبدالمملک بن سلمه أبو جعفر الطحاوی، شرح معانی الآثار، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة الأولى، 1399، ج 4، ص 220، شماره: 5996.

^۲ - سورة المائدة / 91.

^۳ - سید سابق، فقه السنة، ج 2، ص 385.

و این اختلاف از اینجا ناشی شده است که آیا قیاس بر روایات و آثار مقدم است یا آثار و روایات بر قیاس مقدم است، که در تعارض این دو گونه دلیل اختلاف پیش آمده است حجازیان آثار را مقدم می‌دانند و عراقیان قیاس را مقدم می‌دانند - ولی حق آنست که آثار و روایات اگر نص ثابتی باشند، بایستی بر قیاس مقدم داشته شوند. لیکن اگر ظاهر الفاظ آثار احتمال تاویل داشته باشد، فرق می‌کند و جای نظر است که آیا باید لفظ را تاویل نمود و بین قیاس و اثر توافقی بوجود آورد، که بمحتوای هر دو عمل شود؟ یا اینکه ظاهر لفظ بر قیاس مقدم است؟ این مسئله مورد اختلاف است و بر حسب قوت الفاظ ظاهر و قوت قیاس، در بین آنها، ترجیح برقرار می‌گردد و این کار نیاز به درک عمیق عقلی و استنباط عقلی دارد، که کار هر کس نیست همانگونه که با ذوق سخن موزون از غیر موزون تشخیص داده می‌شود، چه بسا هر دو ذوق با هم مساوی باشند... لذا اختلاف فزونی یافته تا جائیکه گفته‌اند: «هر مجتهدی مصیب است»^۱.

قاضی عیاض^۲ گفته است: آنچه که بنظر من می‌رسد - والله اعلم - آنست که سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که گفته است: «کل مسکر حرام» اگر چه احتمال دارد که مقصود آن باشد که مقدار مست کننده هر نوع مشروبی حرام است، نه جنس مشروب مست کننده. ولی تعلیق تحریم به جنس آن نه بمقدار آن ظاهرتر و غالبتر بنظر می‌رسد. زیرا دور نیست که شارع مقدس اندک و بسیار مواد مست کننده را حرام کرده باشد بخاطر جلوگیری از فساد و تشدید در حرمت آن، اگر چه زیان و ضرر تنها از مقدار بسیار آن ناشی می‌شود و باجماع ثابت شده است که مراد شارع در «خمر» مشروبی که از انگور و خرما گرفته می‌شود، جنس

^۱ - سید سابق، فقه السنه، 389/2.

^۲ - قاضی عیاض از برجسته‌ترین دانشمندان مغرب و اندلس در قرن پنجم و ششم قمری، است که به دلیل اهمیت و شهرت وی، شرح حال او تقریباً در تمامی منابع رجالی و تاریخی مربوط به مغرب و اندلس آمده است. (نووی، ابوزکریا محی الدین، تهذیب الاسماء و اللغات، ج ۲، ص ۴۳).

آنست نه مقدار مست کننده آن، و جنس معتبر است. بنابراین باید هر چیزی که همان علت تحریم خمر را دارا است، حکم آن را داشته باشد و کسی که بین آنها فرق می‌گذارد، باید اقامه دلیل کند و دلیل بیاورد.^۱

اگرچه آنان صحت این روایت را «ما أسکر کثیره فقليله حرام» قبول ندارند. چون اگر صحت آن را قبول کنند نمی‌توانند با نص صریح مخالفت کنند و تعارض بین نص و قیاس صحیح نیست و در آن هنگام قیاس معتبر نیست، بعلاوه شرع خبر داده است که در «خمر» زیان و منفعت هر دو وجود دارد. «قل فیهما إثم کبیر و منافع للناس» اگر جمع بین نبودن زیان و ضرر و بین وجود منفعت، اراده شود (یعنی چیزی زیان نداشته باشد و در عین حال دارای منفعت هم باشد) قیاس اقتضا می‌کند که مقدار فراوان آن حرام و مقدار اندک آن حلال باشد.^۲

اما چون شرع اسلام درباره «خمر» حکم مضرت و زیان آن را، بر منفعت آن تغلیب داده است و اندک و بسیار آن را منع نموده است، پس باید در تمام چیزهایی که علت تحریم خمر وجود دارد، این حکم جاری باشد (اندک و بسیار آنها حرام باشد) مگر اینکه یک دلیل شرعی بین آنها تفاوت قائل باشد و آن را استثناء کند. و اتفاق کرده‌اند بر اینکه «نبیذ» خوردن مادام که شدت طرب و مستی «خمر» در آن پدید نیاید حلال است چه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: **«فانتبذوا، وکل مسکر حرام»**^۳ ترجمه: «از نبیذ استفاده کنید ولی هر چیزی که مست کننده باشد حرام است.»

^۱ - ابن رشد الحفید - بدایة المجتهد ونهایة المقتصد - ج ۱ - الصفحة ۳۸۲.

^۲ - مرجع سابق.

^۳ - سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم الطبرانی (المتوفی: 360هـ)، مسند الشامیین، المحقق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1405 - 1984، ج 2، ص 215، شماره: 1213.

و ثابت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم «نبیذ» می ساخت و آب میوه می گرفت و در روزهای دوم و سوم آن را می ریخت. و درباره دو مسئله با هم اختلاف کرده اند، یکی درباره ظروفی که در آنها «نبیذ» ساخته می شود و بعمل می آید. و دوم درباره ساختن «نبیذ» از دو چیز مانند دو نوع خرمای «بسر» و «رطب» و «خرما» و «مویز»^۱. پایان خلاصه سخن ابن رشد در بدایه المجتهد^۲.

فروع دوم: معنای اصطلاحی خمر از دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله

احناف خمر را تعریف نموده طوری که گفته اند: خمر عبارت از آن چه که از آب انگور با فشردن به شدت و جوشاندن و قف کردن به وجود می آید به شکل طبیعی بدون آتش^۳.

در الموسوعه الفقهیه الكويتیه آمده است: (اکثر شافعی ها، امام ابو یوسف^۴ رحمه الله و امام محمد^۵ رحمه الله از احناف و برخی از مالکی ها میگویند: که شراب آب مست کننده از انگور است اگر تشدید شود، چه با

^۱ - مویز: انگور خشک شده.

^۲ - بدایه المجتهد 437-434/1.

^۳ - کمال الدین محمد بن عبد الواحد السیواسی المعروف بابن الهمام (المتوفی: 861هـ)، فتح القدير، الناشر: دار الفكر، (5/ 79 - 81).
^۴ - امام ابو یوسف رحمه الله: ابو یوسف (113 ق - 182 ق / 797 731 م) یعقوب بن ابراهیم انصاری، معروف به ابو یوسف، که شاگرد امام ابو حنیفه نعمان بن ثابت است. "قاضی ابو یوسف امام مجتهد، محدث، قاضی القضاة، ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبيب بن حبیب بن سعد بن بجیر بن معاویه انصاری کوفی است." (سیر أعلام النبلاء، الذهبی - شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: 748هـ) تحقیق: مجموعه از محققین به اشراف الشیخ شعیب الأرنؤوط، ناشر: مؤسسۃ الرسالۃ، چاپ: سوم، 1405 هـ / 1985 م).

^۵ - امام محمد بن حسن شیبانی رحمه الله: (131 ق - 189 هجری) دانشمند، فقیه، محدث و زبان شناس مسلمان، صاحب امام ابو حنیفه نعمان رحمه الله و ناشر مذهب وی، ملقب به "صاحب ابوحنیفه و فقیه عراق" است. وی در سال 131 هجری و در بواسط متولد شد، (سیر أعلام النبلاء، ص 536، شمس الدین الذهبی).

قف کردن بریزد یا نه ، و این آشکارترین تعریف است نزد امام ابوحنیفه^۱ رحمه الله و برخی از شافعی ها به آن آب انگور شراب می گویند که جوش شود. و تنها امام ابوحنیفه مقید نموده است، که پس از تشدید و جوشیدن قف نموده و بریزد^۲ و احناف تصریح کرد اند که آب انگور خام باشد^۳.

فرع سوم: جمع بندی هردو دیدگاه ورأی راجح

طوری که در فوق آرا و نظریات فقها ذکر گردید، دانسته می شود که اگر خمر، تنها بر نوشیدنی های عصر رسالت گفته شود، و یا دست کم، آب مایه هایی را که برابر نظر عرف، بر آن ها خمر گفته می شود، در بر بگیرد، بی گمان پاره ای از نوشیدنی های الکلی عصر حاضر، مصداق خمر نخواهند بود و زیر عنوان آب مایع سُکر آور قرار خواهند گرفت. پذیرش این دیدگاه، در حرام بودن، یا حرام نبودن این گونه آب مایگان، اثری نخواهد داشت. به این دلیل که علت حرام بودن پوشیدگی و اسکار است و حکم حرام بودن دایر مدار علت است. اما پاکی و ناپاکی این گونه آب مایگان، حتی بنا بر نظر کسانی که خمر را نجس می دانند، نیاز به دلیل جداگانه ای دارد. و چون ملازمه ای میان حرام بودن و ناپاکی خمر و یا میان حرام بودن، و ناپاکی آب مایه های سُکر آور وجود ندارد، رأی به نجس بودن خمر و پاکی آب مایه های سُکر

^۱ - امام ابوحنیفه (رحمه الله): ابوحنیفه نعمان فرزند ثابت الکوفی (150-80 ق / 699-767 ق) فقیه و دانشمند مسلمان و اولین امام از چهار امام در میان اهل سنت و جماعت، و صاحب مذهب حنفی در فقه اسلامی است. ابوحنیفه از جمله تابعین بوده و با انس بن مالک رضی الله عنه ملاقات نموده است، (أبوحنیفه: حياته وعصره - آراؤه وفقهه، الإمام محمد أبو زهرة، دار الفكر العربي، الطبعة الثانية، ص 14).

^۲ - علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الکاسانی الحنفی (المتوفی: 587هـ)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (112/5)، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الثانية، 1406هـ - 1986م.

^۳ - الموسوعة الفقهية الكويتية، ص 389.

آور، مجالی خواهد داشت. اما بنا بر دیدگاه دوم، چون هر آنچه سُکر آور است، مصداق خمر قرار می‌گیرد، به فصلی زیر عنوان آب مایه‌های سُکر آور نیازی نخواهد بود.

پس طوری که معلوم شد و نظر به دلایل ذیل دیدگاه اول راجح می‌باشد؛ چون وقتیکه قرآن حرمت خمر را نازل فرمود، صحابه- که آنها اهل زبان هستند - فهمیدن هر چیزی که خمر نامیده شود، داخل نهی شمرده می‌شود. آنها آنچه که از خرما یا خشک و از خرما یا تازه گرفته بودن ریختاندن و آن را به آنهایی که از انگور گرفته شده بود اختصاص ندادند، به فرض تسلیم اینکه مراد از خمر خاص آب انگور باشد، اما تسمیه هر چیز مسکر به عنوان خمر از جانب شرع، حقیقت شرعی بوده و بر حقیقت لغوی رجحان دارد^۱.

پس هر چیزی که مستی آور و سُکرزا باشد «خمر» نامیده می‌شود از هر ماده ای که ساخته شود، مهم نیست بنابراین هر چیز مستی آوری از هر نوع و جنسی باشد، از نظر شرع اسلام «خمر» نامیده می‌شود و حکم آن را دارد و حرام است، خواه از انگور یا خرما یا عسل یا گندم یا جو یا هر چیزی شبیه بدان ساخته شود.

چون همه آنها زیان فردی و عمومی و زیان خاص و عام دارند و مانع یاد الله متعال و مانع نماز خواندن و موجب پیدایش دشمنی و کینه در بین مردم هستند، لذا حرام می‌باشند و شارع بین آنها فرقی قائل نیست، که اندکی از مسکری را حلال و اندکی از نوع دیگر آن را حرام بداند، بلکه همه آنها بدون استثناء حرام می‌باشند. فرمان تحریم مسکرات صریح و صحیح و قاطع و واضح و روشن است و شک بردار نیست

^۱ - الموسوعه الفقهیه الكويتیه 12/5.

اینست رای و نظر فقهای اصحاب و تابعین و این رای با دلایلی که قبلاً گفتیم و با نظر فقهای شهرها

«امصار» و مذهب اهل حدیث و مذهب امام محمد از یاران ابوحنیفه مخالفت ندارد و فتوی بر آن است.^۱

و فقهای عراق و ابراهیم نخعی^۲ و سفیان ثوری^۳ و ابن ابی لیلی^۴ و شریک^۵ و ابن شبرمه^۶ و فقهای دیگر

کوفی و بیشتر علمای بصره و ابوحنیفه با این رای مخالفت کرده اند و گفته اند :

هر مشروب مست کننده ای که از آب انگور گرفته می شود بسیار و اندکش حرام است و اما مواد مست کنند

ای که از غیر آب انگور گرفته می شوند مقدار بسیاری که مست کند حرام و مقدار اندکی که مست نمی کند

حرام نیست بلکه حلال است و این رای و نظر با دلایلی که قبلاً ذکر کردیم کاملاً مخالفت دارد.^۱

^۱ - سید سابق ، فقه السنه ، الناشر: دار الكتاب العربی، بیروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1397 هـ - 1977م، ص 1240.

^۲ - ابراهیم نخعی، ابو عمران بن یزید (د ۹۶ق/۷۱۵م)، متکلم، فقیه، محدث و از حافظان بنام حدیث. نام و نسب کامل او ابراهیم بن یزید بن قیس بن اسعد نخعی کوفی است. در تاریخ تولد و مرگ وی اتفاق نظر نیست: توکد او را در ۵۰ق/۶۷۰م و مرگ او را در ۹۵ ق م نیز دانسته اند. (سیر أعلام النبلاء للذهبی 4 / 520).

^۳ - سفیان ثوری: ابو عبدالله سفیان بن سعید بن مسروق بن حبيب ثوری کوفی، پدرش سعید بن مسروق ثوری کوفی است و نسب او با چهارده واسطه به ثور بن عبدمناف می رسد و به همین ج هت هم او را ثوری گویند ..سفیان در شمار تابعیان محسوب می شود. (سیر أعلام النبلاء : ج ۷ ص ۲۹۷).

^۴ - ابن ابی لیلی: عبدالرحمن بن ابی لیلی، از چهره های سرشناس و معروف صدر اسلام بود که هم دوران خلفا را درک کرد و تا دوران عبدالملک نیز در قید حیات بود و جزء فقهای آن دوران از وی یاد شده است. وی به ابن ابی لیلی معروف بود. وی که از تابعین به شمار می رود، بیش از صد و بیست صحابی را دیده و آنان را درک نموده است. (ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۶۶، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰).

^۵ - شریک: شریک بن عبد الله ابو عبد الله نخعی، علامه، حافظ، قاضی یکی از اعلام هستند، شریک زمان عمر بن عبد العزيز را دریافتند. (سیر أعلام النبلاء : ج 8 ص 200).

^۶ - ابن شبرمه: عبد الله بن شبرمه ضبی، امام، علامه، فقیه عراق، قاضی کوفه. و از انس بن مالک رضی الله عنه، ابی طفیل عامر بن وائل و ابی وائل شقیق و دیگران حدیث روایت کرده استو در سال یک صدو و چهل و چهار وفات نمودند. (سیر أعلام النبلاء 6 / 349).

مطلب سوم: تعریف خمر در طب و کیمیا

خمر عبارت است از مایعات معروفی که از تخمیر بعضی حبوبات یا میوه‌ها بدست می‌آید که مواد قندی و نشایسته‌ای آنها به الکل تبدیل می‌شود چون دارای باکتری‌هایی هستند که می‌توانند مواد خاصی را تراوش نمایند، که وجود آنها برای عمل تخمیر ضروری است. این مایعات را بدین جهت خمر می‌نامند چون عقل را می‌پوشانند و ادراک و تشخیص را تباه می‌سازند - چون خمر بمعنی پرده و پوشش است - این بود تعریف طبی خمر^۱.

مطلب چهارم: تعریف خمر در قانون

و در قانون تعریف مشخصی از خمر نشده بلکه مجازات نوشیدن و خرید و فروش آن بیان گردیده است طوری که در ماده 684 کد جزای افغانستان آمده است: (هرگاه در جرم نوشیدن شراب شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد شرب خمر ساقط گردد، مرتکب، تعزیراً به بدیل حبس یا جزای نقدی از ده هزار تاسی هزار افغانی، محکوم می‌گردد)^۲.

^۱ - - محمد بن فرامرز بن علی الشهیر بملا - أو منلا أو المولی - خسرو (المتوفی: 885هـ)، درر الحکام شرح غرر الأحکام، الناشر: دار إحياء الكتب العربية، ج 2، ص 87.

- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسی (المتوفی: 483هـ)، المبسوط للسرخسی، الناشر: دار المعرفة - بیروت، تاریخ النشر: 1414هـ - 1993م. ج 24، ص 17.

^۲ - ویسایت طب <https://www.webteb.com> / تاریخ نشر در سایت: 26 ینایر 2016.

- الخمر بین الطب والفقہ د. محمد علی البار، الدار السعودیة للنشر والتوزیع، جدۀ، ط 6، 1404 هـ / 1984 م.

^۳ - وزارت عدلیه ج.ا.ا، جریده رسمی، تاریخ نشر: 25 ثور سال 1396 هـ ش نمبر مسلسل 1260، ماده: 684.

مبحث دوم - انواع خمر و خمر در ادیان دیگر

در این مبحث پیرامون انواع خمر از لحاظ ساخت و اینکه هر نامی که بالای آن گذاشته شود باز هم خمر است، و از احکام خمر در ادیان دیگر بحث شده است.

مطلب اول - انواع خمر از لحاظ ساخت آن

در فقه السنه علامه سید سابق^۱ انواع خمور و شراب را این گونه بیان نموده است: شراب با نامهای مختلف در بازار یافته می شود و گاهی باعتبار و نسبت درصد وجود الکل در آن باقسام ویژه ای تقسیم می شود برای مثال بنامهای: «براندی» و «وسکی» و «رومی» و «لیکور» و غیر آن وجود دارند که نسبت درصد الکل موجود در آنها از 40٪ تا 60٪ در نوسان است و در شرابهای دیگری بنام «جن» و «هلندی» و «ژنوی» این نسبت به 33٪ تا 40٪ و در انواع دیگری مانند «بورت» و «شری» و «مادیرا» به 15٪ تا 25٪ و در بعضی از شرابهای سبک مانند «کلارت» و «هوک» و «شامپانی» و «برجانندی» به 10٪ تا 15٪ در انواع آبجوها از قبیل «اپیل» و «پورتر» و «استون» و «مونیحی» و «بوظه» و آنچه که از نیشکر تخمیر شده و مواد دیگری می سازند به 2٪ تا 9٪ می رسد.^۲

^۱ - سید سابق: (1915-2000)، نویسنده کتاب معروف فقه السنه و یکی از علمای الازهر که فارغ التحصیل دانشکده شریعت بود، با امام حسن البنا یکجا شده و از زمان محصلی عضو اخوان المسلمین شد، وی روز یکشنبه 23 ذی القعدة 1420 هجری قمری موافق به 27 فوریه 2000 میلادی در سن 85 سالگی درگذشت و در قبرستان خانواده خود در روستای استنها جایی که به دنیا آمد دفن شد. (<http://www.ikhwanwiki.com/index.php?title>).

^۲ - فقه السنه، ص 1514، سید سابق.

مطلب دوم - شیوه های شراب سازی

درباره شیوه های شراب سازی اطلاعات زیادی در دست نیست.

به شیوه ای قدیمی، انگور را در «مَعَصْرَه» (تشت چوبی کم عمق) لگدمال می کردند.

چَرخُشت های گردان بسیار دیر به مشرق زمین وارد شد (چند نمونه قدیمی آنها در برخی از صومعه های لبنان هنوز باقی است).^۱

در این نگارگری ها کارگرانی دیده می شوند که خوشه های انگور را می آوردند و کارگران دیگری که انگور را در تشتی چوبی لگدمال می کنند و برای این که بهتر بجهند تسمه ای را دستاویز خود کرده اند؛ تشت سوراخی دارد که آب انگور از آن به آوندی می ریزد؛ خُم های دسته دارِ ته باریکی (در عربی: «دَنّ»، جمع: «دنان») به دیوار تکیه دارد که تخمیر (در سردابه ها و بندرت در هوای باز) و کهنه شدن در آنها صورت می گیرد.^۲

این مراحل در برخی از آثار ادبی نیز وصف شده است، ولی در کتاب های فقهی، که به منع آشامیدنِ برخی از نوشابه ها نظر دارند، به ویژه از انواع گوناگون ظرف های مناسب تخمیر به تفصیل سخن رفته است.^۳

^۱ - احمد بن عبدالوهاب نویری، نهایة الارب فی فنون الادب، قاهره (۱۹۲۳-۱۹۲۵)، ج ۴، ص ۱۲۱.

^۲ - محمود بن حسین کشاجم، دیوان، ۱۳۱۳، ص ۸۳ سیوطی، المیئة السنیة، نسخه خطی پوهنتون استانبول، ش ۱۴۷۶، گ ۵۰.

^۳ - منبع سابق

مطلب سوم - تاریخچه ساخت و مصرف خمر

از سنگ نوشته ها، آثار به جای مانده از تمدن های کهن: مصر باستان، بابل، آشور و... افسانه های ملت هایی چون: چینی ها، یونانی ها، رومی ها و... بر می آید که زمان های بسیار دور و از عصر پارینه سنگی، بشر از آب مایه های الکل و خمر استفاده می کرده است^۱. بشر وقتی به ویژگی های انگور پی برد و ویژگی های تخمیری آن را شناخت، صنعت شراب سازی و مصرف آن را پی گرفت. در جزیره العرب، از زمان های دور از گوناگون آب مایه های سُکرآور استفاده شده است. عرب ها، از گوناگون میوه ها، عسل، دانه ها، گندم گونگان، نوشیدنی های سُکرآور می ساخته و هر یک را با نامی می شناخته اند: صهبا: شراب انگور. بتع: شراب عسل، یا خرما می تر. عبیرا شراب ذرت، نبیذ: شراب فشرده از خرما، یا انگور، مرز، فضیح و... شمس الدین نواجی^۲ در حلیه الکمیت می نویسد: تا ۱۳۰ گونه مستی آور در جزیره العرب، وجود داشته است^۳.

حنّا الفاخوری^۴ می نویسد: در عصر جاهلی شراب از سوریه و فلسطین و دیگر شهرهای مجاور می آمد، و تا به بادیه می رسید، بهایش افزون می شد. بنابراین، جز توانگران و بخشندگان و صاحبان کرم، کسی را توان

^۱ - سید رضا آقا پور مقدم، شناخت الکل از نگاه علمی و اجتماعی و اقتصادی، ج ۱، ص ۱۰۲.

^۲ - شمس الدین نواجی: شمس الدین نواجی (۱۴۵۵-۱۳۸۶) (نسب کامل: شمس الدین محمد بن حسن بن عثمان نواجی) ادیب و شاعر مصری بود. در قاهره زاده شد و در ادبیات و شعر سرآمد بود. (مصطفی، محمود (۱۹۸۳).

إعجام الأعلام. بیروت: دار الکتب العلمیة. ص. ۱۹۳. دریافت شده در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۶).

^۳ - سید رضا آقا پور مقدم، شناخت الکل از نگاه علمی و اجتماعی و اقتصادی، ج ۱، ص ۱۰۵.

^۴ - دکتر حنّا الفاخوری: حنّا الفاخوری نویسنده، ادیب و تاریخ نگار لبنانی در 25 اوت 1916 در منطقه زحله لبنان به دنیا

آمد. (سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

<http://icro.ir/index.aspx?pageid=32738&p=107&showitem=8494>

باده گساری نبود. بعضی از شاعران، گه گاه شراب می نوشیدند و به تفاخر، به وصفش می پرداختند. از شاعران جاهلی که سخن از شراب گفته اند، اعشی و طرفه بشمارند^۱. همین طور می نویسد: آنچه در دیوان اعشی چشمگیر است، وصف شراب است که در اکثر قصائد او دیده می شود. او، شراب را به خاطر خود شراب، نه به خاطر تفاخر، چنانکه عادت شاعران پیش از او بود، می ستاید و در وصف آن، بسط مقال می دهد و از ندیم و ساقی و مطرب یاد می کند و در لطیف ترین شیوه، حالت مستان را تصویر می نماید. گاه گفت و گوی میان باده گسار و می فروش و ساقی را در درون وصف خویش، می گنجاند... او را گفتیم: این مشک شراب را به ماده، در برابر آن شتر سفید که مهارش را آن غلام در دست دارد. گفت: اگر نه تایی دیگر بر آن بیفزاید، بهای چنین شرابی نخواهد شد. آن گاه برخاست و برای ما شرابی ریخت که پس از لرزشش ما را آرامش بخشید^۲.

یا طرفه بن السعید^۳، شاعر دیگر عصر جاهلی می سراید: پیوسته پیشه من شرابخواری، تمتع از لذات و فروختن و خرج کردن موروث و مکتب بود تا آن جا که همه عشیره از من بگریخت و من چون اشتر جرب گرفته به قطران آلوده، تنها ماندم. یا می سراید: آن جا که برای رأی زدن گرد می آیند، مرا خواهی یافت،

^۱ - حنا الفاخوری، تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن معاصر، ج ۱، ص ۴۳، ترجمه عبدالحمید آیتی، توس، تهران.

^۲ - حنا الفاخوری، تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن معاصر، ج ۱، ص ۱۴۱، ترجمه عبدالحمید آیتی، توس، تهران.

^۳ - طرفه بن العبد: طرفه بن العبد فرزند سفیان (حدود ۸۶ - ۶۰ ق. هـ / ۵۳۹ - ۵۶۴ م). در بحرین متولد شد. نام کامل وی: طرفه بن العبد بن سفیان بن سعد بن مالک بن ضبیعه بن قیس بن ثعلبه بن عکابه بن صعرب بن علی بن بکر ابن وائل بن قاسط بن هنب بن أفصی بن دعمی بن جدیله بن أسد بن ربیعہ بن نزار بن معد بن عدنان.) از شاعران عرب دوران جاهلی بود، طرفه و دایی اش متمسک هر دو در دستگاه عمرو بن هند امیر حیره از ستایشگران او بودند. (<https://fa.wikipedia.org/wiki>).

همچنان که صدرنشین حانوت باده فروشانم. یا می سراید: بگذار همامه خود را در زمان حیاتش از می سیراب کنم که چون مرگ ما فرا رسد، خواهی دید کدام یک از ما تشنه کام از دنیا خواهد رفت!

شراب در مشرق زمین

در مشرق زمین، شراب را از قدیم ترین ایام می شناختند و از منشأ افسانه ای آن، بی آنکه جنبه شیطانی بر طبق قرآن کریم (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۱) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ) (۲)

ترجمه: ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی که در کنار آنها قربانی می کنید) و تیرها (و سنگها و اوراقی که برای بخت آزمائی و غیگوئی به کار می برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و ناشی از تزئین و تلقین (عمل شیطان می باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید.

شیطان می خواهد از طریق میخوارگی و قماربازی در میان شما دشمنانگی و کینه توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد. پس آیا (از این دو چیزی که پلیدند، و دشمنانگی و کینه توزی می پراکنند، و بندگان را از یاد خدا غافل می کنند، و ایشان را از همه عبادات، به ویژه نماز که مهمترین آنها است، باز می دارند) دست می کشید و بس می کنید؟!

^۱ - حنا الفاخوری، تاریخ ادبیات زبان عربی از عصر جاهلی تا قرن معاصر، ج ۱، ص ۱۴۱.

^۲ - سوره مائده / آیه ۹۰ - ۹۱.

از یاد برود، خاطرات مبهمی در متون و منابع اسلامی محفوظ مانده است.

در این متون، از سویی، به روایات بابلی راجع به انبیا، چون آدم و نوح علیهما السلام^۱ توجه شده است و، از سوی دیگر، به سنت آرامی - سریانی در بیرون از محدوده تورات؛ و این جمله نمودار همان فرهنگ باستانی «هلال خصب» است که جهان اسلام وارث آن بوده است.

برخی از روایات منشأ شراب را به دو تمدن بزرگ مجاور سرزمین اسلام، یعنی تمدن روم و هند می‌رسانند.^۲

صاحب کتاب الفلاحه (ترجمه ابن وحشیه^۳) اهمیت تاک را در هلال خصب نمایانده و به شراب‌ها و انواع انگوری که در خور تهیه شراب اند اشاره کرده است.^۴

^۱ - تنحوما، ص ۲۸-۲۹، مدرّش مبتنی بر عناصر بابلی.

^۲ - علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، چاپ باریه دمنیار و پاوه دکورتل، پاریس ۱۸۶۱-۱۸۷۷، ج ۲، ص ۸۸-۹۲.

- ابن رقیق، قطب السورور، نسخه خطی کتابخانه ملی فرانسه، ش ۳۳۰۲، گک ۴۲.

- محمد بن حسین نواجی، حلبه الکمیت، قاهره ۱۹۳۸، ص ۱۱-۱۲.

- ابوبکر بن عبدالله بدری دمشقی، راحة الارواح، نسخه خطی کتابخانه ملی فرانسه، ش ۳۵۴۴، ص ۵۸-۵۹.

- بحرال حکایات، نسخه خطی کتابخانه ملی فرانسه، ش ۳۵۸۸، ۱۰۷ پ ۱۰۸ پ.

^۳ - ابنِ وَحْشِيَّة، ابوبکر احمد بن علی بن قیس کسدانی، شخصیت ناشناخته نبطی (سده‌های ۳ و ۴ ق / ۹ و ۱۰ م) که ترجمه آثار در زراعت، گیاه شناسی، نجوم، کیمیاگری، زهرشناسی، پزشکی، جادوگری و نیز اثری درباره خطوط دورانهای کهن به وی نسبت داده می‌شود و عمده‌ترین آنها، یعنی کتاب الفلاحه النبطیه شهرت جهانی یافته است. (مرکز دائرة المعارف

بزرگ اسلامی [/https://www.cgie.org.ir](https://www.cgie.org.ir))

^۴ - کتاب الفلاحه، ترجمه ابن وحشیه، چاپ فواد سرگین، فرانکفورت ۱۴۰۵/۱۹۸۴، ج ۵، ص ۲۱۸-۴۶۵.

شراب در بین اعراب

عرب‌هایی که در نواحی زراعتی مستقر شدند در تاک پروری و کشت درخت انگور به معنای واقعی سابقه‌ای نداشتند؛ در واقع، در عربستان دوره جاهلی، تاکستان و خمخانه وجود داشت.

کیفیت شراب متوسط بود و حتی بازرگانان یهودی و مسیحی ناگزیر مقادیری از آن را وارد می‌کردند (پس از ظهور اسلام، بر اثر تحریم شراب، تجارت باده مختص جماعات کلیمی و مسیحی بود) ولی، این نه بدان معنی است که اعراب بادیه‌نشین باده را نمی‌شناخته‌اند؛ (چنانکه شعوبیه القا می‌کنند)^۱ و نه بدین معنی که در شراب نوشی افراط کرده‌اند.^۲

حقیقت این است که عرب‌ها از قدیم با باده آشنا بودند، ولی به‌ندرت، بخصوص به مناسبت بازارهای فصلی که قبایل متعدد در آنها گرد می‌آمدند، به باده‌نوشی روی می‌آوردند.^۳

تسخیر کشورهای غیر مسلمان طبعاً آشنایی با انواع جدید شراب را میسر ساخت.

جاحظ «الشارب و المشروب» حتی از «بلدان» باده خیز سخن گفته است.

شاعران دوره اسلامی از کشورهایی سخن گفته‌اند که پیش از اسلام به داشتن باده مرغوب شهره بودند.^۴

^۱ - بشاربن برد، دیوان، قاهره ۱۹۵۰-۱۹۵۶، ج ۱، ص ۳۷۸، بیت ۲. حسن بن هانی ابونواس، دیوان، قاهره ۱۸۹۸، ص ۲۴۴-۲۴۵.
ابن قتیبه، عیون الاخبار، ج ۳، ص ۲۳۷. ابن حمدون، تذکره، نسخه خطی کتابخانه راغب استانبول، ش ۱۰۸۳، ج ۳، ص ۲۸۷. ابن غریسه، نوادر المخطوطات، قاهره ۱۹۵۱، ص ۲۵۰.

^۲ - ابن حاوی، فن الشعر الخمری، بیروت، ص ۱۱.

^۳ - شرق شناسی هنری لامنس، ص ۸۵-۸۴. جوادعلی، تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد ۱۹۵۱-۱۹۵۹، ج ۸، ص ۱۶۲-۱۶۵.

^۴ - غیاث بن غوث اخطل، دیوان، بیروت ۱۸۹۱، ص ۱۱۷.

مطلب چهارم - شراب در ادیان دیگر

آیا دین یهودیت و مسیحیت اجازه نوشیدن مشروبات الکلی را داده اند، با وجود اینکه دین اسلام مطلقاً آن را ممنوع اعلام کرد !!؟؟ این سؤال بسیار پر پیچ و خم است و عده ای نیز فکر می کنند که یهودیت و مسیحیت به طور یکسان اجازه خوردن و نوشیدن الکل را داده اند و هیچ چیزی برای جلوگیری از مصرف مشروبات الکلی برای یهودیان و مسیحیان وجود ندارد، خوب ... این یک نگاه اشتباه و اصلاً واقعی نیست، بنابراین این موضوع نباید از دید شخصی قابل قضاوت باشد. و یا به سبب آموزه های نادرست که به کتاب مقدس نسبت داده و یا چیزهای نادرست دیگر، اگر ما می خواهیم به قضاوت این موضوع پردازیم پس مناسب است که به کتاب مقدس (تورات - و انجیل) این دو دین مراجعه کنیم، هر دو در سفارش به رسیدن به حقیقت از آن ماده است فیصله کنی، بین درست و غلط ... شاید برخی افراد دین مسیحیت را دین اباحت فکر کنند، بنابراین طوری می پندارند که درین دین هیچ مشکلی برای نوشیدن الکل وجود ندارد، زیرا شواهدی وجود دارد که کشورهای مسیحی اجازه فروش، خرید و گردش شراب را به صورت عمومی اجازه می دهند، برخلاف کشورهای عربی و اسلامی که گردش شراب را به طور کامل ممنوع می دانند ... خوب برای بازگشت به کتاب مقدس با عهد های قدیمی و جدید خود. بگذارید نگاهی دقیق و منطقی به هر دو آموزه یهود در تورات و آموزه های مسیحی در کتاب مقدس داشته باشیم تا زمانی که به حقیقت و بدون هیچ گونه سردرگمی برسیم و سپس در قرآن درباره سوره ها و آیاتی که به موضوع شراب می پردازد جستجو خواهیم کرد تا بدانیم آیا دین اسلام در واقع الکل را ممنوع کرده است!

¹ - الخمر بین اليهودیة والمسیحیة والإسلامیة !؟؟، ماغی خوری، الحوار المتمدن،

<http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=95221&r=0>

فرع اول: تحریم شراب در دین عیسویت

در انجیل کنونی نیز مخالفت با شرابخواری دیده می‌شود. کاری که نشانه حکیم نبودن و نادانی معرفی شده و آمده است: «شراب استهزا می‌کند و مسکرات عربده می‌آورد و هر که به آن فریفته شود حکیم نیست.^۱

باز هم می‌توان نمونه‌هایی برای حرمت شرابخواری در تورات و انجیل یافت. برای نمونه می‌توان به: انجیل لوقا، باب اول، بند ۱۵؛ امثال سلیمان، باب ۲۰، بند ۱ و باب ۲۳، بند ۲۹ تا ۳۵؛ کتاب اشعیا، باب ۵، بند ۲۲ و باب ۲۸، بند ۷ تا ۱۲؛ کتاب یوشع، باب ۴، بند ۱۱ اشاره کرد.

اما، در انجیل یوحنا داستانی خرافی درباره حضرت عیسی (علیه‌السلام) بیان شده و ساخت شراب و نوشاندن شراب به دیگران را به آن حضرت نسبت داده شده و آمده است: «در قانای جلیل، عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود؛ عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند؛ چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت، شراب ندارند؛ و در آنجا شش قدح سنگی نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کیل داشت. عیسی بدیشان گفت، قدح‌ها را از آب پر کنید؛ و آن‌ها را لبریز کردند. پس بدیشان گفت: الآن بردارید و به نزد رئیس مجلس ببرید. پس بردند؛ و چون رئیس مجلس آن آب را که شراب شده بود...^۲

^۱ - امثال سلیمان، ۲۰: ۱. (امثال سلیمان (درعبری: מִשְׁלֵי שְׁלֹמֹה به معنی «کنایه‌ها») یکی از بخش‌های کتوبیم تنخ و از نوشته‌های پیامبران در عهد عتیق انجیل است. این کتاب به سلیمان پسر داوود علیهما السلام نسبت داده شده است. (<https://fa.wikipedia.org/wiki/مجله> ویکی‌پدیا).

^۲ - انجیل یوحنا، ۲: ۱-۱۰ (یوحنا بن زبدي یا یوحنا رسول (یونانی: Ιωάννης) از حواریون و از دوازده رسول برگزیده عیسی بود. انجیل یوحنا از نظر ساختار و محتوا با سه انجیل هم نظر (متی، مرقس، و لوقا) متفاوت است. (<https://fa.wikipedia.org/wiki/مجله> ویکی‌پدیا).

همچنانکه می‌بینیم طبق این فراز سراسر کذب، حضرت عیسی (علیه‌السلام) فردی معرفی شده که در مجلس شراب شرکت کرده و حتی با تمام شدن شراب دست به کار شده و از نیروی الهی خویش برای تولید شراب استفاده کرده است. ماجرای که بر خلاف کتاب مقدس و دستورات خداوند به حضرت هارون (علیه‌السلام) است. دو متنی که کاملاً با یکدیگر متناقض است. حال باید گفت اگر این تناقض گویی در کتاب مقدس نشان تحریف نیست؛ پس گویای چه مسئله‌ای است.

سید سابق در کتاب فقه السنه نوشته کرده است: همانگونه که می‌گساری در اسلام حرام است در دین مسیح نیز حرام بوده است گروهی از مردم از روسای^۱ دین مسیح در «وجه قبلی» در مصر درباره منع مسکرات در طی مصاحبه ای طلب فتوی نمودند. که آن دسته از علمای دین مسیح، پاسخ دادند که همه کتب آسمانی انسان را از مسکرات منع کرده‌اند و رئیس کلیسای ارتدکس روسیه با نص صریح کتاب مقدس بر تحریم مسکرات استدلال کرده است سپس گفت: بطور اجمال در هر کتاب آسمانی مسکرات حرام شده است خواه از آب انگور یا از مواد دیگر باشد مانند جو و خرما و عسل و سیب و غیره^۲.

از جمله شواهدی که در عهد جدید کتاب مقدس یعنی انجیل آمده است، قول «بولس» است که در رساله اش به اهل «افسس» (8/5) می‌گوید:

«با می و خمیری که در آن خلعت و بی‌بند و باری است، مستی نکنید و در» اکوه (11) از مخالفت و آمیزش با مست نهی کرده و گفته است: مستان به ملکوت آسمانها نایل نمی‌شوند و آن را به ارث نمی‌برند (غلا. ۲۱ «اکو 10.9.6».

فروع دوم: تحریم شراب در دین یهودیت

در تورات شرابخواری باعث نجاست انسان معرفی شده و خداوند خطاب به هارون (علیه‌السلام) فرموده است: «تو و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شوید، شراب و مُسکری منوشید مبادا بمیرید.

^۱ - از جمله مطران مسئول کرسی «اسیوط» و رئیس کلیسای «بلینا» و «قنا» در تاریخ 1922/9/16 م.

^۲ - فقه السنه، ص 1522، سید سابق.

این است فریضه ابدی در نسل‌های شما؛ و تا در میان مقدّس و غیر مقدّس و نجس و طاهر تمیز دهید.^۱ طبق این فراز، علاوه بر آنکه خداوند هارون را از نوشیدن شراب نهی کرده، حکم حرمت آن را ابدی دانسته و آن را برای تمام نسل‌های بعدی قانونی لازم الاجرا معرفی کرده است.

در دین یهودیت، نوشیدن مشروبات مست‌کننده و شراب و حتی انگور تازه یا خشک، به علت تأثیرات مخرب و زیانبار نهی شده است.^۲ در شریعت یهود، مجازات کاهنینی که شراب و دیگر مسکرات را می‌نوشیدند، مرگ بود. افرادی که خود را برای خداوند نذر می‌کردند نیز می‌بایست از نوشیدن شراب پرهیز می‌کردند. سلیمان اعتقاد داشت که شخص حکیم به شراب نزدیک نمی‌شود و برای دوری از مصیبت و غم و پیروی از اراده خدا نباید مشتاق شراب بود زیرا باعث فساد و گناه می‌شود.^۳

^۱ - لاویان، ۱۰: ۸-۱۰ (لاویان (عبری: לֵוִי'אִ) به معنی «و او می‌خواند») (به انگلیسی: Book of Leviticus (Leviticus))، از کتابهای تورات در عهد عتیق و مشتمل بر بیست و هفت فصل است. یهودیان و مسیحیان معتقدند که قوانین و مقررات این کتاب در زمانی که بنی اسرائیل در کوه سینا اردو زده بودند؛ به موسی علیه السلام وحی شده است. (<https://fa.wikipedia.org/wiki/>) ویکیپدیا).

^۲ - سفر پیدایش ۹ - انجیل مقدس [کتاب مقدس فارسی 1895]. (سفر پیدایش (سفر در عبری به معنی کتاب بزرگ) یا برشیت (به عبری: בְּרֵאשִׁית))، نخستین بخش از کتاب مقدس عبری مشتمل بر پنجاه فصل و نخستین کتاب از «اسفار پنجگانه» یا تورات است. (<https://fa.wikipedia.org/wiki/>).

^۳ - امثال ۲۳:۲۹؛ حقیق ۲:۱۵ (حَبَقُّوق یا حِیْقוּوق) (به زبان عبری: חֲבֻצֹת) به معنی «در آغوش می‌گیرد» از پیامبران بنی‌اسرائیل است که حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد زندگی می‌کرده و نگهبان معبد بزرگ یهودیان در اورشلیم بوده است. (<https://fa.wikipedia.org/wiki/>) ویکیپدیا).

فصل دوم

احکام شراب و اضرار آن

مبحث اول: بررسی نصوص قرآنی و احادیث نبوی در مورد شراب و مراحل تحریم آن

مبحث دوم: حکم شراب نوشی با انواع مختلف آن در شریعت اسلامی

مبحث سوم: بررسی اضرار خمر

مبحث اول - بررسی نصوص قرآنی و احادیث نبوی در مورد شراب

مطلب اول - بررسی نصوص قرآنی در مورد شراب و مراحل تحریم آن

بنا بر نقل برخی کتب تفسیری، قرآن برای جلوگیری و منع از برخی محرمات، از روش آماده‌سازی تدریجی استفاده کرده و در خصوص شراب خواری نیز همین شیوه را به کار برده است؛ چرا که شرابخواری، قبل از ظهور اسلام، رواج داشت و به صورت یک عادت عمومی در آمده بود. از برخی مورخان نقل شده که عشق عرب جاهلی در سه چیز خلاصه می‌شد: شعر و شراب و جنگ. حتی بعد از تحریم شراب، مسأله ممنوعیت آن برای بعضی از مسلمانان مشکل بود، تا آن‌جا که می‌گفتند هیچ حکمی بر ما سنگین تر از تحریم شراب نبود، به همین جهت قرآن کریم از ابتدا به تحریم کامل شراب خواری نپرداخت، بلکه مراحل را طی کرد از جمله^۱:

فروع اول: مرحله اول منکر وصف نمودن شرابخواری

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ

فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۲.

ترجمه: (خداوند) از میوه های درختان خرما و انگور، (غذای پر برکتی نصیب شما می‌سازد که گاه آن را به صورت زینباری در می‌آورید و از آن) شراب درست می‌کنید و (گاه) رزق پاک و پاکیزه از آن می‌گیرید . بی‌گمان در این (گرد آوری دو و چند خاصیت و قابلیت در میوه ها) نشانه ای (از قدرت آفریدگار) برای کسانی است که از عقل و خرد سود می‌گیرند.

^۱ - وهبة الزحيلي، التفسير المنير 2 / 281.

^۲ - سوره نحل آیه 67.

مفسران آورده اند اسلام نمی‌توانست بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی شرابخواری را منع کند، بنابراین از روش تحریم تدریجی و آماده‌ساختن افکار و اذهان برای منع شرابخواری استفاده کرد. آن‌ها می‌گویند خداوند نخست در بعضی از سوره‌های مکی اشاراتی به زشتی این کار نمود، چنان‌که در آیه ۶۷ سوره نحل آن را به عنوان یک نوشیدنی نامطلوب و نقطه مقابل غذاهای پاکیزه مطرح می‌کند^۱.

در آیات قبل از این آیه از آن دسته از نعمتهای الهی ذکر به میان آمد که در پدید آوردن غذای انسانی مظهر شگفت‌آوری برای صنعت و قدرت الهی می‌باشد، که قبل از همه شیر ذکر گردید. که قدرت الهی آن را در شکم حیوان از آمیزش سرگین و خون جدا کرده غذای پاکیزه و خوشگوار به انسان عنایت نمود، که انسان در آن به صنعت تازه‌ای نیاز ندارد، لذا در اینجا لفظ «نسیکم» استعمال نمود که ما شما را شیر نوشاندیم، سپس فرمود: انسان از میوه‌های درخت خرما و انگور هم برای خود غذا و مواد سودمند نافع می‌سازد، در این، بدین جانب اشاره شده است، که در ساختن اشیاء غذای سودمند از میوه جات درخت خرما و انگور، صنعت انسان دخلی دارد، و در نتیجه دخالت او دو نوع از اشیاء ساخته شد، یکی منشی که خمر یا شراب گفته می‌شود، دوم «رزق حسن» یعنی: غذای که خرما و انگور را تازه استعمال کنند یا خشکانده ذخیره بسازند. با این مطلب که خداوند متعال یا قدرت کامل خویش می‌روید درخت خرما و انگور را به انسان عنایت نموده و به او اختیار داده است که از آن برای خود غذا و غیره تهیه کند، اینک این انتخاب بر عهده اوست، که از آن چه چیز بسازد، چیزی نشه آور بسازد که عقل را خراب کند، یا غذای بسازد که آدمی را مورد تقویت قرار دهد.

^۱ - قرطبی، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، الناشر: دار الکتب المصریة - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964

م، ج 2، ص 65.

طبق این تفسیر کسی نمی تواند از این آیه بر حلیت چیزهای نشه آور، یعنی شراب استدال کند، زیرا هدف در این جا بیان عطایای الهی و صور مختلف استعمال آنهاست، که در هر حال نعمت خداوندی هستند، مانند همه غذاها و اشیای منفعت بخش انسانی، که بسیاری از مردم آن را به طرق ناجایز استعمال می کنند، اما به وجه اشتباه کسی در استعمال، اصل نعمت از نعمت بودن خارج نمی گردد، لذا در اینجا نیاز به تفصیل آن نیست که کدام استعمال حلال و کدام حرام است، سپس اشاره ای لطیف هم بدین سو شده است که در مقابل مستی، رزق حسن گذاشته شده و از آن معلوم شد که سکر رزق حسن نیست، و معنی سکر^۱ به نزد جمهور شی نشه آور است^۲.

این آیات به اتفاق امت، مکی هستند و حرمت شراب پس از آنها در مدینه ی طیبه نازل شده است. هنگام نزول آیه اگر چه شراب حلال بود و مسلمانان عموماً می نوشیدند، اما در آن وقت هم در این آیه اشاره شده است که نوشیدن آن، چیز خوبی نیست، بعداً با صراحت شدید، بر حرمت شراب احکام قرآنی نازل شد^۳.

خداوند در این مرحله بر استفاده های سالم و حلال از میوه انگور و خرما تأکید می کند و راه استفاده صحیح آن را نشان می دهد. این اولین مرحله در تربیت صحیح افراد و راه جلوگیری از عادات

^۱ - بعضی از علما آن را به معنای سرکه و آب انگور بدون نشه هم قرار داده اند (جصاص و قرطبی) اما در اینجا نیازی به نقل آن اختلاف نیست.

^۲ - روح المعانی لالکوسی (445/7)، تفسیر قرطبی (127/10) احکام القرآن للجصاص (580/2) و باب السكر (240/3).

^۳ - این خلاصه آن چه که در احکام القرآن جصاص، ج 3، ص 240 - 241 و تفسیر قرطبی، ج 10، ص 128 - 129 آمده است.

زشت است. دو گناه بزرگ، ضررهای بسیار جبران ناپذیری بر جسم و جان انسان دارد؛ چرا که مانع کمالات و نیکی هاست. از همین رو بسیاری از مسلمانان این عادت زشت را ترک کردند.

فرع دوم: مرحله دوم تأکید بر غلبه زیان بر منافع

الله متعال در مرحله دوم می فرماید: **(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ)^۱**.

ترجمه: درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند. بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافی هم برای مردم دربر دارند، ولی گناه آنها بیش از نفع آنها است. و از تو می پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد (نیازمندی خود). این چنین خداوند آیات (و احکام) را برای شما روشن می سازد، شاید (درباره مصالح دنیا و آخرت خود) بیندیشید.

درباره شأن نزول این آیه گفته اند : گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم خدمتش آمده، عرض کردند: حکم شراب و قمار که عقل را زائل و مال را تباه می کند، بیان فرما! این آیه نازل شد و به آنها پاسخ داد^۲.

بر اساس نقل منابع تاریخی، شراب و شرابخواری، بخشی از درآمد اقتصادی مردم آن دوره را تأمین می کرد. پس هنگامی که مسلمانان به مدینه منتقل شدند و نخستین حکومت اسلامی تشکیل شد،

^۱ - بقره / 219.

^۲ - تفاسیر «بحر المحيط 398/2»، «رازی 396/6» و «روح المعانی لالکوسی 507/1».

دومین دستور در زمینه منع شرابخواری به صورت قاطع تری نازل شد، تا افکار را برای تحریم نهایی آماده تر سازد.^۱ آیه ۲۱۹ سوره بقره، به نفع داشتن شراب اشاره می‌کند اما ضرر آن را بیش از منافع دانسته است. در این مرحله، خداوند هنگامی که می‌خواهد شراب را حرام کند، با نرمی و لطافت برخورد می‌کند و به طور تلویحی متذکر می‌شود که شرابخواری گناه است. خداوند در مقابل گناهانی همچون قمار و شرابخواری ابتدا سخت و تند برخورد نمی‌کند؛ بلکه با انصاف می‌فرماید که این‌ها منافع مادی و زود گذر و شخصی مثل حالت فراموشی غم‌های زندگی در مستی و مالیات شراب برای دولت‌ها دارد. اما ضررهای روحی و طبیبی و اجتماعی آن زیاده‌تر است.^۲

بنابراین این دو گناه بزرگ، ضررهای بسیار جبران‌ناپذیری بر جسم و جان و انسان دارد؛ چرا که مانع کمالات و نیکی‌هاست. از همین رو بسیاری از مسلمانان این عادت زشت را ترک کردند.

فروع سوم: مرحله تشویق به ترک شراب

خداوند در مرحله سوم می‌فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى**

حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا)^۳.

^۱ - دور الأدب فی مکافحه الخمر بین الجاهلیة والإسلام، ص 1، المؤلف: محمود محمد سالم، الناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، الطبعة: (السنة الرابعة عشرة العدد الرابع والخمسون) ربيع الثاني - جمادى الأولى - جمادى الآخرة 1402 هـ.

^۲ - أبو السعود العمادى محمد بن محمد بن مصطفى، تفسير أبي السعود، الناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، ج 1، ص

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مست هستید به نماز نایستید تا آن گاه که می دانید چه می گوئید، و به نماز نایستید در حالی که جنب هستید تا آن گاه که غسل می کنید.

به نقل از برخی مفسران پس از نزول آیه ۲۱۹ سوره بقره، قرآن کریم در آیه ۴۳ سوره نساء، کم کم به احکامی درباره شرب خمر اشاره می کند و مسلمانان را به پرهیز و نیاشامیدن آن تشویق می کند؛ خصوصاً در هنگام نماز. همچنین بعضی مفسران در تفسیر این آیه می گویند: آیه بر جواز شرب خمر در غیر نماز دلالت نمی کند بلکه تنها درباره مستی در حال نماز سخن گفته و در مورد غیر نماز سکوت اختیار کرده تا مرحله نهایی حکم شرب خمر برسد.^۱

در مورد شأن نزول این آیه واقعه ای از حضرت علی - رضی الله عنه - در سنن ترمذی چنین منقول است که: قبل از حرمت شراب یک مرتبه حضرت عبد الرحمن بن عوف^۲ - رضی الله عنه - عده ای از اصحاب را دعوت کرده بود که در آن جلسه شراب نوشی هم بود وقتی همه ایشان خوردند و نوشیدند وقت نماز مغرب فرا رسید (ویکی از اصحاب) را امام جماعت قرار دادند در نماز تلاوت (قُلْ يَا أَيُّهَا

^۱ - مجمع البحوث - التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، مجموعه من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامیة بالأزهر، الناشر: هیئة العامة لشئون المطابع الأميریة، الطبعة: الأولى، (1393 هـ = 1973 م) - (1414 هـ = 1993 م)، (2 / 819).
^۲ - عبد الرحمن بن عوف: بن عبد بن الحارث بن زهره بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی، یکی از عشره مبشره، ویکی از شش نفر اهل شوری ویکی از سابقین بدری قریشی و یکی از هشت نفری که از همه اول اسلام آوردند. (سیر اعلام النبلاء 3 / 49).

الْكَافِرُونَ) به سبب مستی اشتباه شدید رخ داد که متعاقب آن، این آیه نازل شد و هشدار داده شدند که در حال مستی نماز نخوانید!^۱

حَدَّثَنَا عَبْدُ بْنُ حُمَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَعْدٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الرَّازِيِّ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: " صَنَعَ لَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ طَعَامًا فَدَعَانَا وَسَقَانَا مِنَ الْخَمْرِ، فَأَخَذَتِ الْخَمْرُ مِنَّا، وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَقَدَّمُونِي فَقَرَأَتْ: {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ} [الكاغرون: 2] وَنَحْنُ نَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ^۲ ". قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ}^۳.

از نظر برخی مفسران مراد از این آیه این است که مسلمانان با حالت مستی که بعد از خوردن شراب حاصل می شود، وارد نماز نشوند. این امر دو فایده دارد:

الف) مناجات با خدا مستلزم فهم و درک مطالب است و اگر کسی با حالت مستی در مقابل حضرت حق قرار گیرد، علاوه بر آنکه نوعی بی ادبی است، از نماز نیز بهره ای نمی برد.

ب) با توجه به نزدیک بودن اوقات پنج گانه نماز فرض. به ویژه در صدر اسلام - عملاً کسی نمی توانست به شرابخواری روی آورد و این مطلب نوعی مبارزه با شرابخواری در جامعه بود. در حقیقت ممنوعیت

^۱ - این واقعه را ترمذی رحمه الله در سنن خود در باب (ومن سورة النساء) ج 5 ص 238 روایت نموده اند. و در مورد صحت

آن میگویند: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ».

^۲ - أبو عیسی الترمذی، سنن الترمذی، ج 5، ص 238.

^۳ - سورة النساء: 43.

موقت شرابخواری در زمان های خاص بود که مردم را آماده می کرد تا شراب را به صورت کلی بر آنان حرام کند.^۱

برخی دیگر از مفسران معتقدند که مراد از مستی (سکر) در آیه فوق، مستی خواب است و این مطلب در روایات متعددی نیز وارد شده است.^۲

اما برخی دیگر از مفسران بر این نظر اشکال وارد کرده اند و معتقدند از جمله «تا بدانید چه می گوئید»، چنین استفاده می شود که نماز خواندن در هر حالی که انسان از هوشیاری کامل برخوردار نباشد، ممنوع است؛ خواه حالت مستی باشد یا باقی مانده حالت خواب.^۳

برخی دیگر از مفسران نیز مقصود از «صلوة» در آیه را مکان نماز یعنی مساجد دانسته اند و تعبیر «إلا عابری سبیل» را قرینه این معنا گرفته اند و معنای آیه را چنین دانسته اند: در حال سکر به مساجد نزدیک نشوید.^۴

فروع چهارم: مرحله چهارم تحریم کامل شرب خمر

الله متعال در مرحله چهارم میفرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ
وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) ○ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ

^۱ - التفسير الوسيط للقرآن الكريم ج 2، ص 819.

^۲ - قرطبي، تفسير قرطبي، ج 3، ص 1771.

^۳ - تفسير نمونه، ج 3، ص 356.

^۴ - مجمع البيان، ج 2، ص 50.

أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُتَّبِعُونَ^۱!

ترجمه: ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی که در کنار آنها قربانی می‌کنید) و تیرها (و سنگها و اوراقی که برای بخت آزمائی و غیبگوئی به کار می‌برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و (ناشی از تزئین و تلقین) عمل شیطان می‌باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید.

شأن نزول های مختلفی درباره آیه نخست ذکر شده است، که تقریباً با یکدیگر شباهت دارند از جمله این که: در تفسیر (الدر المثور) از (سعد بن وقاص رضی الله عنه) چنین نقل شده: این آیه درباره من نازل گردید، مردی از انصار غذائی تهیه کرده بود، و ما را دعوت کرد، جمعی در مجلس میهمانی او شرکت کردند، و علاوه بر صرف غذا شراب نوشیدند و این، قبل از تحریم شراب در اسلام بود، هنگامی که مغز آنها از شراب گرم شد، شروع به ذکر افتخارات خود کردند، کم کم کار بالا گرفت و به اینجا رسید که یکی از آنها استخوان شتری را برداشت، بر بینی من کوبید و آن را شکافت، من خدمت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) رسیده، این جریان را عرض کردم، در این موقع آیه فوق نازل شد^۲.

«عن عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - أنه قال : اللهم بين لنا في الخمر بياناً شافياً.

فنزلت التي في البقرة: ﴿يسألونك عن الخمر والميسر ، قل : فيهما إثم كبير ومنافع للناس ،

^۱ - مائده (90 - 91).

^۲ - الدر المثور، (158/3)، المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: 911هـ)، الناشر: دار الفكر - بيروت.

وَأَمَّا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا { فدعى عمر - رضى الله عنه - فقرأت عليه ، فقال : اللهم بين لنا فى الخمر بيان شفاء . فنزلت التى فى النساء : { يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى .. } الآية .. فدعى عمر - رضى الله عنه - فقرأت عليه ، فقال : اللهم بين لنا فى الخمر بيان شفاء . فنزلت التى فى المائدة : { إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء فى الخمر والميسر؛ ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلاة ، فهل أنتم متبهون؟ } فدعى عمر فقرأت عليه ، فقال : « انتهىنا . انتهىنا »¹.

ترجمه: از « مسند احمد»، « سنن ابى داود»، « نسائى» و «ترمذى» چنین نقل شده است: که حضرت عمر - رضى الله تعالى عنه - دعا مى کرد، و مى گفت : خدایا بیان روشنى در مورد خمر برای ما بفرما. هنگامى که آیه 219 سوره بقره نازل شد، پیامبر صلى الله عليه وسلم این آیه را برای او قرائت کرد ولى او باز به دعای خود ادامه مى داد، و مى گفت: خدایا بیان روشن ترى در این زمینه بفرما، تا این که آیه 34 سوره نساء نازل شد، پیامبر صلى الله عليه وسلم آن را نیز بر او خواند، باز به دعای خود ادامه مى داد! تا این که سوره مائده آیه مورد بحث که صراحت فوق العاده ای در این موضوع دارد، نازل گردید. هنگامى که پیامبر صلى الله عليه وسلم آیه را بر او خواند، گفت: إنتهینا إنتهینا؛ "از نوشیدن شراب خود داری میکنیم، خود داری میکنیم".

¹ - فى ضلال القرآن، (33/3) واصحاب سنن آن را روایت نموده اند.

- مسند احمد (53/1).

- سنن نسائى (286/8).

- سنن ابى داود (182/2).

- سنن ترمذى (320/4).

خداوند در این آیات شریفه حکم حرمت شراب به طور قطعی بیان کرده است. ولی این عمل پس از سه مرحله قبل بود که ذهنیت مسلمانان برای این حکم آمده شده بود؛ به طوری که پس از نزول این آیات، عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت: دیگر نخواهیم نوشید. با نزول این آیات، هر که جامی در دست داشت، شکست و کوزه های شراب در کوچه ها ریخته شد و جامعه مسلمانان یک پارچه به فرامین شریعت گردن نهاد.

این، تأثیر شگفت انگیز روش تربیتی قرآن کریم بود که به صورت تدریجی و چند مرحله‌ای اجرا شد. در این آیات حکم تحریم شراب به صورت خشک بیان نشده است؛ بلکه ضررهای شرابخواری و قمار بیان شده است که عبارتند از: رجس (پلید) است، عمل شیطان است و او می خواهد با این عمل بین شما دشمنی ایجاد کند، می خواهد با این عمل مانع شود که شما به یاد خدا باشید و به نماز پردازید.^۱

^۱ - فی ظلال القرآن (430/2).

مطلب دوم - احادیث ذکر شده در بیان حرمت خمر

در باب حرمت شراب، احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده که به برخی اشاره

می شود:

1- امام احمد^۱ - رحمه الله - در مسند خود از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت نموده است که وی فرمودند: خمر طی سه مرتبه به تدریج حرام گردانیده شد: رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه تشریف آوردند در حالیکه اهل مدینه مشروبات الکلی مصرف نموده و در بین شان قمار رایج بود، از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد آن دو سوال نمودند، پس الله متعال این آیه را نازل فرمود: **﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾** تا به آخر آیه، و مردم گفتند برای ما حرام نشده است، بلکه الله متعال گفته است: (در آنها گناه بزرگ و فایده های زیادی برای مردم وجود دارد) و آنها از شراب استفاده می کردند تا اینکه روزی مردی از مهاجرین یا اصحاب او در نماز مغرب، در قرائت اشتباه کرده و دچار سردرگمی شد، بنابراین خداوند آیه ای سخت تر از آن را نازل کرد: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾** باز هم مردم مشروب می خوردند تا اینکه وقت نماز داخل شده و بعضی ها مست و نشه شراب میبودند، پس آیه ای سخت تر از آن نازل شد: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾** گفتند: پروردگار نوشیدن شراب را به پایان رسانیدیم، و مردم فرمودند: ای رسول خدا، مردم به خاطر خدا کشته شدند و در راه الله جهاد نمودند، در حالیکه شراب می نوشیدند و قمار بازی میکردند، این

^۱ - امام احمد رحمه الله: ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل شیبانی مروزی، از محدثان نامدار اهل سنت و امام مذهبی از مذاهب چهارگانه است که به نام او حنبلی خوانده شده است. (علی ابن حزم، جمهره انساب العرب، عبدالسلام محمد هارون، قاهره: مکتبه المعارف، ۱۹۸۲م، ص ۳۱۷ و ۳۲۱)

درحالیست که خداوند آن را نجس واز کار شیطان شمرده است بنابراین خداوند متعال این آیه را نازل کرد:
(یس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا)^۱، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:
 "اگر بر آنان حرام می شد، آنها همانطور که شما ترک کرده اید، شراب نوشی را رها می کردند" یعنی
 درین آیت واضح شد که دغدغه آنانی را که قبل نهی کل خمر شراب نوشیدند، نداشته باشید اعمال آنها از
 بین نمی رود.^۲

2- امام احمد و ابوداود از ابن عمر روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته است: «**کل مسکر
 خمر، و کل خمر حرام**»^۳ ترجمه: «هرگونه مواد مستی آور، خمر است و هرگونه خمری حرام است».

3- «**عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، عَلَى مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ، يَقُولَ: " أَمَا بَعْدُ أَيُّهَا النَّاسُ، فَإِنَّهُ نَزَلَ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ، وَهِيَ مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الْعِنَبِ،
 وَالتَّمْرِ، وَالعَسَلِ، وَالحِنَطَةِ، وَالشَّعِيرِ - وَالْخَمْرُ: مَا خَامَرَ الْعَقْلَ »**»^۴.

^۱ - سوره مائده: آیه 93 تا پایان آیه.

^۲ - این حدیث را امام احمد در مسند خود ج 8، ص 367، شماره 8605 روایت نموده است. (مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ)، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، 1416 هـ - 1995 م.

^۳ - این حدیث را امام ابوداود در سنن خود ج 3، ص 327، شماره 3679، و امام احمد بن حنبل در مسند خود ج 4، ص 344، شماره 4644، روایت نموده اند، که البانی این حدیث را صحیح دانسته است. (سنن أبي داود، المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت).

^۴ - این اثر را امام بخاری رحمه الله در صحیح خود ج 6، ص 53، شماره 4619 و امام مسلم رحمه الله در صحیح خود ج 4، ص 2322، شماره 3932 روایت کرده اند. (صحیح البخاری، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)،

ترجمه: بخاری و مسلم روایت کرده اند که عمر بن خطاب بر روی منبر پیامبر صلی الله علیه وسلم خطابه ایراد می کرد که در ضمن آن گفت: «ای مردم براستی بدستور خداوند «خمر» حرام شده است که آن را از پنج چیز می سازند. از انگور، و از خرما، و از عسل و از گندم و از جو، هر چیزی که عقل را بپوشاند و مانع تشخیص آن شود، خمر است». اینست سخن امیر مومنان عمر خطاب و سخن او حجت است، چون بزبان عربی و به شریعت اسلام داناتراست و نقل نشده است که کسی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم باین گفتار او مخالفت کرده باشد.

4- مسلم از جابر روایت کرده است، که مردی از یمن درباره مشروبی که در یمن می نوشند و آن را ساخته و «آلمزر» می نامند، از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال نمود، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أمسکر هو؟» «آیا مست کننده است؟». او جواب داد که آری مست کننده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «کل مسکر حرام...، إن علی الله عهدا لمن یشرب المسکر أن یسقیه من طینة الخبال». قالوا یا رسول الله: وما طینة الخبال؟ قال: " عرق أهل النار " أو قال: " عصارة أهل النار" ¹ «هر چیز مست کننده ای حرام است... براستی خداوند پیمان کرده است که هر کس مواد مسکر و مست کننده بنوشد، بوی از آب گل خبال بدهد، گفتند: آب گل خبال چیست؟ فرمود: عرق اهل جهنم، یا کنداب دوزخیان و فاضلاب آنان».

الطبعة: الأولى، 1422هـ - المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ) (المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت).

¹ - این حدیث را امام مسلم در صحیح خود ج 3، ص 1587 شماره 2002 روایت کرده است. (المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم - مسلم بن حجاج النیشاپوری).

5- در کتب سنن از نعمان بن بشیر^۱ - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «إِن مِنَ الْعَنْبِ خَمْرًا، وَإِن مِنَ التَّمْرِ خَمْرًا، وَإِن مِنَ الْعَسَلِ خَمْرًا، وَإِن مِنَ الْبُرِّ خَمْرًا، وَإِن مِنَ الشَّعِيرِ خَمْرًا» «آنچه که از انگور و خرما و عسل و گندم و جو می گیرند، خمر است و حرام می باشد - یعنی مواد مست کننده ای که از آنها گرفته می شود حرام است»^۲.

6- از حضرت عایشه روایت شده است که گفت: «كل مسكر حرام، وما أسكر الفرق منه فملء الكف منه حرام» «هر چیز مست کننده ای حرام است و هر چیزی که پیمانه (16) رطلی آن مست کننده باشد یک مشت از آن نیز حرام است.»

7- احمد و بخاری و مسلم از ابوموسی اشعری روایت کرده اند که گفت: «گفتم ای رسول خدا درباره دو نوع مشروب که ما آنها را در یمن می سازیم برایمان فتوی بده، یکی بنام «البيع» که از عسل جوشان و تخمیر شده گرفته می شود و دیگری به نام «المزر» که از ذرت و جو ساخته می شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم که خداوند کلمات جامع پر معنی بوی داده بود گفت: «كل مسكر حرام»^۳.

^۱ - نعمان بن بشیر رضی الله عنه: بن سعد بن ثعلبه خزر جی انصاری، ابو عبد الله: امیر، خطیب، شاعر، صحابه جلیل القدر از اهل مدینه. (الاعلام للزرکلی 8 / 36).

^۲ - سنن ابی داود، ج 3، ص 326، ش 3676.

^۳ - عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ: بَعَثَنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا وَمُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ إِلَى الْيَمَنِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ شَرَابًا يُصْنَعُ بِأَرْضِنَا يُقَالُ لَهُ الْمِزْرُ مِنَ الشَّعِيرِ، وَشَرَابٌ يُقَالُ لَهُ الْبِتْعُ مِنَ الْعَسَلِ، فَقَالَ: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» (صحيح البخاری، ج 8، ص 30، ش 6124 و صحيح مسلم ج 3، ص 1586، ش 1733).

8- از حضرت علی - رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم آنان را از صرف

«جعه» که آب جو است منع و نهی فرمود، ابوداود و نسائی آن را روایت کرده اند.^۱

مطلب سوم - حکمت حرمت تدریجی شراب

حکمت‌های اصلی و حقیقی احکام إلهی را خود احکم الحاکمین می‌داند و بس؛ ولی از تفکر و اندیشه در احکام شرعی، معلوم می‌شود که شرع مقدس اسلام در صدور احکام، احساسات و حالات درونی انسان را کاملاً ملاحظه و رعایت فرموده است تا انسان در انجام دادن آنها زیاد دچار زحمت و مشکل نشود. خود قرآن کریم فرموده است: **(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِثْمًا وَوَسْعَهَا)**^۲ ترجمه: «خداوند به هیچ کس دستوری نمی‌دهد که از توان و قدرت او بالاتر باشد.» مقتضای همین حکمت و رحمت خداوند در حرام گردانیدن شراب بیش از حد معمول تدریج به کار برده شد.

خلاصه^۳ تاریخ قرآن نسبت به حرام و ممنوع قرار دادن تدریجی شراب این است که در قرآن مجید درباره^۴ شراب، چهار آیه نازل شده است؛ از آن جمله یکی آیه^۵ **(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أُكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا)**^۶ است که در آن فقط مفاسد و گناهایی را که در اثر شراب نوشی پدید می‌آیند، ذکر فرموده، ولی آن را حرام نکرده است؛ بلکه مشورت داده که قابل ترک است؛ ولی باز هم حکم صریحی بر ترک صادر نفرمود.

^۱ - مرجع سابق.

^۲ - سوره بقره: آیه ۲۸۶.

^۳ - سوره بقره: آیه ۲۱۹.

دوم: **(لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ)**^۱، در این آیه فقط در اوقات نماز، شراب حرام قرار داده شده است و در بقیه اوقات به نوشیدن آن اجازه بود.

سوم و چهارم: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)**^۲، در این آیات، شراب قطعاً و به صراحت حرام قرار داده شد.

شریعت اسلام به این دلیل شراب را به تدریج حرام قرار داد که ترک عادت همیشگی به ویژه اعتیاد به مواد نشه آور بر سرشت و طبع انسان بیش از اندازه مشکل و سنگین است. علما فرموده‌اند: «فَطَامُ الْعَادَةِ أَشَدُّ مِنْ فِطَامِ الرِّضَاعَةِ»^۳؛ یعنی: ترک عادت مستمر، از باز گرفتن طفل از شیر مادر سنگین تر است. بنابراین اسلام بر اساس اصول حکیمانه اولاً خرابی، زیان‌ها و مفسد آن را بیان کرد، سپس در اوقات نماز آن را ممنوع قرار داد و بعد از مدتی آن را حرام قطعی اعلام نمود^۴.

آری! همانگونه که در ابتدا و آغاز درباره حرام گردانیدن شراب مرور زمان و تدریج، مقتضای حکمت بود، بعد از حرام گردانیدن شراب اجرای قانون ممنوع بودن آن با قاطعیت کامل هم مقتضای حکمت بود. بنابراین رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - درباره شراب اولاً تهدیدها و وعیدهای شدید عذاب را

^۱ - سوره نساء: آیه ۴۳.

^۲ - سوره مائده: آیات ۹۰، ۹۱.

^۳ - تفسیر معارف القرآن جلد 2 ص 242.

^۴ - حسن علی الشاذلی، الجنایات فی الفقه الإسلامی دراسة مقارنة بین الفقه الإسلامی والقانون، الناشر: دار الكتاب الجامعی، الطبعة: الثانية، ج 1، ص 32.

گوشزد فرمود که شراب‌نوشی «أُمُّ الْخَبَائِثِ» و «أُمُّ الْفَوَاحِشِ»؛ یعنی «سرچشمهٔ تمام پلیدی‌ها و فاحشه‌ها» است که مردم با نوشیدن شراب مرتکب گناهان بزرگ می‌گردند.^۱

در حدیث آمده است: «شراب و ایمان با هم یک‌جا جمع نمی‌شوند.» این روایت در سنن نسائی آمده است و در جامع ترمذی به روایت حضرت انس - رضی الله عنه - نقل شده است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در رابطه با شراب ده شخص را ملعون قرار داده است: ۱. مُعَصِر (کسی که آب‌میوه را به منظور ساخت شراب می‌گیرد)، ۲. سازنده، ۳. نوشنده، ۴. نوشاننده، ۵. حمل‌کننده، ۶. کسی که به سوی او حمل شود، ۷. فروشنده، ۸. خریدار، ۹. هدیه‌کننده، ۱۰. استفاده‌کننده از درآمد آن.^۲

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر تعلیم و تبلیغ شفاهی آن اکتفا نکرد، بلکه به صورت عمل و قانون اعلام فرمود که نزد هر کس هر نوع مشروبی باشد، آن را در فلان جا جمع کند.

یاران باوفا و فرمان‌بردار، با دریافت نخستین فرمان، کلیه شراب‌هایی را که در خانه‌ها برای نوشیدن گذاشته بودند، ریختند. حضرت عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - می‌فرماید: وقتی منادی رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در کوچه‌های مدینه اعلام کرد شراب حرام شد؛ هر کس که گیلان شرابی در دست داشت، آن را در همانجا بر زمین فرو کوفت و هر کس سبوی یا خُمی داشت، آن را از خانه بیرون آورده و شکست. حضرت انس - رضی الله عنه - در این موقع در مجلسی مشغول نوشاندن شراب بود و در آن مجلس

^۱ - أبو بکر محمد بن عبد الله بن یونس التمیمی الصقلی (المتوفی: 451 هـ)، الجامع لمسائل المدونه، المحقق: مجموعه باحثین فی رسائل دکتوراه، الناشر: معهد البحوث العلمیة وإحياء التراث الإسلامی - جامعه أم القرى (سلسله الرسائل الجامعیة الموصی بطبعها)، توزیع: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة: الأولى، 1434 هـ - 2013 م.

^۲ - سنن الترمذی، (1279).

اصحاب جلیل القدر مانند ابوطلحه و ابو عبیده بن الجراح و اَبی بن کعب - رضی الله عنهم - حضور داشتند؛
با شنیدن صدای منادی، همه گفتند که تمام این شراب‌ها را بریز و جام و سیوهای شراب را بشکن^۱.

در بعضی روایات آمده که هر کس که در این هنگام لیوان شرابی در دست داشت و می‌خواست به دهان
ببرد، آن را به زمین زد و در آن روز شراب در کوچه و خیابان‌های مدینه مانند سیلاب جاری بود، به
گونه‌ای که رنگ شراب در خاکها می‌درخشید.

زمانی که این فرمان صادر شد که نزد هر کس هر نوع شرابی باشد، باید آن را در فلان جا جمع کند، فقط
ده ذخیره شراب مانده بود که به شکل مال التجارة در بازار موجود بودند که آنها را صحابه و یاران
فرمان‌بردار، بی‌درنگ در مکان مشخص شده جمع‌آوری کردند.

آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - شخصاً تشریف آورده و به دست مبارکش بسیاری از مشکهای شراب
را پاره نمود و بقیه را به صحابه سپرد تا آنها را پاره کنند، یکی از اصحاب که تاجر شراب بود و از کشور
شام شراب وارد می‌کرد، اتفاقاً در این روزها تمام سرمایه خود را جمع نموده و برای وارد کردن شراب به
شام رفته بود.

هنگامی که اموال التجارة را آماده کرده و می‌خواست عازم مدینه شود، به مدینه وارد نشده بود که از اعلام
حرام شدن شراب آگاه و باخبر شد؛ آن صحابی جان‌نثار تمام حاصل سرمایه و زحمت خویش را که در
انتظار سود بزرگی بود، با شنیدن اعلام حرام شدن شراب بر روی کوهی گذاشت و شخصاً در محضر رسول

^۱ - عبد الکریم بن محمد الاحم، المطلع علی دقائق زاد المستقنع «فقه الجنایات والحدود»، الناشر: دار کنوز إشبیلیا للنشر
والتوزیع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1432 هـ - 2011 م، ج3، ص 344-345.

خدا - صلی الله علیه وسلم - حاضر شد و عرض کرد: اینک دربارهٔ این اموال من چه فرمان و دستوری صادر شده است؟

آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - موافق دستور خدا فرمود کلیهٔ مشکها را پاره کرده و شرابها را بریزند. آن صحابی که دوست مطیع و فرمانبردار خدا و رسول بود، بدون توقف و بدون کوچک‌ترین چون و چرائی، تمام سرمایهٔ خود را با دست خویش بر زمین ریخت.

این هم یک نوع معجزه از اسلام و اطاعت بی نظیر و شگفت‌انگیزی است که در این واقعه از اصحاب باوفا ظاهر شد؛ زیرا رها کردن چیزی که مردم به آن عادت کرده باشند، بسیار سنگین و دشوار می‌باشد و آنان هم چنان عادت کرده بودند که یک لحظه صبر کردن هم برای آنها دشوار می‌گشت؛ اما فرمان و دستور خدا و رسول، چنان انقلاب عظیمی به وجود آورد که از شراب و قمار همان قدر متنفر و بیزار شدند که قبلاً به آنها اعتیاد پیدا کرده بودند.^۱

تفاوت بزرگ سیاست اسلام با سایر سیاست‌های جهان در این نمونه‌ای از عمل مسلمانان که هنگام حرام شدن شراب در آیات مذکور و وقایع گذشته ملاحظه فرمودید، می‌توانید آن را معجزهٔ اسلام یا اثر تربیت بی‌نظیر پیامبرانه و یا نتیجهٔ لازم سیاست اسلام بنامند؛ مثلاً عادت به شراب‌نوشی و مستی که ترک نمودن آن چقدر دشوار است، برای هر کس روشن و ظاهر است؛ زیرا شراب‌نوشی در عرب به قدری رواج داشت که نمی‌توانستند بدون آن لحظه‌ای صبر کنند. پس چه نیرویی بود که با شنیدن یک اعلام، سرشت و طبایع آنها را کلاً دگرگون ساخت و در نهاد و اخلاق آنها انقلابی را به وجود آورد و چیزی که تا چند لحظه قبل، بیش از اندازه دلپذیر و پسندیده بود و سرمایهٔ عمر به شمار می‌رفت، پس از چند لحظه بیش از حد مورد نفرت واقع شده و نجس قرار می‌گیرد!

^۱ - عبد الکریم بن محمد الاحم، المطلع علی دقائق زاد المستقنع «فقه الجنایات والحدود»، ج 3، ص 347.

در مقابل، نمونه‌ای از سیاست پیشرفته^۱ امروز را در نظر بگیرید که چند سال قبل کارشناسان بهداشت و مصلحان جامعه^۲ آمریکا زمانی که مفسد هلاکت‌بار مشروبات الکلی را بیش از اندازه احساس کردند و خواستند آن را بر اساس قانون ممنوع قرار دهند، تمام امکانات جدید و رسانه‌های گروهی پیشرفته را که بزرگ‌ترین پیشرفت آن سیاست مترقی به شمار می‌رود، برای هموار کردن زمینه و آماده کردن اذهان مردم بر خلاف شراب‌نوشی به کار گرفتند و صدها روزنامه و جراید، مشتمل بر مفسد مشروبات الکلی به تعداد صدها هزار نسخه انتشار دادند^۱.

در قوانین آمریکا موادی برای ممنوعیت شراب به تصویب رسانیده و به موقع اجرا گذاشته شد، اما از این همه تبلیغات آنچه مردم به چشم خود در آمریکا مشاهده کردند و از گزارش‌های سیاستمداران آنجا به جهان مخابره و عرضه گردید، این بود که قشر روشنفکر و تحصیلکرده و مترقی به هنگام ممنوعیت قانون مشروبات الکلی نسبت به قبل بیشتر به خوردن آن پرداختند، تا اینکه دولت در مانده شد و قانون خود را منسوخ کرد^۲.

تفاوت بزرگ و عمده^۱ احوال و معاملات مسلمانان عرب آن عصر با آمریکایی‌های معاصر، حقیقت و واقعیتی است که برای هیچکس مجال انکار آن نمانده است. آنچه در این جا قابل تأمل و اندیشیدن است، این است که باید دریافت علت اصلی و راز و سرّ این تفاوت بزرگ چه چیزی بود؟

^۱ - فقه العقوبات فی الشریعة الإسلامیة: دراسة مقارنة، 1/ 191، بواسطة عیسی العمری.

^۲ - د. زکریا الدوری، الکحول والعوامل المؤثرة فی تواجدہ بأنسجة الجسم المختلفة، تحقیق نشر شده در مجله جنائی قومی قاهره، شماره اول، مارچ 1972، ص 10.

اگر قدری به فکر فرو بروند و بیندیشند، معلوم خواهد شد که شریعت اسلام هیچگاه قانون را تنها برای اصلاح قوم و ملت کافی ندانسته است، بلکه پیش از اجرای قانون به تربیت فکر و اندیشه^۱ ذهنی آنان پرداخت و به وسیله^۱ نسخه‌های کیمایی عبادت و زهد و ایجاد فکر آخرت در اذهان و سرشت‌های آنان انقلاب عظیمی پدید آورد و افرادی را برای فداکاری مال و جان و آبرو بر پیام رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - تربیت و آماده کرد. کار خودسازی به وسیله^۱ ریاضت‌ها در زندگی مکی انجام گرفت.

وقتی گروه جانبازان و جان‌برکفان تشکیل گردید، قانون به اجرا گذاشته شد. آمریکا هم در آماده ساختن اذهان و اندیشه‌ها از وسایل و رسانه‌های گروهی وسیعی که داشت، بهره برداری نمود و از هیچ چیز دریغ نکرد؛ اما با این همه تبلیغات چون اندیشه و فکر آخرت را نداشت، پیروز نگردید و آنچه مسلمانان را در این امر پیروز گردانید، جاگیری فکر و اندیشه^۱ آخرت در رگ و پوست آنها بود.

ای کاش امروز هم اندیشمندان ما این نسخه^۱ کیمیاگونه را به کار می‌بردند و می‌دیدند که امنیت و آسایش و سکون در دنیا چگونه حاکم می‌شد!

مبحث دوم - حکم شراب نوشی با انواع مختلف آن در شریعت اسلامی

شرب خمر از جمله گناهان کبیره ای است که از نوشیدن آن نهی شده است، زیرا حرام قطعی بوده به دلایلی از قرآن، سنت و اجماع، و حکمت تحریم آن هم به خاطر حفظ عقل و مال می‌باشد، چون اضرار آن روح، جسد، مال، اولاد و آبروی انسان را در بر می‌گیرد، به سببیکه مصرف نمودن مشروب الکلی عقل را از

^۱ - معارف القرآن، نویسنده: علامه مفتی محمد شفیع عثمانی، ترجمه: مولانا سید محمد یوسف حسین پور.

حال تفکیر، تدبیر و حکمت به جنون، طغیان و فساد می کشاند، و چه بسا از عداوت و دشمنی ها بین برادران و دوستان به سبب مصرف مشروبات الکلی بوده است.^۱

مسلمانان همچنان می خوارگی می کردند تا اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم از مکه به مدینه هجرت کردند و مسلمانان با توجه به شر و فساد و تباهی که در می خوارگی و قمار می دیدند درباره آن دو فراوان از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرس و جو می کردند که خداوند این آیه را نازل فرمود: **(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۚ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ۗ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ)**^۲.

ترجمه: «ای محمد، درباره می و میخوارگی و قمار و انواع آن از تو می پرسند، بدانان بگو در باده و قمار گناه بس بزرگ است و برای مردمی که تجارت می کنند منافی نیز دارد لیکن گناه آن دو بزرگتر است از منفعت آنها، بدیهی است که هیچ عاقلی کاری را که گناه و زیانش بیش از نفع آن باشد نمی کند».

یعنی میخوارگی و قمار بازی گناه بزرگی است چون هر دو سبب زیانهای مادی و معنوی و دینی و تباهی اخلاق می باشند، در کنار این گناه بزرگ و زیان مادی و معنوی، برای مردم منافی مادی ناچیزی نیز دارند که تجارت به می فروشی و کسب مال در قمار بازی بدون رنج فراوان است ولی گناه و زیان آنها خیلی بیش از سود آنها است و این خود جانب تحریم آنها را ترجیح می دهد اگر چه بصورت قطعی آنها را تحریم نکرده است، سپس بعد از این آیه که تا حدی میخوارگی را محدود کرد آیه دیگری درباره تحریم میخوارگی به هنگام نماز خواندن نازل شد، تا کسانی که به میخوارگی عادت کرده و آن را جزئی از زندگی

^۱ - أحكام القرآن لابن العربي 652/2 وأحكام القرآن للجصاص 324/1.

^۲ - البقرة / 219.

خود ساخته بودند، بتدریج از آن دست بکشند و آن را رها سازند. که می‌فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا**

تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ)۱.

ترجمه: «ای مومنان در حالیکه مست شده‌اید و می‌نوشیده‌اید، به نماز نزدیک مشوید تا اینکه بهوش

باشید و بدانید چه می‌گوئید».

درباره سبب نزول این آیه آورده اند که مردی در حال مستی نماز می‌خواند و سوره (کافرون) را بدین

صورت خواند. **« قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ. أَعْبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ...»**. بجای **لا اعبدا ما تعبدون** و این رویداد

مقدمه ای بود برای تحریم ابدی و نهائی می‌خوارگی^۲ سپس بعد از این گام دوم در تحریم باده و می و

میخوارگی حکم خداوند به تحریم همیشگی و نهائی آن نازل شد که می‌فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**

إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ *

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ

اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ * وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ

فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ)۳.

ترجمه: «ای مومنان براستی می‌میخوارگی و قماربازی و بتها و تیرهای فال زنی، همه پلید و از کارهای

شیطانی است و از آنها پرهیزید تا رستگار شوید کار شیطان همه ناپاک و پلید است و می و هر چیز

مست‌کننده ای، و قماربازی و بتها و تیرهای فال زنی همه، کارهای شیطانی است و رستگاری در پرهیز از

^۱ - النساء / 43

^۲ - عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: 911هـ)، «در المثنون»، الناشر: دار الفكر - بيروت، ج 2، ص

315

^۳ - المائدة / 90 - 91

آنها است، آنگونه که از آتش می پرهیزید از این پلیدیها نیز پرهیزید که همه آنها حرام و ناپاک و پایمال کننده عمر و مال و شخصیت و خان و مان برانداز است، مقصود شیطان از دچار شدن شما به آن پلیدیها، معلوم است. قصد او اینست که از طریق میخوارگی و قماربازی میان شما دشمنی کینه و شر و فتنه بپا کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد آیا با این حال و تفصیل از آنها خودداری نمی کنید؟! باید خودداری کنید، چون وظیفه مومن پاکی و پرهیز از ناپاکی است و پذیرفتن فرمان خدا است». در این آیه که قمار، بت ها، تیرهای فال بر خمر عطف شده و با هم آمده اند، بنظر می آید که حکم همه آنها بشرح زیر است.

1- آلوده و ناپاک اند و خردمندان آنها را پلید و ناپاک می دانند.

2- همه آنها از اعمال شیطان و وسوسه شیطان می باشند.

3- بنابراین واجب است که از آنها دوری نمود و پرهیز کرد تا انسان آماده برای رستگاری و نجات باشد.

4- شیطان می خواهد از راه ارتکاب این پلیدیها و آراستن آنها در چشم مردم، در میان شان دشمنانگی

و کینه و عداوت پدید آورد و این خود یک فساد و تباهی دنیائی است پس میخوارگی و قماربازی فساد و تباهی مادی و دنیایی است.

5- شیطان از راه میخوارگی و قماربازی می خواهد مردم را از یاد خدا و نماز گزاردن غافل نماید و

اینهم یک فساد و تباهی دینی است - پس فساد و تباهی دینی و دنیائی دارند بنابراین نباید کسی بدین مفسد و تباهیها پردازد و کوچکترین مقدار از آنها جایز و روا نیست!

¹ - سیوطی - عبد الرحمن بن ابی بکر، جلال الدین السیوطی (المتوفی: 911هـ)، در المنثور، الناشر: دار الفکر - بیروت، ج 2، ص 315؛ - شوکانی - محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی (المتوفی: 1250هـ)، فتح القدر، الناشر: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - دمشق، بیروت، الطبعة: الأولى - 1414 هـ ج 2، ص 75.

آیه فوق آخرین حکم تحریم است که درباره میخوارگی و باده گساری نازل شده و حکم تحریم قطعی و نهائی آن است.

عبد بن حمید^۱ از عطاء بن ابی رباح^۲ نقل کرده است که اولین چیزی که درباره تحریم «خمر» نازل شد^۳ آیه: **﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾** بود که برخی از مردم گفتند. ما آن را می نوشیم چون منافی دارد و برخی دیگر گفتند چیزی که در آن گناه باشد سودی و خیری ندارد بنابراین، آن را نمی نوشیم. سپس آیه: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾** نازل گردید که بعضی از مردم می گفتند می مینوشیم و در خانه خود می نوشیم و گروهی دیگر می گفتند چیزی که مانع ما از نماز خواندن همراه دیگر مسلمانان باشد خیری و سودی ندارد. بنابراین از آن پرهیز کردند. سپس آیه: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ﴾** نازل شد و مردم را بطور قطعی و نهائی از باده گساری نهی کرد و مردم بدان پایان دادند و این تحریم قطعی بعد از «جنگ احزاب» بود، از قتاده نقل شده است که خداوند در سوره مائده بعد از جنگ احزاب در سال چهارم یا پنجم هجری برای

^۲ - أبو محمد عبد الحمید بن حمید بن نصر الکنسی یکی از روایان حدیث نبوی (تاریخ وفات: 249 هـ). (سیر اعلام النبلاء 12 / 235).

^۱ - عطاء بن ابی رباح (۲۷ - ۱۱۴ هـ) تابعی، فقیه مکه، مفسر، محدث، معلم و پارسا، در ایام خلافت عثمان به دنیا آمد و در جنگ حجاج با عبد اللّه بن زبیر، دست وی، قطع شد و سرانجام، بینایی خود را از دست داد. وی به سال ۱۱۴ ق در ۸۸ سالگی درگذشت. (التاریخ الکبیر: ج ۶ ص ۴۶۴ ش ۲۹۹۹، تهذیب الکنال: ج ۲۰ ص ۸۵ ش ۳۹۳۳، الطبقات الکبری: ج ۵ ص ۴۷۰).

^۳ - محمود الألوسی أبو الفضل، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 7، ص 17.

^۴ - [النساء: 43].

همیشه می خوارگی را تحریم نمود و ابن اسحاق گفته است این تحریم بعد از جنگ بنی النضیر در سال چهارم هجری روی داده است که این قول راجح می باشد.^۱

دمیاطی در کتاب سیره خویش گفته است، تحریم قطعی می خوارگی در سال «حدیبیه» سال ششم هجری بوده است.^(۲)

هدف از تعالیم اسلامی ایجاد شخصیت قوی و نیرومند جسمی و روحی و عقلی مسلمان است و بدیهی است که تحریم می و همه مسکرات با این هدف بزرگ هماهنگی کامل دارد چون بدون شک مسکرات بطور کلی شخصیت و اساس هستی انسان را ضعیف و متزلزل می سازد، بویژه پایه خرد و عقل را سست می گرداند.^۳

یکی از شاعران گفته است:

شربت الخمر حتی ضل عقلی كذاك الخمر تفعل بالعقول^۴

«می خوردم تا اینکه عقلم گم شد اینست کار می با خردها»

^۱ - محمد بن إسحاق بن یسار المطلبی بالولاء، المدنی (المتوفی: 151هـ)، سیره ابن إسحاق، تحقیق: سهیل زکار، الناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة: الأولى 1398هـ/1978م، ج 1، ص 329.

^۲ - وی شرف الدین عبد المومن بن خلف بن ابی الحسن بن شرف بن خضر بن موسی مشهور به حافظ دمیاطی (613هـ ق / 705 م)، متولد روستای تونه در نزدیکی شهر دمیاط است. (ابن حجر: الدرر الكامنة، 418/1 و ابن تغری: النجوم الزاهرة، 446/2). چون این آیه نازل شد عمر بن خطاب گفت «فهل انتم منتهون» در آخر این آیه تهدید بزرگی است، اینک ما بدان پاسخ داده و بدان پایان می دهیم. پیامبرص دستور داد که در کوچه های مدینه ندا در دهند و جار بکشند که «اینک می و می خوارگی حرام شد». کوزه های شراب شکسته شد و شرابها بر زمین ریخت تا اینکه در کوچه های مدینه روان گردید. (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى - 1419 هـ ج 1، 433).

^۳ - شرح کتاب العقول للإمام الحافظ ابن أبی الدنيا، ص 91، الشیخ علی أحمد عبد العال الطهطاوی، دار الکتب العلمیة.

^۴ - <https://sites.google.com/site/oldarabicencyclopedia> الموسوع العربية حتى سابع القرون الهجرية.

بدیهی است که چون عقل ناپدید شد، انسان به حیوان شرور و خطرناک تبدیل می‌گردد و فساد و تباهی و شرها از او سر می‌زند که قتل و تجاوز و فحش و فحشاء و پرده‌داری و افشای اسرار و خیانت بدین و وطن از جمله آثار آنست. و این شر و تباهی می‌خواره بخود او و به همسایگان و دوستانش و بهر کس که بدین بدبختی گرفتار آید و بوی نزدیک شود، می‌رسد^۱.

از علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل شده است که گفت: او همراه حمزه رضی الله عنه کاکایش بود، که وی دو تا شتر پیر داشت و می‌خواست با آنها گیاه خوشبوی «اذخر» را جمع آوری کرده و همراه یکنفر زرگر یهودی آن را به زرگران بفروشد تا با بهای آن بتواند «ولیمه» فاطمه رضی الله عنها را بهنگام عروسی راه بیندازد، عادت حمزه رضی الله عنه بر آن بود که با گروهی از انصار باده‌گساری می‌کرد و کنیزی داشت که برایش آواز می‌خواند، او شعری برای حمزه خواند که وی را به سر بریدن آن دو شتر و خوردن از گوشت لذیذ و لذیذترین اندام آنها تشویق نمود لذا حمزه شورید و درحال آنها را سر برید و از کوهان و جگر آنها برایش کباب کردند که بخورد، علی چون این وضع را دید، رنجیده خاطر گردید و اشک درچشمانش حلقه زد و جاری گردید، و شکایت حمزه را پیش پیامبر صلی الله علیه وسلم برد که پیامبر صلی الله علیه وسلم همراه علی و زید بن حارثه پیش حمزه رفت و او را سرزنش نمود و حمزه که مست بود و چشمانش سرخ شده بود، به پیامبر صلی الله علیه وسلم و همراهان نگاه کرد و گفت: آیا شما جز بندگان پدرم چیز دیگری هستید؟! پیامبر صلی الله علیه وسلم چون او را مست دید، بعقب برگشت و از آنجا بیرون آمدند. اینست آثار می‌خوارگی که چگونه با عقل و خرد می‌خواره بازی می‌کند و هوش او را می‌رباید لذا شرع اسلام بدان نام «أم الخبائث» (مادر پلیدیها) داده است.

^۱ - شرح کتاب العقول للإمام الحافظ ابن أبی الدنیا، ص 92. مرجع سابق.

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «**الخمير أم الفواحش وأكبر**

الكبائر، ومن شرب الخمر ترك الصلاة، ووقع على أمه وخالته وعمته»^۱

ترجمه: «هر مسکر و خمیری مادر همه فحشاء و بزرگترین گناه کبیره است هر کس می بخورد و مست شود نماز را ترک می کند و چون خرد و هوش از دست دهد احتمال دارد که با مادر و خاله و عمه اش نیز همبستر شود چون در حال مستی تشخیص و خرد و هوش ندارد و فرق بین محرم و نامحرم نمی گذارد».

این روایت را طبرانی در کتاب «الکبیر» خویش از قول عبدالله پسر عمرو نقل کرده است و همچنین آن را از قول ابن عباس نیز با عبارت «**من شربها وقع على أمه**» «هر کس می بخورد ممکن است که با مادر خویش همبستر شود» ذکر کرده است. همانگونه که شریعت اسلام بدان نام «ام الخبائث» داده است بر حرمت و ناروایی آن نیز بسیار تاکید کرده و هر کس را که می بخورد و با آن نسبتی داشته باشد لعن و نفرین کرده است و او را خارج از دایره ایمان می داند و او را مومن بحساب نمی آورد.^۲

از انس بن مالک^۳ رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «**لعن فی الخمر**

عشره: عاصرها، ومعتصرها، وشاربها، وحاملها، والمحمولة إلیه، وساقیها، وبائعها، وآكل ثمنها،

والمشتری لها، والمشتری له»^۴

^۱ - طبرانی، معجم الکبیر، دار النشر: مکتبه ابن تیمیة - القاهرة، ج 11، ص 164، شماره: 11372.

^۲ - الطبرانی فی معجمه الکبیر ج 11/ص 164 ح 11372.

^۳ - انس بن مالک بن نضر از صحابه و خادمان خاص پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می باشد. انس از کودکی به خدمت پیامبر درآمد و در بسیاری از غزوه ها همراه پیامبر بود. (الاستیعاب، ج 4، ص 1940؛ اسد الغابه، ج 6، ص 345).

^۴ - الطبرانی، المعجم الأوسط، الناشر: دار الحرمین - القاهرة، ج 2، ص 93، شماره: 1355.

ترجمه: «درارتباط با می و می خوارگی ده کس نفرین شده‌اند: کسی که آب انگور را برای می می‌گیرد و فشارنده آن و نوشنده‌اش و بردارنده‌اش و کسی که برای او برده می‌شود و ساقی و فروشنده و کسی که بهای فروش آن را می‌خورد و کسی که آن را می‌خرد و کسی که برایش خریده می‌شود».

ابن ماجه^۱ و ترمذی آن را روایت کرده و ترمذی آن را حدیث غریب دانسته است. از ابوهریره روایت

است که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: **«لا یزنی الزانی حین یزنی وهو مؤمن، ولا یسرق السارق**

حین یسرق وهو مؤمن، ولا یشرّب الخمر حین یشرّبها وهو مؤمن»^(۲).

ترجمه: «کسی که مرتکب زنا می‌شود و کسی که مرتکب سرقت می‌شود و کسی که می‌می‌خورد در حین ارتکاب این اعمال مومن نیست، چون اگر ایمان به حرمت آنها داشته باشد، مرتکب آنها نمی‌شود پس در آن حال ایمان از قلب می‌گریزد».

یعنی مرتکب اینگونه اعمال در حین ارتکاب متصف به ایمان اذعاناً به حرمت آنها نیست و در آنوقت نمی‌داند که اینگونه اعمال موجب خشم و کيفر خداوند است چون ایمان آنست که بازدارنده از ارتکاب معاصی باشد. بعضی گفته‌اند: یعنی در وقت ارتکاب این اعمال ایمان از آنها جدا می‌شود و شاید بعد از آن

^۱ - ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید ربّعی قزوینی (۲۲-۲۰۹ رمضان ۲۷۳ق/ ۸۲۴ - ۲۰ فوریه ۸۸۷م)، محدّث بزرگ و گردآورنده سنن، ششمین کتاب از صحاح سته در حدیث می‌باشد. او برای تکمیل دانش حدیثی خود به شهرهای مختلف علمی آن روزگار؛ از قبیل بغداد، کوفه، بصره، شام، حجاز و ری مسافرت کرد و از مشایخ بزرگ، همچون: علی بن محمد طنافسی مصعب بن عبدالله زبیری، و... علوم حدیث را فرا گرفت. (سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۷۷ و ۲۷۸؛ الاعلام، ج ۷، ص ۱۴۴).

^۲ - أخرجه البخاری (2475) (5578) (6772) (6810)، ومسلم (57) عن أبي هريرة به.

اعمال بدانان برگردد بعضی گفته‌اند ایمان آنها کامل نیست و رای اول اصح است که امام غزالی در احیاء العلوم در مبحث توبه گفته است^۱.

این حدیث را احمد، بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی و نسائی روایت کرده اند. جزای کسی که در دنیا می بخورد، آنست که در قیامت از آن محروم گردد چون در دنیا برای خوردن آن شتاب نموده است، در آن جهان از آن محروم می گردد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: «من شرب الخمر فی الدنیا ولم یتب، لم یشربها فی الآخرة،

وإن دخل الجنة^۲»

ترجمه: «هرکس در دنیا می بخورد و از آن توبه نکرده باشد، در قیامت از آن نمی نوشد حتی اگر چه

داخل بهشت هم بشود».

مطلب اول: حکم خوردنی ها و نوشیدنی هایی که با شراب مخلوط شده باشد.

غذاها و نوشیدنی های مخلوط شده با شراب دو حالت دارند^۳:

^۱ - فتح المنعم: شرح صحیح مسلم، تألیف موسی شاهین لاشین، منشور: القاهرة، دار الشروق، 2008، الطبعة الثانية، شرح حدیث: 116.

^۲ - إسناد صحیح علی شرط الشیخین. وهو فی "الموطأ" 846/2. ومن طریق مالک أخرجه الشافعی فی "المسند" 92/2 (ترتیب السنندی)، وعبید بن حمید (770)، والدارمی 111/2، والبخاری (5575)، ومسلم (2003) (76) و (77)، والنسائی فی "الکبری" (5181) و (6781)، و فی "المجتبی" 317/8-318، وأبو عوانة 272/5، والطبرانی فی "الصغیر" (566)، وأبو نعیم فی "أخبار أصبهان" 221/2، والبیهقی فی "السنن" 287/8، والخطیب فی "تاریخ بغداد" 29/12، والبعوی فی "شرح السنة" (3012). وأخرجه الطیالسی (1857)، وأبو عوانة 273/5-274 و 274 من طرق، عن نافع، به.

^۳ - نقل شده از المستدرک علی مجموع الفتاوی (12/3).

اولی: آن شراب در غذا یا نوشیدنی استهلاک شده و با آن مخلول شود، به طوری که عین و ذات آن از بین برود و هیچ اثری در نوشیدنی از رنگ، طعم و بو پیدا نشود، در این نوع به هیچ وجه در خوردن و آشامیدن آن اشکالی وجود ندارد.^۱

شیخ الاسلام ابن تیمیه گفته است: "اگر شراب در آب ریخته شده و با آن مخلول شود و شخصی آن را بنوشد، او شراب خمر پنداشته نمی شود، و بالای وی اقامه حد شرب واجب نیست، زیرا چیزی از طعم و رنگ و بوی آن باقی نمی ماند."^۲

دوم: اگر عین و ذات شراب وجود داشته باشد یا اثر آن در مخلوط در طعم، رنگ، بو و ذائقه ظاهر شود، در این حالت خوردن این غذا یا نوشیدنی به دلیل موجودیت درصدی غیر مخلول شده شراب در اجزای آن حرام است. و وجود خمر در این غذا یا نوشیدنی باعث می شود که حرام شود، حتی اگر نسبت شراب بسیار اندک باشد.

شیخ محمد بن صالح العثیمین^۳ گفت: "اگر این الکل را با چیزی مخلوط کرده و با آنچه مخلوط شده مخلول نشود: این شی که با آن شراب خلط شده حرام می شود، زیرا این مخلوط روی آن تأثیر می گذارد.

^۱ - مرجع سابق.

^۲ - مرجع سابق.

^۳ - محمد بن صالح العثیمین: محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبدالرحمن عثیمین تمیمی نجدی معروف به ابن عثیمین در ۱۴ ژوئن ۱۹۲۵ (۲۷ رمضان ۱۳۴۷) در شهر عنیزه واقع در ایالت قصیم در پادشاهی عربستان سعودی متولد شد.

(fa.wikipedia.org)

اما اگر این الکل در مخلوط غوطه ور شود و هیچ اثری در آن نگذارد: بناء آن چیز حرام نمی شود زیرا هیچ اثری از شراب در آن ظاهر نشده است"^۱.

نوشیدن آب مخلوط شده با شراب حرام است، زیرا حاوی برخی از ذره های شراب است و باید شارب آن تعزیر شود و اقامه حد لازم است در صورتی که شراب بیشتر از آب باشد، به خاطر باقی بودن نام وعین شراب. همچنین نوشیدن شراب پخته شده حرام است، زیرا پختن؛ حرام را حلال نمی سازد، و در صورت نوشیدن شراب پخته شده اقامه حد بالای شارب آن لازم است چون نام و اثر شراب باقی است"^۲.

مطلب دوم - حکم تداوی با خمر

اصل در تداوی با محرمات و چیزهای نجس حرمت است به خاطر عموم دلایل مبنی بر حرمت آن، اما در مورد اینکه آیا درمان بیماری با شراب و مسکرات در حالت اضطرار جایز است یانه ذیلا به بیان این موضوع با ذکر دلایل می پردازیم:

أخرج مالك في الموطأ عن زيد بن أسلم مرسلا أن النبي (قال لرجلين: "أيكما أطب؟" قالوا: يا رسول الله وفي الطب خير؟ قال: "أنزلنا الداء الذي أنزل الدواء"^۳.

ترجمه: امام مالک - رحمه الله - در موطأ خود از زید بن اسلم به طریق ارسال روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای دو نفر گفت: ("کدام یکی از شما طب را بیشتر میدانند؟" آن دو گفتند: ای رسول خدا آیا در طب هم خیریت و فایده ای وجود دارد؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: "ذاتی که بیماری و مرض را در ما وجود آورده است، دوی آن را هم نازل فرموده است")."

^۱ - العثیمین، محمد بن صالح، "فتاوی نور علی الدرب"، ج 11، ص 346.

^۲ - مغنی المحتاج: 188/4، المغنی: 306/8.

^۳ - فتح الباری (10/ 134)، نیل الأوطار (8/ 225)، زاد المعاد لابن القيم ص 2.

ولأبي داود من حديث أبي الدرداء رفعه: "إن الله جعل لكل داء دواء؛ فتداووا ولا تتداووا بحرام".

وآبو داود - رحمه الله - از ابو درداء^۱ - رضی الله عنه - به طریقه مرفوع روایت نموده است: "بدون شك که الله متعال برای هر مریضی ای داروی را به وجود آورده است؛ پس تداوی کنید اما نه با وسیله حرام".

وعن أبي الدرداء قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "إن الله أنزل الداء والدواء، وجعل لكل داء دواء؛ فتداووا ولا تتداووا بحرام"^۲.

ترجمه: از صحابی جلیل القدر ابودرداء رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "الله متعال بیماری و دوا را بوجود آورده است، و برای هر بیماری دواي آن را مقرر داشته است؛ پس تداوی کنید اما نه با شی حرام.

از تمامی احادیث فوق دانسته می شود که تداوی شرعا مطلوب بوده و اینکه بیماری و دوا هر دو از جانب الله عزوجل می باشد.

هنگامیکه تداوی مطلوب است پس آیا مداوا به هر آنچه که گمان شود دوا است مطلوب بوده، برابر است که حلال باشد یا حرام؟ در مورد این واقعیت که تداوی با دواي حلال مطلوب است اشکالی نبوده به مقتضی احادیث فوق الذکر.

اما تداوی با حرام چیزی است که ضرورت به تفصیل ووضاحت و بیان آرای فقها دارد^۱.

^۱ - ابو درداء رضی الله عنه: عُوَيمِر بن زید بن قیس بن عایشه معروف به ابودرداء خزرجی انصاری از معلمان قرآن و صحابی پیامبر صلی الله علیه وسلم. وی واپسین فرد از خانواده خویش یا واپسین شخص از انصار است که در جنگ بدر به اسلام گروید. (الطبقات از ابن سعد، ج 7، ص 274).

^۲ - صحیح لغیره، رواه أبو داود 6 / 23.

امامان مذاهب چهار گانه فقهی فرمودند^۱: استفاده از خمر و سایر مسکرات برای دارو و غیر آن ترجیحاً ممنوع و حرام است، مانند استفاده از آنها در چربی غذا، یا حل کردن دارو یا تر کردن گل، به دلیل این گفته رسول الله صلی الله علیه وسلم: «**إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَ كَمٍ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ**»^۲.

ترجمه: "خداوند شفای شما را در چیزی که برای شما حرام گردانیده، قرار نداده است"

فعن وائل بن حجر أن طارق بن سويد الجعفي سأل النبي صلى الله عليه وسلم عن الخمر، فنهاه عنها، فقال: إنما أصنعها للدواء، قال: "إنه ليس بدواء ولكنه داء"^۳.

ترجمه: از وائل بن حجر روایت است که طارق بن سويد جعفی پیامبر صلی الله علیه وسلم را در مورد خمر سوال نمودند، وی را نهی فرمودند، سپس گفت: خمر را برای استفاده در تداوی میسازم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: "خمر دواء نبوده بلکه خود مرض است".

لیکن فقهای احناف گفته اند: تداوی با حرام جایز بوده در صورتی که یقیناً دانسته شود که در آن شفا بوده و چیز دیگری جای آن را نمی گیرد، اما اگر شفای آن ظنی بوده و احتمال صحت یابی فقط در حد گمان بوده باشد باز درین صورت تداوی با حرام روانیست^۴.

^۱ - الخبيثة أم الخبائث، ص 206، المؤلف: عبد الفتاح بن سليمان عشاوي، الناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، الطبعة: السنة الخامسة. عشر العدد الثامن والخمسون. ربيع الآخر - جمادى الأولى - جمادى الآخرة 1403 هـ.

^۲ - البدائع: 5/113، الدر المختار وحاشية ابن عابدين: 5/320، المنتقى على الموطأ: 3/154، التاج والإكليل: 318/6، الشرح الكبير للدردير: 4/352 وما بعدها، المهذب: 1/251، مغنى المحتاج: 4/187، كشاف القناع: 6/198، زاد المعاد: 3/114، المغنى: 4/255، الفرائد البهية فى القواعد الفقهية للشيخ محمود حمزة: ص 286.

^۳ - رواه البخارى عن ابن مسعود. وكذا رواه عبد الرزاق والطبري وابن أبي شيبة موقوفاً عليه. وذكره البيهقي وأحمد وأبو يعلى والبخاري مرفوعاً، وابن حبان وصححه، من حديث أم سلمة.

^۴ - رواه مسلم وأحمد وأبو داود وابن ماجه وابن حبان والترمذى وصححه هو وابن عبد البر. وروى أيضاً: «لا تداووا بحرام» من حديث أبو داود والطبراني ورجاله ثقات عن أبي الدرداء بلفظ: «إن الله خلق الداء والدواء فتداووا ولا تداووا بحرام» (مجمع الزوائد: 5/86).

فقهای شافعی حرمت تداوی با خمر را به این قید نموده اند که شراب خالص بوده و با چیز دیگری که در آن استهلاک شود مخلوط نشده باشد.^۲

عز بن عبد السلام^۳ می گوید: تداوی با اشیای نجس و پلید جایز بوده، در صورتیکه چیز پاکتی که جاگزین و بدیل آن باشد وجود نداشته باشد؛ زیرا مصلحت عافیت و صحت شخص مهمتر و کاملتر است نسبت به مصلحت اجتناب و خود داری از نجاست، قول صحیح اینست که درمان با خمر جایز نیست مگر اینکه دانسته شود که در آن شفا است و داروی دیگری پیدا نه شود.^۴

ابن عربی و قرطبی^۵ از فقهای مالکی اظهار داشته اند که انتفاع به خمر به خاطر ضرورت جایز است، به دلیل این فرموده الله متعال: **(فمن اضطر غیر باغ ولا عاد)**^۱ پس ضرورت تحریم پرداشته شد و ضرورت حرام را تخصیص داد، زیرا بی توجهی به استفاده از دارو ممکن است موجب مرگ شود.^۲

^۱ - الهدیة العالیة للعلامة الشیخ علاء الدین عابدین: ص 251.

^۲ - مغنی المحتاج: 4/ 188.

^۳ - عز بن عبد السلام: ابومحمد عزالدین عبد العزیز بن عبد السلام بن ابی القاسم بن حسن سلمی شافعی (577 ق / 1181 م - 660 ق / 1262 م) ملقب به سلطان علما، فروشنده پادشاهان و شیخ اسلام، یک دانشمند و قاضی مسلمان است که در فقه، اصول، تفسیر و زبان سرآمد است و به درجه اجتهاد رسیده است. (العز بن عبد السلام، محمد الزحیلی، الطبعة الأولى، 1412هـ-1992م، دار القلم، دمشق، ص 39)

^۴ - قواعد الأحكام: 81/1.

^۵ - بن عربی: محیی الدین محمد بن علی بن محمد بن العربی طائی حاتمی (زاده ۲۶ ژوئیه ۱۱۶۵ - درگذشته ۱۶ نوامبر ۱۲۴۰ میلادی) معروف به محیی الدین ابن عربی و شیخ اکبر پژوهشگر، فیلسوف، عارف و شاعر مسلمان عرب اهل اندلس بود. (ابن عربی، ابو عبدالله - دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۰۱ (آب - آل داوود) - جلد ۴).

- قرطبی: ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن فرح انصاری خزرگی اندلسی قرطبی، یکی از امامان بزرگ تفسیر است، که در قرن هفتم می زیست. (جلال الدین سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، طبقات المفسرین، ص ۹۲).

مطلب سوم - طهارت ونجاست شراب

اهل علم وفقها در مورد پاکیزگی شراب یا نجاست آن به نجاست عینی اختلاف داشتند، که درین

مورد دو نظریه وجود دارد:

اول - دیدگاه اول: ذات وعین خمر نجس است، که درین مورد مذاهب چهار گانه فقهی اتفاق نظر دارند: مذهب حنفی^۳، مالکی^۴، شافعی^۵، وحنبلی^۶، که ابن حزم^۷ ظاهری هم همین دیدگاه را اختیار نموده است، وعلامه عینی در مورد نجاست شراب اجماع را روایت نموده است طوری که میفرماید: "در مورد نجاست خمر اجماع صورت گرفته است و اختلاف داود ظاهری درین مورد اعتبار ندارد"^۸.

دلایل دیدگاه اول:

1. از کتاب:

• به این فرموده الله متعال استدلال نموده اند: (إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ)^۹. **وجه**

استدلال: الله متعال شراب را رجس توصیف نموده است، وهمانا معنی رجس نجاست میباشد^۱.

^۱ - البقرة 173/2.

^۲ - أحكام القرآن لابن العربي: 1/56 ومابعدھا، تفسیر القرطبی: 2/231.

^۳ - العنايه شرح الهدایه للباہرتی، 99/10، وینظر: بدائع الصنائع للکاسانی، 66/1، فتح القدير للکمال ابن الهمام، 79/1.

^۴ - حاشیة الدسوقي، 49/1، 50، التاج والإکلیل للمواق، 97/1.

^۵ - المجموع للنووی، 563/2، والأُم للشافعی، 72/1.

^۶ - الإنصاف للمرداوی، 319/1، والمغنی لابن قدامة، 171/9.

^۷ - [1166] قال ابن حزم: (مسألة: والخمر والميسر والأنصاب والأزلام؛ رجس، حرام، واجب اجتنابه؛ فمن صلى حاملاً شيئاً منها بطلت صلاته). المحلي، 188/1.

^۸ - قال العيني: (قد انعقد الإجماع على نجاستها، وداود لا يعتبر خلافه في الإجماع، ولا يصح ذلك عن شريعة). البناية

447/1، وقال ابن مفلح الحفید: (الخمر بخمر العقل؛ أي: يُغْطيه ويستره، وهي نجسة إجماعاً). المبدع، 209/1.

^۹ - سورة مائده: آیه 90.

- وبه این آیه کریمه که الله عزوجل میفرماید: (وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا)^۲.

وجه استدلال: اگر شراب در این دنیا پاک باشد، پس امتنان به پاکی شراب آخرت منتفی می شود و از اینجا فهمیده می شود که شراب دنیا پاک نیست.^۳

2. از سنت

عن أبي ثعلبة الخشني: (أنه سأل رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: إنا نجاور أهل الكتاب، وهم يطبخون في قُدورهم الخنزير، ويشربون في آنيةهم الخمر، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن وجدتم غيرها فكلوا فيها واشربوا، وإن لم تجدوا غيرها فارحسوها بالماء واكلوا واشربوا)^۴.

ترجمه: از ابی ثعلبه خشنی روایت است که او از رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرسید: ما با اهل کتاب در تماس نزدیک هستیم (همجوار و همسایه هستیم) و آنها گوشت خوک را در دیگ های خود می پزند و شراب را در ظرف های خود می نوشند، بنابراین رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: "اگر چیزی غیر از این پیدا کردید، پس با آن بخورید و بنوشید، و اگر به جز آن ظروف چیزی دیگری نیافتید، پس آن را در آب شسته و با آن بنوشید و بخورید".

وجه استدلال: 1- که نجاست شراب به نزد صحابه یک چیز پذیرفته شده بود؛ از همین خاطر ابو ثعلبه خشنی را بیرون رفت از آن را از رسول الله صلی الله علیه وسلم می پرسد. 2- اگر شراب نجس و پلید

^۱ - الرجس: چیز کثیف، بد بو یا نجس است که ممکن است از آن به عنوان عمل حرام، زشت، عذاب و نفرین تعبیر شود. ابن فارس گفت است: (الراء، الجیم و السین: اصلی است که دلالت به اختلاط می کند ... و از باب رجس: کثیف است، زیرا آن را لکه دار و آلوده می کند). معجم مقاییس اللغة، 490/2، النهایة فی غریب الحدیث والأثر لابن الأثیر، 200/2، لسان العرب لابن منظور، 94/6، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للفیومی، 219/1.

^۲ - (الإنسان: 21).

^۳ - أضواء البیان للشنقیطی، 426/1.

^۴ - رواه أبو داود (3839) واللفظ له، والترمذی (1797)، وابن ماجه (2831)، وأحمد (17785) قال الترمذی: حسن صحیح، وقال ابن حزم فی المحلی، 425/7: ثابت، وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی، 1797.

نمی بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم امر به شستن ظرفی که در آن شراب نوشیده شده است نمی کرد.^۱

دوم – دیدگاه دوم: شراب پاک می باشد، که این نظریه داود ظاهری^۲، ربیعہ، لیث بن سعد و مزنی^۳ بوده، که شوکانی^۴، البانی^۵ و ابن عثیمین هم همین دیدگاه را برگزیده اند.^۶

دلایل دیدگاه دوم:

1. از سنت:

• عن أنس بن مالك رضي الله عنه قال: ((كنت ساقياً القوم في منزل أبي طلحة، وكان خمرهم يومئذ الفضيخ، فأمر رسول الله صلى الله عليه وسلم منادياً ينادي: أَلَا إِنَّ الخمرَ قد حُرِّمَتْ، قال: فقال لي أبو طلحة: اخرج فأهرقها، فخرجتُ فهرقتها، فجرتُ في سِكَكِ المدينة...))^۷.

ترجمه: از انس بن مالک ضی الله عنه روایت است که وی گفت: (من ساقی مردم در خانه ابو طلحه بودم و شراب آنها در آن زمان فضيخ^۸ بود، پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم منادی را امر کرد تا صدا بزند

^۱ - مجلة البحوث الإسلامية، 80/38.

^۲ - المجموع للنووي، 563/2.

^۳ - تفسير القرطبي 288/6، المجموع، 563/2.

^۴ - السيل الجرار ص: 25، 26.

^۵ - سلسلة الأحاديث الضعيفة، 452/3.

^۶ - الشرح الممتع، 429-432/1.

^۷ - رواه البخاري، 2464 واللفظ له، ومسلم، 1980.

^۸ - تعريف ومعنى فضيخ: 1- آب انگور، 2- نوشیدنی تهیه شده از خرما. (المعجم الوسيط، اللغة العربية المعاصرة، الرائد، لسان العرب، القاموس المحيط).

به اینکه: آگاه باشید شراب حرام شده است، فرمود: سپس ابو طلحه^۱ به من گفت: "برو بیرون و شراب را بریز، سپس بیرون شده و آنرا ریختم، تا اینکه در کوچه های مدینه روان شد" (

وجه استدلال: اگر خمر نجس می بود آن را در راه های مسلمانان نمی ریختند؛ و شارع آن را اینطور نمی گذاشت بلکه منع میفرمود؛ زیرا روانیست در راه های که مسلمانان میگذرند جایی ریختن نجاست قرار داده شود^۲.

• **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: ((أَنَّ رَجُلًا أَهْدَى لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاوِيَةً خَمْرًا، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَلْ عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَهَا؟ قَالَ: لَا، فَسَارَّ إِنْسَانًا، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بِمَ سَارَرْتَهُ؟ فَقَالَ: أُمْرُتُهُ بِبَيْعِهَا، فَقَالَ: إِنَّ الَّذِي حَرَّمَ شُرْبَهَا حَرَّمَ بَيْعَهَا، قَالَ: فَفَتَحَ الْمَزَادَةَ حَتَّى ذَهَبَ مَا فِيهَا))^۳.**

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است: ((مردی به پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم مشکى از شراب را هدیه نمود، به او رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: آیا می دانستی خدا آن را حرام کرده است؟ آن شخص گفت: نه نمی دانستم! پس آن مرد با دیگری به طور سرگوشی صحبت کرد، رسول الله صلی الله علیه وسلم به آن مرد گفت برایش چه گفتی، آن مرد گفت: من به او سفارش کردم که آن را بفروشد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: کسی که نوشیدن آن را ممنوع کرده است، فروش آن

^۱ - ابوطلحه انصاری: از انصار پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) و از نقبای دوازده گانه پیامبر در بیعت عقبه دوم. ابوطلحه تیزاندازی ماهر بود و در همه غزوه های پیامبر شرکت کرد. زید بن سهل بن اسود، مشهور به ابوطلحه انصاری، از تیره بنی نجار خزرج، و مادرش عباده دختر مالک بن عدی بود. (المعارف، ص ۲۷۱؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۵۳؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۲۳۴. الطبقات، ج ۳، ص ۵۰۴؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۵۴).

^۲ - ((تفسیر القرطبی)) (288/6)، ((مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین)) (192/11).

^۳ - رواه مسلم (1579).

را نیز ممنوع کرده است، فرمود: سپس آن شخص دهن مشك را باز نموده شرابی که در آن بود به زمین روان شد).

وجه استدلال: اگر شراب نجس حسی بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم، به صاحب مشك دستور می داد که مشك خود را بشوید، مانند این که وقتی خرهای وحشی در سال خبیر حرام شد، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: ((أَهْرِيقُوهَا وَاكْسِرُوهَا - یعنی: القُدور - فقالوا: أَوْ نُهْرِيقُهَا وَنَغْسِلُهَا؟ فقال: أَوْ ذَاكَ))^۱ "آن را بریزید و بشکنید - یعنی: دیگهارا - و آنها گفتند: یا ما آن را خرد می کنیم و می شویم؟ گفت: یا آن!"

2- همانطور که قمار بازی، بتان و تیرهای فال، نجس العین نبوده، همانطور شراب هم نجس نیست، چون همگی در یک آیه و در یک سیاق ذکر شده است.^۲

3- اصل پاکی است، تا اینکه دلیلی بر پلیدی اقامه شود.^۳

پس همان طور که ذکر شد و دکتور وهبه الزحیلی هم در کتاب الفقه الإسلامی وأدلته ذکر نموده است؛ اکثریت مطلق فقها از جمله مذاهب اربعه خمر را نجس دانسته اند و بعضی از محدثین قایل به پاکی آن میباشند.^۴

^۱ - مجموع فتاوی و رسائل العثیمین، 258/11.

^۲ - مجموع فتاوی و رسائل ابن عثیمین، 188/11.

^۳ - الصَّنَعَانِيُّ، سبل السلام 36/1. و دیده شود: الشرح الممتع، 432-429/1.

^۴ - الفقه الاسلامی وأدلته، 303/1، وهبه الزحیلی.

مبحث سوم - بررسی اضرار نوشیدن خمر

شراب نوشی دارای اضرار مختلف است که هر نوع آن در مطلب جداگانه به بحث گرفته می شود:

مطلب اول - اضرار فردی

الف - شراب بالای عقل وهوش وحواس نوشنده تأثیر سوء گذاشته ، عقل را مغلوب و قوت را غالب می سازد.

ب - عقل بزرگترین عطای الهی و اسباب شرافت و کرامت انسانی است، اما بخاطر شراب پنهان می گردد.

ج - ضرر اقتصادی دارد ، نه صرف فرد معتاد بلکه جامعه را متضرر میسازد^۱.

د - بسیاری از اشخاص معروف را که مردند، سوال میشود که چه مریضی داشتند؟ جواب میدهند که موصوف درمواد الکولی (شراب) افراط می کرد.

مثال مشهور: در رمضان 1428 قمری درشهرکراچی پاکستان بآثر شراب نوشی طبق اعلانات رسمی به تعداد پنجاه و پنج نفر مسموم شدند که از جمله چهل نفر شان مردند.

و نیز یکسال قبل در 2006 میلادی طبق اخبارات بین المللی در شهر بمبی هندوستان بیش از هشتاد نفر باثر شراب نوشی جان های شیرین خود را از دست دادند. البته در هر دو واقعه تحلیل مطبوعات این بود که این نوع شراب محلی ویا خانگی بوده است. به هرحال این را تمام سازنده ها و نوشنده های شراب می پذیرند که اگر در مواد شراب ویا مواد الکولی بی احتیاطی و افراط صورت گیرد حتماً باعث مرگ فوری میگردد ، چنانکه ازدو واقعه فوق واضح گردید^۲.

^۱ - د.أسامة أبو الرب، "الخمير.. سُم يُشرب وعقل يُسلب وصحة تذهب"، الجزيرة، تاريخ مراجعه: 2017\1\6.

^۲ - مرجع سابق.

پس قضاوت کنید: آیا اقلانه است هر مواد که بخاطری احتیاطی باعث مرگ دسته جمعی و فوری گردد ، در بین جامعه بشری استعمال آن قانونی باشد چنانکه که امروز است؟ و آیا این رحم بر بشریت است که این گونه مواد مثل شراب ترویج گردد ، تجارت و استعمالش مجوز عقلی داشته باشد؟

سوالی که در ذهن بسیاری از معتادین است این که میگویند شرابی که توسط اشخاص فنی ساخته می شود و امروز در دنیای غرب و دیگر کشورها مروج است خطرات مرگ را ندارد. و نه شنیده شده که مثل واقعه کراچی کسی مرده باشد.

جواب: هیچ نوع شراب خالی از ضرر و مرگ تدریجی نیست.

زیرا در بازارهای جهانی امروز انواع و اقسام مختلف از شراب یافت می شود ، چنانکه سید سابق در فقه السنه بیش از بیست قسم آن را نامبرده است ، و همه اقسام آن از نگاه شریعت اسلامی حرام ، و از نگاه صحتی خالی از ضرر نیست.

منتهی اگر مرگ فوری باشد مثل مرگ شرابی های کراچی و بمبی. و اگر تدریجی باشد مثل مرگ شرابی های غربی و شرقی. زیرا که در شراب موادی وجود دارد که مجرای شریان های اعصاب را تنگ می سازد و بالاخره به مرور زمان باعث سکنه قلبی و مغزی و غیره امراض میگردد. و در نتیجه سبب مرگ تدریجی میگردد. چنانچه که دانشمندان طبی به همین نظر اند.

خلاصه : اکثراً آنهایکه درماحول فساد درعنفوان شبابت خویش زندگی کردند و یا به خاطر تأثرات منفی شراب حیات خویش را از دست دادند و یا به مرض های مختلف مبتلا گردیدند، برهرحالت درزمان کههولت از گذشته های شان رنج میبرند!

مطلب دوم - اضرار اجتماعی

الف - ما درجامعه خویش مشاهده می کنیم وقتی راننده تصادم می کند و یا از حد معمول به سرعت حرکت می کند که خطرش جامعه را تهدید می کند ، تمام ناظرین می گویند (الله اکبر) دُریور نشه است.

ب - هرگاه حادثه ترافیکی را مشاهده می کنیم که حتماً عطوفت انسانی متألم میشود، فوراً مردم میگویند: راننده نشه بوده. اگرچه این موضوع عموم نیست، ولی اکثراً چنین است.

ج - دریک اجتماع که اکثر ویا ثلث ورُبع آن معتاد به مواد مشروبات و یا مسکرات باشند، پس در آن جامعه چه اقتصاد و سرمایه باقی می ماند؟ خصوص در دول فقیر و عقب مانده .

د - شراب نشه آور است، دربسا موارد منجر به هلاکت و بی عزتی و بی عفتی میگردد.

ه - شراب اسباب فحشاء و هزیان و هتک حرمت به دیگران میگردد .

و - زیانهای اجتماعی الکل:

راجع به زیان های اجتماعی الکل صرف همین احصائیه کافی است که، طبق آماری که « انستیتوت »

طبی قانون شهر « نیون » در سال 1961 تهیه نموده است جرایم اجتماعی الکلستها از این قرار است :

¹ - نعمت الله وثیق، شراب و اثرات ناگوار آن، اصلاح آنلاین، <https://www.eslahonline>، تاریخ مراجعه به سایت،

مرتکبین قتل‌های عمومی 50 درصد. ضرب و جرح‌ها در اثر نوشیدن الکل 77/8 درصد، سرقت‌های مربوط به الکلیست‌ها (شرابی‌ها) 88/5 درصد. جرایم جنسی مربوط به الکل‌ها 88/8 درصد، می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد که اکثریت قاطع جنایات و جرایم بزرگ در حال مستی روی می‌دهد^۱.

مطلب سوم: اضرار معنوی شراب

الف - قرآن کریم شراب و قمار را عمل شیطانی خوانده و منع میکند پس برای مسلمان لازم است از منهیات خداوند منع شود .

ب - پیامبر صلی الله علیه وسلم شراب را أم الخبائث فرموده یعنی: در رأس همه حرام‌ها قرار دارد .

ج - دین اسلام شراب و قمار را منع قرار داده.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم میفرماید: (هر مسلمان که شراب بنوشد در آن وقت ایمان از وی مرتفع می‌گردد)^۲.

د - نشئه شراب مسلمان را از ذکر خدا منع میکند، زیرا قلب مسلمان معلق به یاد خدا است. چنان که گفته میشود:

(دست به کار، دل به یار) در واقع مصروفیت‌های عامه مسلمان را از یاد خدا غافل نمی‌گرداند. چنانچه میفرماید: ﴿رَجَالَ لَا تُلْهِمُ تِجَارَتٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾^۳.

ترجمه: هستند مردانی که تجارت و داد و ستد از یاد خدا غافل نمی‌گرداند. پس شراب است که انسان را از یاد خدا غافل میگرداند.

^۱ - ابراهیم حسن الخضیر (2012-4-6)، "إدمان الكحول ... يدمر حياة المدمن الاجتماعية والعملية"، الرياض، العدد 15992، صفحة زاوية طب.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - [نور/37].

دکتر عبدالوهاب خلیل در مجله التمدن الاسلامی زیانهای روحی و جسمی و اخلاقی و آثار بد آن را برای فرد و جامعه خلاصه کرده است و گفته: هرگاه از علمای دین و وداکتری و اخلاقی و جامعه‌شناسان و اقتصاد دانان پرسیم جواب همه آنها درباره می خوارگی و اضرار آن قطعی است.

مسکرات یک چیز مضر بیش نیست که نباید می خورد چون زیان زیاد دارد علمای دین می گویند: می حرام است چون مادر همه پلیدیها است، دانشمندان طب می گویند: می خوراگی بزرگترین خطری است که بشریت را تهدید می کند، نه تنها زیانهای آن از مواد سمی آن حاصل می شود، بلکه عواقب و فرجام وخیمی نیز دارد و راه را برای بیماریهای خطرناک مهیا می سازد که کمترین آنها «سل» است چون بدن و جسم را ضعیف و ناتوان ساخته و مقاومت جسم را در برابر بیماریها از بین می برد و در همه جهازها و دستگاههای بدن اثر می گذارد بویژه در کبد و دستگاه عصبی. لذا جای شگفتی نیست که می خوارگی موجب مهمترین بیماریهای عصبی باشد و بزرگترین عامان دیوانگی و بدبختی و مجرمیت بحساب می آید. می خوارگی نه تنها برای خود می خواره زیان دارد، بلکه در نسلهای بعد از او نیز عواقب آن باقی می ماند و برآستی علت و عامل بدبختی و فقر و افلاس و ذلت و خواری و فساد و تباهی است و هر قومی که بدان مبتلا باشد از نظر مادی و معنوی و بدنی و روحی و عقلانی و جسمانی رو به تباهی می رود^۱.

^۱ - ابراهیم حسن الخضیر (2012-4-6)، "إدمان الكحول ... يدمر حياة المدمن الاجتماعية والعملية"، الرياض ، العدد 15992، صفحة زاوية طب. أ - أضرار الخمر على مختلف أجهزة الجسم البشري"، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - المملكة المغربية، اطلع عليه بتاريخ 6-1-2017.

علمای اخلاق می‌گویند: اگر کسی بخواهد متانت و وقار و عفت و پاکدامنی و شرف و مردانگی و بلند طبعی و مناعت طبع داشته باشد، نباید چیزی را مصرف کند که بدین صفات حمیده و پسندیده زیان برساند و آنها را تباه سازد. بدیهی است که می‌خوارگی چنین است.

جامعه‌شناسان می‌گویند: برای اینکه جامعه انسانی بهترین نظام و تربیت را داشته باشد، نباید با ارتکاب اعمالی که نظم و سامان و انسجام جامعه را مختل سازد، جامعه خویش را آلوده نمود و بی‌بند و باری را رواج داد و تفرقه و جدائی ایجاد نمود و از این راه بدشمنان کمک کرد.

اقتصاد دانان می‌گویند: هر پولی که برای منافع خویش خرج و هزینه کنیم برای ما و میهن نیرو و قوت می‌آورد و هر پولی که در راه زیان و ضرر خود هزینه کنیم زیانش برای ما و میهن می‌باشد.

بنابراین میلیونها پول که برای صرف انواع مسکرات هزینه می‌شود و بیهوده و عبث می‌رود زیانهای جبران ناپذیری دارند و مادیات ما را از پیشرفت باز می‌دارد و مردانگی و نخوت و مناعت طبع ما را از بین می‌برد.

بنابراین می‌بینیم که عقل حکم می‌کند که از صرف انواع مسکرات دوری کنیم. هرگاه حکومت در این باره رای کارشناسان آگاه و دانشمندان را بخواهد، بدون اینکه یک دینار هزینه صرف شود، جواب و پاسخ کامل بدست می‌آید، چون همه آنان باتفاق نظر زیانمند بودن آن را باور دارند و حکومت هم از ملت تشکیل شده و جزئی از آنست، پس ملت از دولت می‌خواهد این ضرر و زیان را منع کند و مسئول آنست^۱.

^۱ - الکحول"، منظمة الصحة العالمية، 2015، تاریخ مراجعه 6-1-2017. أ ب لیزلی غفیرتز (2015-1-9)، "الثنمن الحقیقی للإفراط فی تناول الکحول"، BBC، 2017-1-6.

اگر در جامعه ای صرف مسکرات ممنوع باشد، افراد آن جامعه دارای بنیه‌ای قوی و نیرومند و تندرستی خواهند بود و تصمیم و آهنگ نیرومند و عقل پخته و سالمی خواهند داشت و اینست مهمترین وسایل و اسبابی که موجب بالا رفتن سطح بهداشت در کشور می‌شود. و همچنین پایه اساسی بالا رفتن سطح اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی جامعه است، چون بار اکثر وزارت خانه‌ها را سبک می‌کند بویژه وزارت دادگستری، آنوقت کاخ نشینان دادگستری و زندانها اندک خواهند بود و زندانها از زندانیان خالی می‌گردد و می‌توانند برای کارهای اصلاحی، جامعه مورد استفاده واقع شوند. اینست تمدن و پیشرفت و نهضت و بیداری. و اینست پیشرفت و آگاهی و شعور.

و اینست معیار و میزان پیشرفت ملتها.

و اینست تعاونی حقیقی که با هم دست بدست هم بدهیم و این آفت زیان آور را از جامعه خویش دور سازیم و اینست کار جدی و گسترده و ثمربخش. الله متعال میفرماید: ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^۱.

ترجمه: «بگو کار کنید و بکشید که خدا و پیامبرش و مومنان عمل و کار شما را می‌بینند»^۲.

^۱ - [التوبة: 105].

^۲ - نام مجله: التمدن الإسلامي، (مجله علمی، ادبی، اسلامی)، این به صورت ماهانه صادر می‌شد، رئیس تحریر: احمد مظهر العظمة، مدیر مجله: احمد شفیق نصری، صدور توسط: جمعیه التمدن الإسلامي، محل صدور: دمشق، سوریه، سال تاسیس: 1946 سال تعلیق: 1982 چاپ شده در مطبوعات الترقی در دمشق.

مطلب چهارم: اضرار صحتی شراب

اضرار صحتی شراب زیاد بوده طوری که در یک تحقیقی که توسط دکتر «لورمی» به عمل آمده است مشخص گردیده که 51 بیمار از 58 بیمار مبتلا به سرطان لوزه، زبان و حنجره از معتادان به الکل بوده‌اند. شراب همچنین تأثیر عمیقی بر فرزندان می‌گذارد که والدین آن‌ها معتاد بوده‌اند..

امروزه آمار نشان می‌دهد مرگ کودکانی که والدین آن‌ها مشروبات الکلی می‌نوشند بیشتر از سایر کودکان است که بر اثر سایر امراض از بین می‌روند و اطفالی که از پدران شراب‌خوار به وجود می‌آیند، غالباً ضعیف، علیل و غالباً به تشنج‌های شدید مبتلایند و قدرت دفاعی آن‌ها در مبارزه با مشکلات زندگی ناچیز است و در برابر عفونت‌های مختلف بسیار حساسند، نقص بدنی انحراف ستون فقرات کر و لالی عوارض ناشی از غده‌ی تیروئید و همچنین ضایعات مغزی مانند عقب‌ماندگی، رشد نکردن ماهیچه‌ها، دیوانگی‌های حاد و غیره در آنان فراوان دیده می‌شود. آمارگیری نشان می‌دهد که حد متوسط عمر با رعایت نکات طبابت از 60 سال به بالا است^۱.

کسی که در حین انعقاد نطفه مست است 35 درصد عوارض الکلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می‌کند و اگر زن و مرد هر دو مست باشند، صد در صد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود برای اینکه به اثر الکل در فرزندان بهتر توجه شود آماری را در اینجا می‌آوریم:

کودکانی که زود تر از وقت طبیعی به دنیا آمده‌اند از پدران و مادران الکی 45 درصد، و از مادران الکی 31 درصد، و از پدران الکی 17 درصد، بوده‌اند.

-- "الکحول"، منظمة الصحة العالمية، 2015، تاریخ مراجعه: 6-1-2017.^۱

کود کانی که هنگام تولد توانائی زندگی را ندارند، از پدران الکللی 6 درصد، و از مادران الکللی 45 درصد، کود کان که کوتاه قد بوده اند از پدران و مادران الکللی 75 درصد، و از مادران 45 درصد بوده است، کود کانی که فاقد نیروی کافی عقلانی و روحی بوده اند از مادران و پدران الکللی نیز 75 درصد بوده است. (البته اشتباه نشود که یک نوع کوتاهی طبیعی است، ولی بحث اینجا از آن کوتاهی عارضی و غیر وراثی و غیر معمول است^۱ .

این زیانها و ضررهائی که بر شمردیم، بگونه‌ای ثابت شده‌اند که مجالی برای شک و تردید باقی نگذاشته‌اند. تا جائیکه بسیاری از دولتهای هوشیار با میخوارگی مبارزه می‌کنند و آن را منع می‌نمایند از جمله دولتهائی که تلاش کرد تا آن را منع کند کشور آمریکا بود که (مرحوم) ابوالاعلی المودودی^۲ در «تنقیحات» چنین گفته است: حکومت آمریکا می‌خوارگی و مسکرات را منع کرد و آن را از کشور خود دور ساخت و تمام وسایل تمدن کنونی را در راه تبلیغ بر علیه آن بکار گرفت، از قبیل مجلات و مجالس سخنرانی و تصاویر و سینما که بخوبی زشتی و قباحت میخوارگی و مضار و زیانهای آن را نشان می‌دادند.

و هزینه‌هایی که دولت بر ضد می‌خوارگی هزینه کرده است به شصت میلیون «دلار» تخمین می‌زنند و در حدود ده میلیون صفحه بر علیه آن مطالب نوشته شد و در مدت چهارده سال اجرای قانون تحریم مسکرات، هزینه‌ای در حدود (۲۵۰) میلیون لیره مصری متحمل گردید. و سیصد نفر در راه اجرای آن قانون، اعدام و (532335) نفر زندانی گردیدند و خسارات و زیانها به (16) میلیون لیره مصری و املاک مصادره شده بمیزان مبلغ چهارصد میلیون

^۱ - "أضرار الخمر علی مختلف أجهزة الجسم البشري"، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - المملكة المغربية، تاریخ مراجعه: 6-1-2017.

^۲ - ابو الاعلی مودودی: سید ابوالاعلی مودودی (اردو: ابوالاعلی مودودی) (زاده ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۳ - درگذشته ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹) روزنامه‌نگار، مسلمان طرفدار احیای مذهبی، فیلسوف سیاسی، و متفکر اسلام‌گرای سده ۲۰ (میلادی) در هندوستان و پاکستان بود. (<https://fa.wikipedia.org/wiki>).

لیره مصری بالغ گردید. لیکن نتیجه تمام این تلاشها و کوششها این بود، که مردم آمریکا بیشتر شیفته مسکرات شدند و در مصرف آن عناد بخرج می دادند، تا جائیکه در سال (1933) حکومت آمریکا بناچار این قانون را ملغی ساخت و صرف مشروبات الکلی را بطور مطلق در کشور خود مباح و آزاد نمود. پایان سخن ابوالاعلی مودودی رحمه الله.

آمریکا علی رغم تلاشهای عظیمی که برای تحریم مسکرات مبذول داشت، شکست خورد و از انجام همیشگی آن ناتوان گردید.

لیکن دین اسلام که امت مسلمان را بر اساس دین و داشتن ایمان در قلب آنان، پرورش داده است و با تعالیم حیات بخش خود، دلشان را زنده و بیدار نموده است، هیچیک از این تلاشهای دولت آمریکا را بخرج نداد و این هزینهها را متحمل نشد، بلکه فرمانی از طرف خداوند دایر بر تحریم آن صادر گردید، و روح مومنان بدان پاسخ مثبت داد و برای همیشه آن را از برنامه زندگی خود حذف کردند.

بخاری و مسلم از انس بن مالک روایت کرده اند که گفت: «ما جز می که از خرما گرفته می شود مشروب دیگری نداشتیم. من مشغول می دادن به ابوطلحه و ابویوب و مردان دیگری از یاران پیامبرص بودم و آنان در خانه ما می نوشیدند، بناگاه مردی آمد و گفت: آیا آن خبر به شما رسیده است؟ گفتیم: نخیر کدام خبر؟ - گفت: براستی می خوارگی حرام شده است بنابراین ای انس این کوزه های می را بریزید. دیگر این مردان که در آنجا نشسته بودند، بعد از سخن آن مرد می نخواستند و بدان لب نزدند. آری اینست نتیجه ایمان و تاثیر آن در مومن»¹.

¹ - فقه السنة لسید السابق 6540/1.

فصل سوم

طرق اثبات، ارکان و مجازات جرم شراب نوشی

در شریعت اسلامی و قوانین افغانستان

مبحث اول: طریقه های اثبات شرب خمر

مبحث دوم: ارکان جرم شراب نوشی

مبحث سوم: مجازات جرم شراب نوشی در شریعت اسلامی و قوانین افغانستان

مبحث اول - طریقه های اثبات شرب خمر

مطلب اول: طریقه های اثبات شرب خمر

شرب خمر به یکی از پنج روش ذیل اثبات می شود:

مطلب اول - اقرار:

به نزد مالکی ها، شوافع و حنابله درین طریقه حد شراب نوشی با اقرار متهم بر نوشیدن شراب اثبات می شود^۱.

با اقرار خود شخص به اینکه شراب نوشیده است و اقرار اش باید به اختیار خودش بوده بدون اکراه صورت گیرد، در زمینه اقرار حدیثی از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده: (أَتَى رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَنَادَاهُ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي زَنَيْتُ. فَأَعْرَضَ عَنْهُ. فَتَنَحَّى تَلْقَاءَ وَجْهِهِ. فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي زَنَيْتُ. فَأَعْرَضَ عَنْهُ. حَتَّى ثَنَيْتُ ذَلِكَ عَلَيْهِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ. فَلَمَّا شَهِدَ عَلَيَّ نَفْسِي أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ، دَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَقَالَ (أَبْكَ جُنُونٌ؟) قَالَ: لَا. قَالَ: (فَهَلْ أَحْصَنْتَ؟) قَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (اذْهَبُوا بِهِ فَارْجُمُوهُ)^۲.

^۱ - حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر، محمد بن أحمد بن عرفه الدسوقی، دار إحياء الكتب العربية، ج 4، ص 353؛ تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، أحمد بن علی الهیتمی، دار إحياء التراث العربی، ج 9، ص 172؛ کشاف القناع عن متن الإقناع، منصور بن یونس البهوتی، عالم الكتب، بیروت، ج 6، ص 118.

^۲ - رواه مسلم، فی صحیح مسلم، عن أبی هريرة، الصفحة أو الرقم: 1691.

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسجد بوده که شخصی از مسلمانان نزدش آمد و خطابش کرد، یا رسول الله! من زنا کرده ام، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم از وی روی گشتاند، آن شخص پس روبروی رسول الله آمده و گفت: یا رسول الله من زنا کرده ام، رسول الله دوباره از وی روی گرداند، تا اینکه چهار مرتبه این کار تکرار شد، پس وقتی که چهار مرتبه اقرار نموده و بر خود شهادت داد، رسول الله صلی الله علیه وسلم وی را فراخوانده و فرمود: (آیا دیوانه هستی؟) گفت: نخیر، سپس رسول الله گفت: (آیا ازدواج کرده ای؟) گفت: بلی، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (این را ببرید و سنگسار نمایید). امام ابو حنیفه و شاگردش ابو یوسف بر شرط بودن موجودیت بو یا شهادت به آن را هنگام اعتراف به نوشیدن شراب، یا اقرار به نوشیدن غیر خمر و مست شدن از آن تصریح کردند^۱.

مطلب دوم - شهادت بر نوشیدن شراب :

و حد شراب نوشی با شهادت دو مرد عادل مبنی بر نوشیدن متهم مشروبات الکلی را اثبات می شود، که این مذهب شافعی ها و حنابله و مالکی ها می باشد^۲.

الله متعال در زمینه می فرماید: **(وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ)**^۳ ترجمه: و دو نفر از مردان خود را به گواهی گیرید.

امام ابو حنیفه و شاگردش ابو یوسف شرط کردند که هنگام اداء شهادت، بوی آن وجود داشته باشد یا شهادت بر موجودیت بو در وقت ادای شهادت بر نوشیدن شراب و یا مواد دیگر نشه آور و نشه شدن از آن^۱.

^۱ - تبیین الحقائق، شرح کنز الدقائق، عثمان بن علی الزیلعی، دار الکتب الإسلامی، ج 3، ص 195.

^۲ - حاشیة الدسوقی، 4/353؛ تحفة المحتاج، للهیتمی، 9/172؛ کشاف القناع، للبهوتی، 6/118-119.

^۳ - سوره البقره: آیه 282.

برخی از قضات صاحبان فضیلت هنگام نوشتن دادخواست عبارت ذیل را ذکر می نمایند: ((از نفس کشیدن وی بوی شراب بیرون می شود))، که به من نشان می دهد که دهان منبع این بو است. موفق الدین ابن قدامه گفت است: ((مطابق قول اکثر دانشمندان، صرف با موجودیت بوی شراب در دهن متهم اجرای حد لازم نیست))^۱. همچنین معلوم می شود که تعبیر به بوئیدن و بوئیدن دهان نزدیک تر است. به ویژه، این اصطلاح در داستان ماعز طوری که امام مسلم روایت نموده ذکر شده است (فقام رجل فاستنكه^۲ فلم يجد ريح خمر^۳) "پس شخصی برخاست و دهان آن را بوئید، اما بوی شراب را پیدا نکرد"^۴.

در ماده 322 قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان آمده است که ((شهادت شهود طور منفرد در جلسه هیأت قضایی به حضور طرفین دعوی استماع می گردد))^۵ که قانون درین مورد مطلق و بدون قید ذکر کرده است. در حالی که کسی که به اقوال فقها آگاه است آنها اظهار داشته اند که تفریق بین شهود در حالت شک و تردید است، ابن ابی الدم^۶ می گوید: ((در مورد اینکه اگر گمان می شود که شاهدان ... نادان هستند ، و کنترل ندارند ودر شهادت خود ثبات ندارند شایسته است که قاضی شهادت اینگونه

^۱ - تبیین الحقائق ، للزیلعی ، 195/3.

^۲ - المغنی ، دار إحياء التراث العربی ، 138/9 .

^۳ - استنکاه: دهان او را بوئید، از او خواست که با دهان نفس کشد تا بداند چیزی نوشیده است یا خیر. (معجم المعانی، عربی - فارسی).

^۴ - صحیح مسلم، الحدود، من اعترف علی نفسه بالزنی، حدیث شماره 3207.

^۵ - وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون اصول محاکمات مدنی، شماره: 1341، تاریخ: 19/9/1368.

^۶ - ابراهیم بن عبدالله همدانی حموی شهرت یافت به ابن ابی الدّم و لقب گرفته به شهاب الدین (۱۱۸۷-۱۲۴۴م) تاریخ نگار سوری بود. در بغداد فقه خواند و در مصر حدیث فراگرفت. در مصر و شام بسیار به آموزش حدیث پرداخت. قضاوت حمایه را برعهده گرفت. به عنوان سفیر به عراق فرستاده شد، اما در راه بیمار گشت و بازگشت. کتاب التاریخ، التاریخ المظفری از آثار اوست. (زرکلی، الاعلام 1/ 49).

شاهدان را بطور انفرادی بشنود^۱). البهوتی^۲ گفت است: ((و اگر حاکم به شاهدان مشکوک باشد ... آنها را جدا کرده و از هر کس سؤال می کند که شما چگونه شهادت را به دست آورده اید و چه موقع^۳))، و از دلایل جدا کردن بین شاهدان همان چیزی است که ابن ابی شیبہ از محرز بن صالح نقل کرده است. ((که علی شهادت شاهدان را طور جداگانه می شنید^۴)).

کافی است که شاهد در صورتیکه اسم مشهود علیه را نشناسد به طرف وی اشاره کند. البهوتی^۵ گفت است: ((اگر شاهد نام و نسب مشهود علیه را نداند، جایز است فقط در حضور خود وی شهادت دهد... اگر نام وی و نسب وی را ذکر نکرد، با اشاره کردن به طرف وی شهادت معتبر است^۶)).

^۱ - أدب القضاء وهو الدرر المنظومات في الأفضية والحکومات ، شهاب الدين إبراهيم بن عبدالله المعروف بابن أبي الدم الحموي الشافعي ، تحقيق د. محمد بن مصطفى الزحيلي ، دار الفكر ، دمشق ، ط 2 ، 1402 هـ ، ص 138 .

^۲ - منصور بن يونس بن صلاح الدين بن حسن بن احمد بن علي بن ادریس بهوتی حنبلی . از شیوخ حنابلہ و مردی عالم و عاقل و متبحر در علوم دینی بود و بیشتر اوقات خود را صرف نوشتن مسائل فقهی میکرد و شبهای جمعه مجمعیه جهت بحث و گفتگو در منزل خود ترتیب داده بود. او راست : 1- الروض المربع . 2- کشاف القناع عن الاقناع . وی در سال 1051 هـ . ق . به مصر درگذشت . (معجم المطبوعات) . رجوع به اعلام زرکلی ج 1 ص 159 شود .

^۳ - کشاف القناع ، للبهوتی ، 6/349 .

^۴ - المصنف ، 5/347 .

^۵ - بهوتی: ابوالسعادات منصور بن یونس بن صلاح الدین بن حسن بن احمد بن علی بن ادریس البهوتی الحنبلی المصری القاهری (1000 - 1051 ق / 1591 - 1641 م) شیخ حنبلی در مصر، و خاتمه دانشمندان آنها در آنجا، و البهوتی مربوط به باهوت، شهری در مصر است. (ترجمه الشیخ البهوتی صاحب الروض المربع لفیصل بن عبدالعزیز آل مبارک شبکه الألوکة. وصل لهذا المسار فی 1 مایو 2016).

^۶ - کشاف القناع ، ج 6 ، ص 407-408 . وانظر : شرح منتهی الإرادات ، منصور بن یونس البهوتی ، عالم الکتب ، بیروت ، ج 3 ، ص 578 .

مطلب سوم - سکر و مست بودن

اینکه متهم مست بود، اگر متهم به جلسه قضایی آورده شده و مست بوده باشد، یا دو شاهد عادل شهادت داده اند که آنها متهم را در حالت مستی شاهد بوده اند اما او را در حال نوشیدن مشروبات الکلی نه دیدند، آیا درین صورت حد اثبات می شود؟

مالیکی ها و حنبلی ها اظهار داشتند که حد با آن اثبات می شود^۱. امام ابو حنیفه و شاگردش ابو یوسف تصریح کردند که برای ثبوت حد درین حالت شرط است که بوی شراب از دهن متهم در وقت احضار اش به محکمه بیرون شود، یا دو شاهد از وجود بوی شهادت دهند^۲.

و شوافع به این نظر اند که در این حالت حد اثبات نمی شود؛ بخاطر این که احتمال آن وجود دارد که او آن را به خاطر عذری نوشیده یا مجبور به نوشیدن آن شده^۳.

مطلب چهارم - استشمام بوی شراب از دهان شارب خمر:

بوی مشروبات الکلی از آن ساطع شود و این با استفاده از بو کردن فهمیده می شود: دهان شارب خمر بوی کرده می شود تا ثابت شود که آیا او مشروبات الکلی را نوشیده یا خیر.

فقها رحمهم الله در مورد اثبات مسکر بودن با استشمام بوئیدن دهان شخص مسکر طی دو دیدگاه

اختلاف نموده اند:

^۱ - شرح مختصر خلیل، محمد بن عبدالله الخرشى، دار الفكر، ج 8، 108؛ کشاف القناع، للبهوتی، ج 6، ص 118.

^۲ - تبیین الحقائق، للزیلعی، ج 3، ص 195.

^۳ - تحفۃ المحتاج، للهیتمی، ج 9، ص 173.

دیدگاه اول: حد مسکر با استشمام اثبات می شود که این قول صحیح به نزد مالکی ها است و روایتی از امام احمد، و در روایت دیگری از وی آمده است در صورتی که شبهه باقی نماند حد با استشمام ثابت می شود، که این ثبوت حد با استشمام را شیخ الاسلام ابن تیمیه و شیخ محمد بن ابراهیم اختیار نمودند و آنرا به اولی و ارجح ترین قول از روی دلیل توصیف نموده اند^۱. و استدلال شان به آنچه شیخین از علقمه روایت نموده اند، که فرمود: **(کنا بحمص فقرأ ابن مسعود سورة يوسف فقال رجل : ما هكذا أنزلت قال : قرأت علی رسول الله صلی الله علیه وسلم فقال : أحسنت ووجد منه ریح الخمر فقال أتجمع أن تکذب بکتاب الله وتشرب الخمر فضر به الحد)^۲**

ترجمه: ما در حمص بودیم و ابن مسعود سوره یوسف را خواند، و مردی گفت: این گونه نازل نشده است گفت: بر رسول الله صلی الله علیه وسلم قرائت نمودم، و فرمود: شما خوب قرائت نمودید و بوی شراب را در او یافت، سپس فرمود: "آیا جمع می شوید تا کتاب خدا را مورد تکذیب قرار داده و شراب بنوشید؟" سپس او را حد زد.

که از این حدیث دانسته می شود که حد شرب خمر با بوئیدن دهن شارب اثبات می شود.

^۱ - حاشیة الدسوقی ، ج 4 ، ص 353 ؛ شرح حدود ابن عرفه ، محمد بن قاسم الرصاع ، المکتبة العلمیة ، ص 152 ؛ الإنصاف ، علی بن سلیمان المرادوی ، دار إحياء التراث العربی ، ج 10 ، ص 233 ؛ الإختیارات الفقهیة من فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة ، علاء الدین أبو الحسن علی بن محمد البعلی الدمشقی ، تحقیق : محمد حامد الفقی ، دار المعرفة ، بیروت ، ص 296 ؛ فتاوی ورسائل سماحة الشيخ محمد بن إبراهيم آل الشيخ ، جمع وترتیب و تحقیق : محمد بن عبدالرحمن بن قاسم ، ط 1 ، مطبعة الحكومة بمكة المكرمة ، 1399 هـ ، ج 12 ، ص 64-65 ، م 3712 .

^۲ - رواه البخاری واللفظ له ، صحیح البخاری ، فضائل القرآن ، القراء من أصحاب النبی صلی الله علیه وسلم ، حدیث 4617 ؛ رواه مسلم ، صحیح مسلم ، صلاة المسافرين وقصرها ، فضل استماع القرآن و طلب القراءة من حافظه للاستماع ، حدیث رقم 1334 .

دیدگاه دوم: حد مسکر با استشمام اثبات نمی شود، این همان دیدگاه احناف و شوافع و مذهب حنبلیان است؛^۱ به خاطر احتمال اینکه او با آن مضمضه کرده و دهن خود را شسته، یا تصور کرده که آب است، و هنگامی که در دهانش شده آن را بیرون تف کرده، و به دلیل اینکه شبهه از اجرای حدود جلوگیری میکند بناء حد با استشمام اثبات نمی شود.

مطلب پنجم - قی کردن:

طریقه پنجم قی نمودن شارب خمر است، که فقها - رحمهم الله - در مورد ثبوت حد مسکر با قی کردن بر دو دیدگاه اختلاف نموده اند:

دیدگاه اول: حد مسکر با قی اثبات می شود، که این دیدگاه حنبلیها میباشد؛^۲ زیرا قی کردن شخص دلیلی بر نوشیدن آن است.

دیدگاه دوم: حد مسکر با قی کردن اثبات نمی شود، که این دیدگاه احناف و شوافع می باشد؛^۳ به خاطر احتمال اینکه آن را از روی اکراه و یا جبرا نوشیده باشد، و از اجرای حد با موجودیت شبهه جلوگیری می شود.

دیدگاه مالکی ها اینست که در صورتی حد اثبات می شود که یک شخص عادل بر نوشیدن آن شهادت دهد و دیگری بر قی نمودن آن!^۴

^۲- المبسوط ، للسرخسی ، ج 24 ، ص 31 ؛ تحفة المحتاج ، للهیتمی ، ج 1 ، ص 172 ؛ الإنصاف ، للمرداوی ، ج 10 ، ص 233 .

^۲ - کشف القناع ، للبهوتی ، ج 6 ، ص 119 ؛ الإنصاف للمرداوی ، ج 10 ، ص 234 .

^۳ - مجمع الأنهر شرح ملتقى الأبحر ، عبدالرحمن بن محمد شیخی زاده (داماد) ، دار إحياء التراث العربی ، ج 1 ، ص 603 ؛ تحفة المحتاج ، للهیتمی ، ج 9 ، ص 173 .

مبحث دوم - ارکان جرم شراب نوشی

جرم شرب خمر دارای دو رکن میباشد:

اول: فعل شرب، دوم: قصد جنائی. که طی دو مطلب به تفصیل آن می پردازم:

مطلب اول - فعل شرب:

فعل شرب با نوشیدن شراب از راه دهن انجام می شود طوری که حتی اگر به معده هم نرسید همین که به حلق برسد موجب اجرای حد می شود^۲، اگر شراب از راه بینی، مقعد و یا بیچکاری تزریق شده و به معده رسید، پس به سبب نرسیدن آن از راه طبعی باعث ایجاد شبهه می شود، و این شبهه باعث جلوگیری از اجرای حد می گردد، اما باعث منع قاضی از تطبیق جزای تعزیری نمی شود، که این دیدگاه احناف و مالکی ها است^۳.

و دیدگاه فقهای شیعه اینست که اجرای حد بر هر آن کسی که شراب را وارد معده اش میکند واجب بوده حتی اگر بر این عمل کرد اش عنوان شرب صدق نکند^۴.

دیدگاه امام شافعی رحمه الله اینست که اگر شراب از راه دهن به معده نرسیده بلکه از راه دیگری رسید، پس درینصورت به خاطر وجود شبهه حد جاری نمی شود، همین طور اگر خمر را با آرد عجین کرد به سبب این که حقیقت آن توسط آتش از بین میرود، و همین طور با خوردن گوشتی که در شراب پخته

^۱ - شرح مختصر خلیل، للخرشی، ج 8، ص 109.

^۲ - المغنی والشرح الکبیر 329/10 حاشیة الدسوقی 353/4 مغنی المحتاج 188/4.

^۳ - بدائع الصنائع 40/7 حاشیة الدسوقی 352/4.

^۴ - مبانی منهاج 270/1.

شده باشد حد جاری نمی شود، اما اگر شوربای آن را نوشید و یا در آن نان خود را تر کرده و خورد درینصورت حد جاری می شود به سبب این که ذات وعین خمر باقی است^۱.

حنبلی ها می گویند کسی که در شراب ثرید (خورد کردن نان در شوربا) جور کرد، یا با شراب رنگ آمیزی کرده یا گوشت را با آن پخته کرد، و از شوربای آن خورد پس حد بالای وی جاری می شود زیرا عین وذات شراب موجود است^۲.

دیدگاهی که ما متمایل به آن بوده و ترجیح می دهیم دیدگاه احناف و مالکی ها است وقتی که شراب از راه نوشیدن به گلو رسید موجب اجرای حد شود مگر اینکه شارب خمر تحایل نموده و عمداً شراب را به معده خود داخل نموده و سبب مستی اش شده باشد، از آنجا که برخی از افراد اغلب با اتخاذ ترفندها یا استفاده از چنین خلاها برای خلاص شدن از مجازات این جرم فرار می کنند.

شروط اجرای حد بر شارب خمر

برای تطبیق حد شرب تحقق بعضی از شروط معین وجود دارد تا که عدالت تأمین و رفع ابهام گردیده و از بی عدالتی و ظلم جلوگیری شود. که این شروط عبارت اند از:

1. **عقل:** پس اگر دیوانه شراب بنوشد و یا گناهی را انجام دهد که مستوجب اجرای حد باشد، حد بر

وی جاری نمی شود، زیرا که وی غیر مکلف است، رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد می

^۱ - مغنی المختاج 188/4.

^۲ - المغنی والشرح الکبیر 329/10 الاقناع 267/4.

فرماینده: (رفع القلم عن ثلاثة عن المجنون المغلوب على عقله حتى يبرأ، وعن النائم

حتى يستيقظ، وعن الصبي حتى يحتلم)!

ترجمه: قلم از سه شخص برداشته شده است (یعنی مسئول نیستند) از دیوانه که شکسته خورده

عقلش است تا اینکه خوب شود، واز کسیکه به خواب است تا اینکه بیدار شود، واز کودک تا

اینکه جوان گردد.

2. **بلوغ:** همین طور بر کودک حد جاری نمی شود چون فعل وی جنایت محسوب نمی گردد.

3. **اسلام:** بر ذمی، حربی و مستأمن در ظاهر روایت حد جاری نمی شود، زیرا که شرب خمر به نزد

آنها مباح است.

4. **اختیار:** پس کسیکه جبراً واز روی اضطرار شراب را نوشید بر وی نه حد است و نه گناه^۲. چه او را

و ادار به نوشیدن با ضرب و شتم یا وعید کرده باشند، مثل اینکه دهان او را باز کرده و درون آن

بریزد. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم درین مورد می فرماینده: (رفع عن أمتي الخطأ والنسيان

وما استكروها عليه)^۳.

ترجمه: (از امت من خطا، فراموشی و آنچه را که بر آنها تحمیل شده جبراً، برداشته شده است).

^۱ - الفتح الكبير لسيوطي 1352.

^۲ - مغني المحتاج 188/4 المغني والشرح الكبير 330/10.

^۳ - مغني المحتاج 188/4 حاشية الدسوقي 352/4 المغني والشرح الكبير 330-332/10.

به همین ترتیب شخص مضطر، اگر آب دیگری پیدا نشود، مجبورا نوشیده باشد^۱. الله متعال در زمینه

می فرماید: ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾^۲.

ترجمه: ولی آن کس که مجبور شود (به خاطر حفظ جان از آن اشیاء حرام بخورد) در صورتی که علاقه‌مند (به خوردن ولذت بردن از چنین چیزهایی نبوده) و متجاوز (از حد سدجوع هم) نباشد، گناهی بر او نیست.

5. علم به اینکه مشروبی که می نوشد خمر و یا مسکر بوده، و همین طور به حرمت آن باید

علم داشته باشد چون که بر جاهل حد جاری نمی شود، پس کسی که نمی داند خمر است یا نه و

اینکه در شریعت حرام است یا نه بروی حد اقامه نم شود^۳.

مطلب دوم - قصد جنایی:

برای وجوب حد لازم است که شارب قصد کننده شرب و مستی بوده باشد، و این جرم یکی از

جرایمی است که باید مرتکب قصد جنائی داشته باشد، پس اگر شراب را به اختیار خود نوشید و نمی

دانست که مست کننده است پس با اجرای حد مجازات نمی شود، و همین طور اگر کسی در حالی

شراب را بنوشد که نمی داند آن شراب است اگر چه سبب مستی اش شود، بر وی به خاطر عذر

جهالت حد جاری نمی شود^۴.

^۱ - مغنی المحتاج 188/4.

^۲ - سوره البقره: آیه 173.

^۳ - منصور بن یونس البهوتی (1982)، کشاف القناع عن متن الإقناع، بیروت: دار الفکر، صفحه 78، الجزء 6.

^۴ - فقه العقوبات فی الشریعة الإسلامیة: دراسة مقارنة، 1/ 191، بواسطة عیسی العمری.

اگر شارب خمر ادعا کرد که وی حکم حرمت شراب را نمی داند، درین مورد چند دیدگاه فقهی وجود دارد: شربینی از علمای شافعی مذهب می گوید: (اگر جدیدا مسلمان شده باشد، و گفت که: حرمت آن را نمی دانستم حد بر وی جاری نمی شود، چون ممکن است حرمت آن بر وی پوشیده مانده باشد، و حدود با موجودیت شبهات دفع می شود)^۱.

فقهای حنبلی و علامه اوزاعی^۲ می گویند: کسی که ادعای جهل نسبت به حکم حرام بودن شراب را می کند، اگر در کشورهای اسلامی و در بین مسلمانان زندگی می کند، دعوای اش مورد قبول نیست، زیرا امکان ندارد که در بین مسلمانان زندگی کند و نسبت به حرمت شراب جهل داشته باشد پس دعوایش قابل قبول نیست، اما اگر جدیدا مسلمان شده و یا در بادیه و دور از شهرها زندگی می کند درینصورت دعوایش قابل قبول می باشد^۳.

طوری که قبلا ذکر شده فقهای مالکی می گویند: کسی که شراب را به این گمان که شراب نیست نوشید، بر وی حد جاری نمی شود، اما کسیکه بر وجوب حد و حرمت شراب جاهل باشد و شراب نوشید، اجرای حد بر وی لازم است و به جهلش در زمینه توجه نمی شود اگر چه جدیدا مسلمان شده باشد^۴.

^۱ - الفتح الکبیر لسیوطی 1352.

^۲ - اوزاعی: اوزاعی، ابو عمرو عبدالرحمان بن عمرو (۲ صفر ۸۸ - ۱۵۷ق/ ۲۲ دسامبر ۷۰۷ - ۷۷۳م)، فقیه و محدث نامدار شام و پیشوای یکی از مذاهب باندۀ فقهی که چندی در شام و اندلس پیروانی یافت. (محمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۱۰۹، به کوشش شعیب ارنؤوط و دیگران، بیروت، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م).

^۳ - المغنی والشرح الکبیر 331/10.

^۴ - شرح الخرشی علی مختصر خلیل 108/8 الشبهات وأثرها فی العقوبۀ الجنائیة فی الفقه الإسلامی ص 625-626.

مبحث سوم - مجازات جرم شراب نوشی در شریعت اسلامی وقوانین افغانستان

که طی دو مطلب این مبحث را مورد بررسی قرار می دهیم:

مطلب اول: مجازات جرم شراب نوشی در شریعت اسلامی

قبلا خاطر نشان کردیم که شرع، شراب را به دلیل فاسد ساختن عقل، اتلاف پول، و به سبب مسخره و تحقیر شدن شارب آن به شدت ممنوع اعلام کرده. و ممکن است در غیاب عقل از شارب خمر چیزی صادر شود که خداوند متعال از آن راضی نیست، علاوه بر این که شارب آن ممکن است در جنایت قتل قرار بگیرد، یا عملی را انجام دهد که منافی حیا و زندگی اجتماعی باشد یا به یکی از محارم خود واقع شود. شریعت اسلامی برای نوشیدن شراب مجازات معین و مقدری (از جمله حدود) تعیین نموده است، مجازاتی که برای ولی امر و قاضی جایز نبوده که از آن در گذرند و یا بعد از اینکه اثبات شد از تنفیذ آن جلوگیری کنند مثل حدود دیگر، و از حکمتهای شارع اسلامی اینست که اجرای آن را واجب نگردانیده است مگر بعد از ثبوت آن به یکی از امر ذیل: اقرار و یا بیینه^۱، که در اقرار بنا بر دیدگاه عام اهل علم یک بار کفایت می کند، زیرا حدی است که متضمن اتلاف نبوده و مشابه حد قذف میباشد^۲.

از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که شارب خمر را اکثر از یک مرتبه ضرب کرده و دره زده است^۳، اما از پیامبر صلی الله علیه وسلم مقدار معینی از مجازات برای شارب خمر ثابت نشده است، بلکه گاهی او را با کفش و بوت جلد (تازیانه و دره زدن) نموده، و گاهی با جریده، و گاهی هم با هردو همراه لباس، و گاهی هم با دست و کفشها، و مقادیری که در مورد نقل شده تماما مجزاتی است که از روایات

^۱ - که تفصیل آن قبلا در مبحث طریقه های اثبات حد شرب گذشت.

^۲ - المغنی والشرح الکبیر 331/10، فتح القدیر 186/4.

^۳ - نیل الأوطار 156/7 السیاسة الشرعیة از ابن تیمیه ص 117، 118.

تخمینا برداشت شده است، میبینیم که انس رضی الله عنه چهل دره میگوید، و در حدیث وارد شده است شخصی که شراب نوشیده بود به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آورده شد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم او را با دو جریده حدود چهل تازیانه زد^۱.

فرع اول: مقدار حد شرب و اختلاف فقها پیرامون آن

سبب اختلاف فقها در مقدار حد شرب اینست؛ قرآن کریم طوری که در حدود دیگر مقدار معینی از مجازات تعیین نموده است برای حد شرب مجازات معینی را تعیین نموده است، همین طور روایات برای ما حد معینی را که صحابه رضی الله عنهم بر آن اجماع نموده باشند به اثبات نمی رسانند، و درین مورد ثابت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم چهل دره زدند، ابوبکر رضی الله عنه همینطور چهل دره، و حضرت عمر رضی الله عنه هشتاد دره زدند و حضرت علی کرم الله وجهه و لید بن عقبه را چهل تازیانه زدند^۲.

بنابر این در مورد اندازه حد شرب از فقها دو دیدگاه وجود دارد:

1. **حد شرب هشتاد تازیانه یا دره است؛** که این دیدگاه احناف، مالکی ها، حنبلی ها و یکی از

اقوال امام شافعی رحمه الله میباشد، به دلیل اینکه روایت شده است که عمر رضی الله عنه در مورد

حد خمر با صحابه مشوره نمود، پس عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه فرمود: آن را مانند

خفیف و سبکترین حدود یعنی هشتاد تازیانه بگردان، پس عمر رضی الله عنه شارب خمر را هشتاد

^۱ - نیل الأوطار 156، 161/7.

^۲ - المغنی والشرح الکبیر 329/10 بدایه المجتهد 371/2.

تازیانه زد، و این حکم را به خالد بن ولید^۱ و ابو عبیده رضی الله عنهما در شام هم نوشت، که این واقعه در زمان عمر رضی الله عنه اجماع پنداشته می شود.

روایت شده است وقتیکه عمر رضی الله عنه در مورد حد شرب مشورت کرد، علی رضی الله عنه برایش فرمود: شارب خمر وقتی که مست شود هزیان میگوید، هنگامیکه هزیان گفت افترا می بندد پس برای آن حد مفتری (حد قذف) را تعیین کن^۲.

2. **حد شرب چهل تازیانه است؛** که این دیدگاه مشهور امام شافعی رحمه الله و پیروانش و روایتی

از امام احمد بن حنبل رحمه الله میباشد، به دلیل اینکه از پیامبر صلی الله روایت شده که چهل تازیانه زدند، و همین طور در خلافت ابوبکر صدیق جریان پیدا نمود^۳.

فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم حجت بوده ترک آن به فعل غیر جایز نیست، و بر آنچه که مخالف فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم، ابوبکر رضی الله عنه و حضرت علی رضی الله عنه باشد اجماع منعقد نمی شود، و زیادتی که از طرف عمر رضی الله عنه در حد صورت گرفته بر مجازات تعزیری حمل کرده می شود، انجام آن جایز بوده در صورتی که امام و یا قاضی آن را مناسب بینند و به اجتهاد امام تعلق دارد^۴.

^۱ - خالد بن ولید: خالد بن ولید بن مُغیره بن عبدالله بن عمر / عُمیر بن مَخْزوم قرشی مخزومی، از سرداران مشهور صدر اسلام می باشد. کنیه اش ابوسلیمان و به روایتی ابوالولید از بنی مخزوم، یکی از تیره های بزرگ و مهم قبیله قریش، بود که با بنی هاشم رقابت می کردند. (الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۴۲۷).

^۲ - المغنی والشرح الكبير 329/10 بدائع الصنائع 57/7 الاقناع فی فقه الإمام أحمد 267/4. مغنی المحتاج للشربینی 184/4 حاشیة الدسوقی 353/4 سبل السلام 31/4.

^۳ - سبل السلام 31/4 بدایة المجتهد 371/4.

^۴ - مغنی المحتاج 189، 190/4 المغنی والشرح الكبير 330/10.

فرع دوم - جزای شرب خمر حد است یا تعزیر؟

درین مطلب از جزای شارب خمر صحبت میکنم که آیا حد است؟ و یا تعزیر و مقدار آن چقدر است؟ درین مورد علما اختلاف نموده اند که اختلاف شان در سه دیدگاه خلاصه می شود:

دیدگاه اول: جزای شرب خمر تعزیر میباشد.

حافظ بن حجر عسقلانی^۱ در الفتح الباری می گوید: که طبری وابن منذر، از جمعی از علما روایت کرده اند که در نوشیدن خمر حد نبوده بلکه در آن تعزیر میباشد.^۲ و به این دیدگاه شان به بعضی از دلایل استدلال می کنند از جمله:

اول: حدیث نعیمان أنه أتى به إلی النبی صلی الله علیه وسلم وهو سکران فأمر من فی البیت أن یضربوه فضربوه بالجرید والنعال^۳.

ترجمه: حدیث نعیمان است که وی در حالیکه مست بود به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آورده شد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به کسانی که در خانه بودن دستور داد تا وی را با دمپایی و شاخچه ها بزنند.

وجه استدلال: ضرب و شتم با شاخچه ها و دمپایی ها نظم و انضباطی ندارد اگر مجازات نوشیدن همانند سایر حدود می بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم مردم را نمی گذاشت او را با شاخچه ها و دمپایی ها مورد ضرب و شتم قرار دهند.

^۱ - بن حجر عسقلانی: ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن محمد بن علی بن احمد بن محمود بن احمد حجر عسقلانی کنانی مصری (۲۲ شعبان ۷۷۳ - ذیقعده ۸۵۲ق/۱۶ فوریه ۱۳۷۲ - ژانویه ۱۴۴۹م)، یکی از علمای بزرگ حدیث و فقه شافعی، مورخ و شاعر می باشد.

^۲ - الفتح الباری (88/12)، حافظ بن حجر عسقلانی.

^۳ - این حدیث را امام بخاری روایت نموده است (6775).

دوم: چندین روایت در مورد مشوره عمر رضی الله عنه با صحابه در مورد حد شراب آمده است.

وجه استدلال: چون حد عقوبتی است مقدر که از جانب شارع با دلیل قطعی ثابت شده باشد، اگر مجازات شرب خمر حد می بود حضرت عمر رضی الله عنه در این مورد با صحابه مشوره نمی کرد بلکه آن حد را اعمال می نمود^۱.

دیدگاه دوم - حد و تعزیر هر دو میباشد:

مجازات نوشیدن شراب چهل ضربه شلاق حد بوده امام، یا قاضی چهل ضربه شلاق دیگر را تعزیرا بر آن اضافه می کند تا هشتاد ضربه شلاق شود. که این دیدگاه فقهای شافعی^۲، و روایتی از امام احمد بوده که آن را ابن قدامه در المغنی ترجیح داده است^۳.

و به تعدادی از دلایل استدلال نموده اند که بعضی از آنها را ذکر می نمایم:

اول: عن أنس أن النبي عليه الصلاة والسلام أتى برجل شرب الخمر، فضربه بجريدتين نحو من أربعين، ثم صنع أبو بكر مثل ذلك، فلما كان عمر رضي الله عنه استشار الناس فيه، فقال له عبدالرحمن بن عوف: أخف الحدود ثمانون، ففعل^۴.

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است، مردی به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آورده که شراب نوشیده بود، و او را با دو شاخه خرما در حدود چهل شلاق زد، سپس ابوبکر چنین چیزی را انجام داد. وقتی

^۱ - الفتح الباری (85/12).

^۲ - تحفة المحتاج مع حاشیته الشروانی وابن القاسم 200/9-201، مغنی المحتاج 189/4.

^۳ - المغنی لابن قدامة (307/8).

^۴ - امام بخاری (6394) و امام مسلم (4429) این حدیث را روایت نموده اند.

عمر رضی الله عنه به خلافت رسید، با مردم در مورد جزای شرب خمر مشورت کرد، عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه به او گفت: کمترین حدود هشتاد شلاق است، و او همین طور کرد. پس این قول انس رضی الله عنه (ضربه بجریدتین نحواً من أربعین) دلالت میکند، بر حدی که پیامبر صلی الله علیه وسلم سنت گردانیده و تعیین نموده است همانا چهل ضرب شلاق میباشد.

دلیل دوم: ما روی عن أبي ساسان أنه شهد عثمان وأتى بالوليد فشهد عليه رجلا ن أحدهما حمران أنه شرب الخمر، فأمر علياً أن يجلدَه فأمر علي ابنه الحسن أن يجلدَه أربعين، ثم قال علي رضی الله عنه: "جلد النبي صلی الله علیه وسلم أربعين، وجلد أبو بكر أربعين، وعمر ثمانين، وهذا أحب إليّ!"

ترجمه: آنچه از ابوساسان نقل شده است او شاهد بود که ولید به نزد عثمان رضی الله عنه در حالی آورده شد، دو مرد که یکی از آنها سرخ بود شهادت دادند که وی شراب نوشیده است، بنابراین حضرت عثمان رضی الله عنه به علی کرم الله وجهه دستور داد که او را شلاق بزند، و حضرت علی رضی الله عنه به فرزند خود حسن رضی الله عنه دستور داد که چهل شلاق او را بزند.

سپس علی رضی الله عنه گفت: "پیامبر صلی الله علیه وسلم شراب خوار را چهل شلاق زدند، و همین طور ابوبکر صدیق رضی الله عنه هم چهل شلاق زدند و حضرت عمر رضی الله عنه هشتاد شلاق زدند اما چهل شلاق برای من پسندیده تر است."

دیدگاه سوم: این است که مجازات شرب خمر حد بوده و هشتاد ضربه شلاق است.

این دیدگاه مذهب احناف^۲، مالکی^۳، و حنبلی^۴ بوده و به دلایل ذیل استدلال نموده اند:

^۱ - رواه مسلم (4432)، وأبوداود (4480)، وابن ماجه (2571).

^۲ - مختصر القدوری ص 471، الاختیار لتعلیل المختار (355/4).

^۳ - رساله ابن أبي زيد القيرواني ص 243، مواهب الجليل (120/18).

^۴ - الروض المربع (341/7)، منتهی الإرادات (295/2).

اول: به حدیثی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که فرمودند: « مَنْ شَرِبَ بَسَقَةَ خَمْرٍ فَاجْلِدُوهُ ثَمَانِينَ ».

دوم: اجماع صحابه بر هشتاد شلاق وقتی که عمر رضی الله عنه با آنها مشوره نموده اند.

ترجمه: "هر که شراب نوشید، آن را هشتاد شلاق بزنید". این حدیث را طحاوی در معانی الآثار روایت نموده است؛ لیکن علامه عینی در شرح آن گفته است که این حدیث منکر می باشد!

قول راجح

قول راجح همین دیدگاه سوم است و آن اینکه شارب خمر هشتاد ضربه شلاق زده شود، دلیل راجح بودن اجماع اصحاب است وقتی که عمر رضی الله عنه از صحابه در مورد اندازه مجازات شارب خمر پرسید، و آنها به او توصیه کردند که چنین کند، بنابراین او آن شارب خمر را با زدن هشتاد شلاق مجازات کرد. و به خالد و ابوعبیده رضی الله عنهما در شام نوشت که در مورد جزای شارب خمر این گونه عمل کنند^۱.

مطلب دوم - مجازات شارب نوشی در قوانین افغانستان

قوانین افغانستان هم به تبعیت از آموزه های شریعت اسلامی به بیان احکام شرب خمر پرداخته است که کود جزای افغانستان تحت عنوان جرایم مسکرات و قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر تحت عنوان مجازات نوشیدن مسکرات طی چند ماده از آن بحث نموده اند:

^۱ - نخب الأفكار شرح معانی الآثار (547/15).

^۲ - مجموعه من العلماء (1992)، الموسوعة الفقهية (الطبعة الأولى)، الكويت: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، (25 / 96).

فرع اول - دیدگاه کود جزای افغانستان

کود جزای افغانستان ضمن تعریف مواد مسکر از جزای تعزیری جرم شراب نوشی بحث نموده چون طبق ماده (2) آن، این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می نماید. و مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلامی مجازات می گردد^۱.

مجازات تعزیری نوشیدن شراب:

کود جزای افغانستان نوشیدن شراب را جرم دانسته و در ماده (674) جزای تعزیری آن را بیان داشته است طوری که می نگارد: (هرگاه در جرم نوشیدن شراب شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد شرب خمر ساقط گردد، مرتکب، تعزیراً به بدیل حبس یا جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد)^۲.

فرع دوم: دیدگاه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر

قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر جمهوری اسلامی افغانستان از مسکرات بحث نموده و شخصی را که مرتکب نوشیدن مسکرات می گردد، مطابق مذهب احناف حد شرعی را بروی قابل تطبیق می داند.

ماده (44) قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر: (شرایط تطبیق حد شخصی که مرتکب نوشیدن مسکرات می گردد، مطابق مذهب احناف با شرایط و ترتیب ذیل حد شرعی به وی تطبیق می گردد:

- 1- نوشنده در حالت هذیان بوده و بیشتر کلامش مختل شده باشد.
- 2- در محضر قاضی با صراحت کامل اقرار نماید و یا دو نفر مرد عادل و یا بیشتر شهادت بدهد.
- 3- نوشنده مسکر عاقل، بالغ و مختار بوده و بفهمد که چیزی را می نوشد، شراب است.

^۱ - وزارت عدلیه ج.ا.ا، کود جزا، شماره (1260)، تاریخ نشر: 25 ثور 1396.

^۲ - کود جزا مرجع سابق.

4- قاضی بعد از به هوش آمدن نوشنده مسکرات مرد را استاده و خانم را نشسته به (80) تازیانه بدون سر و روی به همه بدن می زند.

5- لباس های اضافی و زمستانی محکوم علیه را دور می کند^۱.

مجازات قاچاق مسکرات:

کود جزای افغانستان و قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر، نه تنها نوشیدن شراب را جرم پنداشته و برای آن مجازات تعیین می نماید بلکه قاچاق آن را نیز جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین می نماید طوری که در ماده (686) می نویسد: (شخصی که مرتکب قاچاق مسکرات هر نوع ترکیب حاوی این ماده گردد، با نظر داشت مقدار حسب احوال ذیلاً مجازات می گردد:

1- هرگاه مقدار مسکرات کمتر از یک لیتر باشد، به حبس الی دو ماه.

2- هرگاه مقدار مسکرات از یک لیتر الی ده لیتر باشد به حبس بیش از دو ماه الی شش ماه.

3- هرگاه مقدار مسکرات از ده لیتر الی پنجاه لیتر باشد، به حبس بیش از شش ماه الی یک سال.

4- هرگاه مقدار مسکرات از پنجاه لیتر الی صد لیتر باشد، به حبس بیش از یک سال الی سه سال.

5- هرگاه مقدار مسکرات از صد لیتر الی پنجصد لیتر باشد، به حبس بیش از سه سال الی هشت سال.

6- هرگاه مقدار مسکرات از

پنجصد لیتر بیشتر باشد، علاوه بر جزای هشت سال حبس در مقابل هر پنجاه لیتر به حبس شش ماه.

(2) در حالات مندرج جزء (6) فقره (1) این ماده، مدت حبس از بیست سال بیشتر بوده نمی تواند^۲.

^۱ - وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر.

^۲ - وزارت عدلیه ج.ا.ا، کود جزا و قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر.

نتیجه گیری

در پایان این تحقیق، مهمترین مواردی را که در مورد آنها به نتیجه رسیدم، در نکات زیر خلاصه

می کنم:

خمر؛ نوشیدنی مسکر و مست کننده است. واژه خمر در دو معنا استعمال شده است: ۱- شراب تهیه شده از آب انگور ۲- هر مایع مست کننده. و در عرف عامه، به هر آب مایه سُکر آوری که از انگور، یا دیگر میوه‌ها و دانه‌ها، گرفته شده باشد، خمر گفته می شود.

شراب در زبان عربی به نام‌های متعدد خوانده شده که مشهورترین آنها خمر (از انگور) و نبید (از غیر انگور) است.

طوری که جمهور فقها می گویند خمر عبارت از هر آن چه که سُکر و مستی بار بیاورد برابر است که عصیر و جوشیده از انگور باشد و یا از چیز دیگری پخته شده باشد و یا غیر مطبوخ.

شرب خمر از جمله گناهان کبیره ای است که از نوشیدن آن نهی شده است، زیرا حرام قطعی بوده به دلایلی از قرآن، سنت و اجماع، و حکمت تحریم آن هم به خاطر حفظ عقل و مال می باشد.

و در قانون تعریف مشخصی از خمر نشده بلکه مجازات نوشیدن و خرید و فروش آن بیان گردیده است طوری که در ماده 684 کد جزای افغانستان آمده است: (هرگاه در جرم نوشیدن شراب شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از اسباب دیگر حد شرب خمر ساقط گردد، مرتکب، تعزیراً به بدیل حبس یا جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد).

و طوری که امامان مذاهب چهار گانه فقهی فرمودند استفاده از خمر و سایر مسکرات برای دارو و غیر آن ترجیحا ممنوع و حرام است، مانند استفاده از آنها در چربی غذا، یا حل کردن دارو یا تر کردن گل.

دیدگاه راجح در مورد طهارت و نجاست خمر اینست که ذات و عین خمر نجس است.

در مورد اینکه جزای شرب خمر حد است یا تعزیر دیدگاه راجح اینست که مجازات نوشیدن شراب هشتاد ضربه شلاق می باشد به دلیل اجماع صحابه کرام درین مورد.

نوشیدن خمر زیانهای روحی و جسمی و اخلاقی و آثار بد زیادی برای فرد و جامعه دارد.

حد شرب به یکی از پنج روش ذیل اثبات می شود: اقرار، شهادت، سکر و مست بودن، استشمام بوی شراب از دهان شارب خمر و قی کردن.

که دو طریقه اول روش ها اصلی و اتفاقی میباشد و روش های دیگر قرائن بوده و اختلافی میباشد.

جرم شراب نوشی دارای دو رکن میباشد: 1- فعل شرب 2- قصد جنایی.

شروط اجرای حد بر شارب خمر عبارت اند از: عقل، بلوغ، اسلام، اختیار و علم به اینکه مشروبی که می نوشد خمر و یا مسکر است.

پیشنهادات

در پایان این تحقیق ضروری می دانم که چند پیشنهاد و عرایضی را به طور ذیل به جهت های مسئول و عام مردم خود بنویسم تا بدان عمل نموده و جامعه خود را از مضرات که شراب و نوشیدنی های الکلی دارد در امان بداریم:

- **پیشنهاد برای قوه اجرایی دولتها:** به اساس اینکه وظیفه اصلی دولت ها تطبیق احکام الله متعال و حفظ مقاصد شریعت بوده و در قبال جان، مال، دین، آبرو و عزت مردم مسئول بوده و باید از آن حفاظت کنند، بناء طوری که دانستیم نوشیدن شراب تمام اینها را در خطر انداخته و عقل انسان را زایل می کند، پس بر دولتها است که مردم را از نوشیدن این مواد مضر و مهلک باز داشته و نگذارند که امنیت جامعه به خطر مواجه شود.

- **پیشنهاد به قوه مقننه:** اگر چه حرمت این مواد مضر و جزای نوشیدن آن در قرآن کریم و شریعت اسلامی بیان گردیده و بر شارب آن حد معینی تعیین گردیده است، با این وجود بر دستگاه قانون گذاری لازم است تا در این زمینه قانون خاصی را تصویب نموده و با استفاده از منابع شریعت اسلامی احکام و جزای نوشیدن آن را و چگونگی تطبیق آن را برای محاکم واضح سازد.

- **پیشنهاد برای عام مردم:** هر آن چیزی را که الله متعال منع نموده و انجام دادن آن را حرام گردانیده است، به تأکید که در آن خیر انسانها است چون خالق کاینات بر ضرر و فایده انسان بهتر میداند و به حکم آیه قرآن (وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ - بقره / 216) (چه بسا چیزی را دوست نمی دارید و آن چیز برای شما نیک باشد، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید و آن

چیز برای شما بد باشد) و ضرر های بیشماری که نوشیدن شراب دارد پس لازم است که از نوشیدن آن جدا
پرهیز شود.

فهرستها

1- فهرست آیات واحادیث

2- فهرست اعلام.

3- فهرست مراجع ومصادر

فهرست آیت های قرآنی

شماره	آیات	سورت	صفحه
1	(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا)	بقره	44-56
2	(إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)	مائده	49-59
3	(وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)	نحل	17-41
4	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ)	مائده	33 49
5	(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۗ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ ۗ كَذَٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ)	بقره	56، 44
6	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ ۖ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ)	نساء	46 52 64
7	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)	مائده	52
8	(لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)	بقره	56
9	(ليس على الذين آمنوا و عملوا الصالحات جناح فيما طعموا)	مائده	53
10	(فمن اضطر غير باغ ولا عاد)	بقره	76
11	(وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا)	انسان	78
12	(وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِّن رِّجَالِكُمْ)	بقره	90
13	(فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ)	بقره	104

فهرست احاديث نبوی علی صاحبها الصلاة والسلام.

شماره	حديث	صفحه
1	«كل مسكرٍ خمرٌ، وكلّ خمرٍ حرامٌ»	13-15
2	(أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّهُ نَزَلَ تَحْرِيمَ الْخَمْرِ، وَهِيَ مِنْ خَمْسَةِ: مِنَ الْعَنْبِ، وَالتَّمْرِ، وَالْعَسَلِ، وَالْحَنْظَلَةِ، وَالشَّعِيرِ) اثری از حضرت عمر رضی الله عنه.	63، 15
3	«ما أسكر كثيره فقليله حرام»	24
4	«الخمر من هاتين الشجرتين: النخلة والعنب»	18
5	«إن من العنب خمرا، وإن من العسل خمرا، ومن الزبيب خمرا، ومن الحنطة خمرا...وأنا أنها كم عن كل مسكر»	17
6	«إني كنت نهيتكم عن الشراب في الاوعية، فاشربوا فيما بدا لكم ولا تسكروا»	27
7	«حرمت الخمر لعينها، والسكر من غيرها»	19
8	«إني كنت نهيتكم عن الشراب في الاوعية، فاشربوا فيما بدا لكم ولا تسكروا»	19
9	«اشربا ولا تسكرا»	20
10	«فانتبذوا، وكل مسكر حرام»	23
11	«الخمر أم الفواحش وأكبر الكبائر، ومن شرب الخمر ترك الصلاة، ووقع على أمه وخالته وعمته»	69
12	«لعن في الخمر عشرة: عاصرها، ومعتصرها، وشاربها، وحاملها، والمحمولة إليه، وساقها، وبائعها، وآكل ثمنها، والمشتري لها، والمشتري له»	70
13	«لا يزني الزاني حين يزني وهو مؤمن، ولا يسرق السارق حين يسرق وهو مؤمن، ولا يشرب الخمر حين يشربها وهو مؤمن»	70
14	«من شرب الخمر في الدنيا ولم يتب، لم يشربها في الآخرة، وإن دخل الجنة»	71
15	عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: " صَنَعَ لَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ طَعَامًا فَدَعَانَا وَسَقَانَا مِنَ الْخَمْرِ، فَأَخَذَتِ الْخَمْرُ مِنَّا، وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَقَدَّمُونِي فَقَرَأَتْ: {قُلْ يَا	59

	أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ { [16] الكافرون: 2 } وَنَحْنُ نَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ " . قَالَ : فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى : { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ } [النساء: 43].	
61	عن عمر بن الخطاب - رضى الله عنه - أنه قال : اللهم بين لنا فى الخمر بياناً شفاء . فنزلت التى فى البقرة: «يسألونك عن الخمر والميسر ، قل : فيها إثم كبير ومنافع للناس ، وإثمها أكبر من نفعها { فدعى عمر - رضى الله عنه - فقرئت عليه ، فقال : اللهم بين لنا فى الخمر بيان شفاء . فنزلت التى فى النساء : { يا أيها الذين آمنوا لا تقربوا الصلاة وأنتم سكارى .. } الآية .. فدعى عمر - رضى الله عنه - فقرئت عليه ، فقال : اللهم بين لنا فى الخمر بيان شفاء . فنزلت التى فى المائدة : { إنما يريد الشيطان أن يوقع بينكم العداوة والبغضاء فى الخمر والميسر؛ ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلاة ، فهل أنتم منتهون؟ } فدعى عمر فقرئت عليه ، فقال : « انتهىنا . انتهىنا » .	16
73	« كل مسكر حرام...، إن على الله عهدا لمن يشرب المسكر أن يسقيه من طينة الخبال " . قالوا يا رسول الله: وما طينة الخبال؟ قال: " عرق أهل النار " أو قال: " عصارة أهل النار»	17
74	أن النبي (قال لرجلين: "أيكما أطب؟" قالا: يا رسول الله وفي الطب خير؟ قال: "أنزلنا الداء الذى أنزل الدواء" .	18
75	"إن الله جعل لكل داء دواء؛ فتداووا ولا تتداووا بحرام" .	19
76	«إن الله لم يجعل شفاءكم فيما حرم عليكم»	20
76	أن طارق بن سويد الجعفى سأل النبي صلى الله عليه وسلم عن الخمر، فنهاه عنها، فقال: إنما أصنعها للدواء، قال: "إنه ليس بدواء ولكنه داء" .	21
78	عن أبي ثعلبة الخُشَنِيّ: ((أَنَّه سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّا نَجَاوِرُ أَهْلَ الْكِتَابِ، وَهُمْ يَطْبُخُونَ فِي قُدُورِهِمُ الْخَنزِيرَ، وَيَشْرَبُونَ فِي آنِيَتِهِمُ الْخَمْرَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنْ وَجَدْتُمْ غَيْرَهَا فَكُلُوا فِيهَا وَاشْرَبُوا، وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا غَيْرَهَا فَارْحَضُوا بِالْمَاءِ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا))	22
80	عن أنس بن مالك رضى الله عنه قال: ((كنت ساقى القوم فى منزل أبى طلحة، وكان خمرهم يومئذ الفضيخ، فأمر رسول الله صلى الله عليه وسلم منادياً ينادى:	23

	أَلَا إِنَّ الْخَمْرَ قَدْ حُرِّمَتْ، قَالَ: فَقَالَ لِي أَبُو طَلْحَةَ: أَخْرَجُ فَأَهْرِقُهَا، فَخَرَجْتُ فَهَرَقْتُهَا، فَجَرَّتْ فِي سِكَكِ الْمَدِينَةَ...)).	
80	((أَنَّ رَجُلًا أَهْدَى لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاوِيَةَ خَمْرٍ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَلْ عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَهَا؟ قَالَ: لَا، فَسَارَّ إِنْسَانًا، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بِمَ سَارَرْتَهُ؟ فَقَالَ: أَمْرُهُ بِيَعِهَا، فَقَالَ: إِنَّ الَّذِي حَرَّمَ شَرْبَهَا حَرَّمَ بَيْعَهَا، قَالَ: فَفَتَحَ الْمَزَادَةَ حَتَّى ذَهَبَ مَا فِيهَا))	24
81	((أَهْرَيْقُوهَا وَاكْسِرُوهَا - يَعْنِي: الْقُدُورَ - فَقَالُوا: أَوْ نُهْرِيقُهَا وَنَغْسِلُهَا؟ فَقَالَ: أَوْ ذَاكَ))	25
82	حَدِيثُ نَعِيمَانَ أَنَّهُ أَتَى بِهِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ سَكْرَانٌ فَأَمَرَ مِنْ فِي الْبَيْتِ أَنْ يَضْرِبُوهُ فَضْرِبُوهُ بِالْجَرِيدِ وَالنَّعَالِ	26
94	(أَتَى رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ. فَنَادَاهُ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي زَنَيْتُ. فَأَعْرَضَ عَنْهُ. فَتَنَحَّى تَلْقَاءَ وَجْهِهِ. فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي زَنَيْتُ. فَأَعْرَضَ عَنْهُ. حَتَّى ثَنَى ذَلِكَ عَلَيْهِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ. فَلَمَّا شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ، دَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. فَقَالَ (أَبْكَ جُنُونٌ؟) قَالَ: لَا. قَالَ: (فَهَلْ أَحْصَنْتَ؟) قَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: (اذْهَبُوا بِهِ فَارْجُمُوهُ)	27
99	(كُنَّا بِحَمَصٍ فَقَرَأَ ابْنُ مَسْعُودٍ سُورَةَ يُوسُفَ فَقَالَ رَجُلٌ: مَا هَكَذَا أَنْزَلْتَ قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَحْسَنْتَ وَوَجَدَ مِنْهُ رِيحَ الْخَمْرِ فَقَالَ أَتَجْمَعُ أَنْ تَكْذِبَ بَكِتَابِ اللَّهِ وَتَشْرِبَ الْخَمْرَ فَضْرِبَهُ الْحَدَّ)	28
103	(رَفَعَ الْقَلَمَ عَنْ ثَلَاثَةِ عَنِ الْمَجْنُونِ الْمَغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ حَتَّى يَبْرَأَ، وَعَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ، وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ)	29
103	(رَفَعَ عَنِ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنَّسْيَانَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ)	30

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
1	داوود انطاکی	13
2	امام ابو حنیفہ رحمہ اللہ	19
3	امام ابو یوسف رحمہ اللہ	19
4	امام محمد بن حسن شیبانی رحمہ اللہ	19
5	ابراہیم نخعی	21
6	سفیان ثوری	21
7	عبد الرحمن بن ابی لیلا	21
8	شریک	21
9	ابن شبرمہ	21
10	بن رشد	22
11	امام مالک رحمہ اللہ	23
12	ابو سلمہ بن عبد الرحمن	
13	ابوداود سجستانی	24
14	احمد بن علی بن شعیب نسائی	24
15	ابو عیسیٰ ترمذی	24
16	جابر بن عبد اللہ	24

25	عبد الله بن عمر	17
25	ابو هريره	18
26	عبدالله بن شداد	19
26	عبد الله بن عباس	20
27	عبد الله بن مسعود	21
27	ابو موسى اشعري	22
27	معاذ بن جبل	23
29	قاضي عياض	24
34	شمس الدين نواجي	25
34	دكتور حنا الفاخوري	26
37	ابن وحشية	27
40	سيد سابق	28
47	عبد بن حميد	21
47	عطاء بن ابي رباح	22
48	دمياطي	23

فهرست مراجع ومصادر

• قرآن كريم.

كتاب های تفسير

1. **آلوسی**، روح المعانی، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوסי (المتوفى: 1270هـ)، المحقق: علي عبد الباري عطية، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1415 هـ.
2. **ابن حيان**، البحر المحيط في التفسير، أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: 745هـ)، المحقق: صدقي محمد جميل، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: 1420 هـ.
3. **ابن العربي**، أحكام القرآن، المؤلف: القاضي محمد بن عبد الله أبو بكر بن العربي، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1424 هـ - 2003 م.
4. **جصاص**، أحكام القرآن، المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الرازي الجصاص الحنفي (المتوفى: 370هـ)، المحقق: عبد السلام محمد علي شاهين، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1415هـ/1994م.
5. **سيوطي** - عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، الدر المنثور، الناشر: دار الفكر - بيروت.
6. شنقيطي، أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، الناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع بيروت - لبنان، عام النشر: 1415 هـ - 1995 م.

7. **عثمانى**، مفتى محمد شفيح عثمانى، معارف القرآن، ترجمه: مولانا سيد محمد يوسف حسين پور، ناشر: شيخ الاسلام احمد جام، سال نشر: 1387.

8. **قرطبي**، تفسير القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ)، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964 م.

9. مكارم شيرازى، تفسير نمونه، دار الكتب الإسلامية - تهران، 1354.

کتاب های حدیث و شرح آن

10. أبو داود سجستانی، سنن أبي داود، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.

11. أحمد بن حنبل مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، 1416 هـ - 1995 م.

12. ألباني، سلسلة الأحاديث الضعيفة، دار النشر: دار المعارف، البلد: الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: 1412 هـ / 1992 م.

13. ابن حجر، فتح الباري شرح صحيح البخاري، المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379.

14. ابن قيم الجوزية، زاد المعاد، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - مكتبة المنار الإسلامية، الكويت، الطبعة: السابعة والعشرون، 1415 هـ / 1994 م.

15. باجى - المنتقى شرح الموطا، أبو الوليد سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن واث التحيبي القرطبي الباجى الأندلسى، الناشر: مطبعة السعادة - بجوار محافظة مصر، الطبعة: الأولى، 1332 هـ.
16. بخارى - محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، صحيح البخارى، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة الطبعة: الأولى، 1422 هـ.
17. بدر الدين العيني، نخب الأفكار فى شرح معانى الآثار، المحقق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - قطر، الطبعة: الأولى، 1429 هـ - 2008 م.
18. ترمذى، سنن الترمذى، المؤلف: محمد بن عيسى بن سوره بن موسى بن الضحاك، الترمذى، أبو عيسى (المتوفى: 279 هـ)، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، 1395 هـ - 1975 م.
19. عظيم آبادى، عون المعبود، محمد شمس الحق العظيم آبادى، دار الفكر، سنة النشر: 1415 هـ / 1995 م.
20. شوكانى، نيل الأوطار، محمد بن على بن محمد بن عبد الله الشوكانى، تحقيق: عصام الدين الصبابطى، الناشر: دار الحديث، مصر، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1993 م.
21. سيوطى، الميئة السنية، نسخه خطى پوهنتون استانبول، سنة النشر: 1476 هـ.
22. سيوطى، الفتح الكبير، المحقق: يوسف النبهانى، الناشر: دار الفكر - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1423 هـ - 2003 م.
23. صنعانى، سبل السلام، دار الحديث، المكتبة الشاملة.
24. مسلم - مسلم بن الحجاج القشيري النيسابورى، صحيح مسلم، دار إحياء الكتب العربية.

25. أبو عبد الله المواق المالكي، التاج والإكليل لمختصر خليل، محمد بن يوسف بن أبي القاسم بن يوسف العبدري الغرناطي، (المتوفى: 897هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، 1416هـ-1994م.
26. ابن تيمية، المستدرک على مجموع فتاوى، المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحراني (المتوفى: 728هـ)، جمع، ترتيب وطبع: محمد بن عبد الرحمن بن قاسم (المتوفى: 1421هـ)، الطبعة: الأولى، 1418هـ.
27. ابن رشد، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، الناشر: دار الحديث - قاهرة، تاريخ النشر: 1425هـ - 2004م.
28. ابن النجار، منتهى الإيرادات، المحقق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: مؤسسة الرسالة للطبعة: الأولى، 1419هـ - 1999م.
29. ابن الهمام، فتح القدير، المؤلف: كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسي المعروف بابن الهمام، الناشر: دار الفكر.
30. ابن قدامة المقدسي، المغني، الناشر: مكتبة القاهرة، تاريخ النشر: 1388هـ - 1968م.
31. ابن عابدين، رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، 1412هـ - 1992م.
32. البهوتي، الروض المربع شرح زاد المستقنع، الناشر: دار المؤيد - مؤسسة الرسالة.
33. البابرتي، العناية شرح الهداية، الناشر: دار الفكر.
34. بهوتي، كشاف القناع عن متن الإقناع، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس، الناشر: دار الكتب العلمية.
35. خليل - الشرح الكبير للشيخ أحمد الدردير على مختصر خليل، بيت الفكر.
36. سيد سابق، فقه السنة، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1397هـ - 1977م.
37. الشرييني، مغني المحتاج، شمس الدين، محمد بن أحمد الخطيب الشرييني الشافعي (المتوفى: 977هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، 1415هـ - 1994م.
38. شيرازي، المهذب في فقه الإمام الشافعي، أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف، الناشر: دار الكتب العلمية.

39. كاسانى، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، المؤلف: علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاسانى الحنفى (المتوفى: 587هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثانية، 1406هـ - 1986م.

40. محمد على البار، الخمر بين الطب والفقہ، الدار السعودية للنشر والتوزيع، جدة، ط 6، 1404 هـ / 1984 م.

41. الموسوعة الفقهية الكويتية، صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الطبعة: (من 1404 - 1427 هـ).

42. عز بن عبد السلام، قواعد الأحكام فى مصالح الأنام، المؤلف: أبو محمد عز الدين عبد العزيز بن عبد السلام بن أبى القاسم بن الحسن السلمى الدمشقى، الملقب بسطان العلماء، الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية - القاهرة، طبعة: 1414 هـ - 1991 م.

43. محمد بن عرفه الدسوقى، حاشية الدسوقى، المحقق: عبد الحميد هنداوى، الناشر: المكتبة العصرية، بيروت.

44. شافعى - محمد بن ادريس شافعى، الأم، الناشر: دار المعرفة - بيروت، سنة النشر: 1410هـ/1990م.

45. مرداوى - على بن سليمان المرادوى، الإنصاف، دار إحياء التراث العربى.

46. شوكانى، السيل الجرار المتدفق على حدائق الأزهار، الناشر: دار ابن حزم.

47. عثيمين، الشرح الممتع، دار النشر: دار ابن الجوزى، الطبعة: الأولى، 1422 - 1428 هـ

48. زحيلي - وهبة بن مصطفى الزحيلي، الفقه الاسلامى وادلتة، دار الفكر - سورىة - دمشق.

49. هيثمى - تحفة المحتاج فى شرح المنهاج، أحمد بن على الهيتمى، دار إحياء التراث العربى .

50. بهوتى - كشاف القناع عن متن الإقناع ، منصور بن يونس البهوتى ، عالم الكتب ، بيروت
51. زيلعى - تبين الحقائق ، شرح كنز الدقائق ، عثمان بن على الزيلعى ، دار الكتاب الإسلامى .
52. بهوتى - شرح منتهى الإرادات ، منصور بن يونس البهوتى ، عالم الكتب ، بيروت ، ج 3 ، ص 578 .
53. خرشى - شرح مختصر خليل ، محمد بن عبد الله الخرشى ، دار الفكر .
54. علاء الدين أبو الحسن على بن محمد البعلى الدمشقى ، الإختيارات الفقهية من فتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية ، تحقيق : محمد حامد الفقى ، دار المعرفة ، بيروت .
55. محمد بن عبدالرحمن بن قاسم ، فتاوى ورسائل سماحة الشيخ محمد بن إبراهيم آل الشيخ ، جمع وترتيب وتحقيق : ط 1 ، مطبعة الحكومة بمكة المكرمة ، 1399هـ .
56. سرخسى ، المبسوط ، الناشر: دار المعرفة - بيروت ، تاريخ النشر: 1414هـ - 1993م .
57. عبدالرحمن بن محمد شيخى زاده (داماد)، مجمع الأنهر شرح ملتقى الأبحر، دار إحياء التراث العربى .
58. خرشى ، شرح مختصر خليل ، المؤلف: محمد بن عبد الله الخرشى المالكى أبو عبد الله (المتوفى: 1101هـ)، الناشر: دار الفكر للطباعة - بيروت .
59. قدورى ، مختصر القدورى فى الفقه الحنفى ، المحقق: كامل محمد عويضة ، الناشر: دار الكتب العلمىة ، الطبعة: الأولى ، 1418هـ - 1997م .
60. موصلى ، الاختيار لتعليل المختار ، عليها تعليقات: الشيخ محمود أبو دققة (من علماء الحنفية ومدرس بكلية أصول الدين سابقا)، الناشر: مطبعة الحلبي - القاهرة (وصورتها دار الكتب العلمىة - بيروت ، وغيرها)، تاريخ النشر: 1356 هـ - 1937 م .

61.رعيني، مواهب الجليل في شرح مختصر خليل، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثالثة، 1412هـ -
1992م.

كتاب های معجم و لغات

62.أحمد بن فارس بن زكريا أبو الحسين، معجم مقاييس اللغة (ت: هارون). الناشر: دار الفكر، عام النشر:
1399هـ - 1979م.

63.ابن حجر عسقلاني، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن
أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، المحقق: مراقبة / محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة
المعارف العثمانية - صيدر اباد/ الهند، الطبعة: الثانية، 1392هـ / 1972م.

64.ابن تغري، النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة، المؤلف: يوسف بن تغري بردى بن عبد الله الظاهري
الحنفي، أبو المحاسن، جمال الدين (المتوفى: 874هـ)، الناشر: وزارة الثقافة والإرشاد القومي، دار الكتب،
مصر.

65.ابن الأثير، النهاية في غريب الحديث والأثر، المكتبة العلمية - بيروت، 1399هـ - 1979م.

66.احمد بن عبد الوهاب نويري، نهاية الارب في فنون الادب، قاهره (1923-1925).

67. راغب اصفهاني، المفردات لالفاظ القرآن الكريم، المحقق: صفوان عدنان الداودي، الناشر: دار القلم، الدار
الشامية - دمشق بيروت، الطبعة: الأولى - 1412 هـ

68.ابن قتيبة، عيون الأخبار، المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري، الناشر: دار الكتب العلمية -
بيروت، تاريخ النشر: 1418 هـ

69.ابن رقيق، قطب السرور، نسخه خطي كتابخانه ملی فرانسه، ش 3302، ك 42.

70. انطاكي - داوود بن عمرانطاكي، تذكرة اولى الالباب، قاهره ١٣٠٨-١٣٠٩.
71. حنا الفاخوري، تاريخ ادبيات زبان عربى از عصر جاهلى تا قرن معاصر، ج ١، ص ٤٣، ترجمه عبدالحميد آيتى، توس، تهران.
72. دهخدا، على اكبر، لغت نامه، ج ٧، ص ١٠١٢٢، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ١٣٧٣ش، چاپ اول.
73. يازجى، مجمع البحرين، الناشر: المطبعة الأديبة، بيروت، الطبعة: الرابعة، 1302 هـ - 1885 م.
74. على بن حسين مسعودى، مروج الذهب، چاپ باريه دمينار و پاوه دكورتل، پاریس ١٨٦١-١٨٧٧.
75. الفيومى، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت.
76. محمد بن حسين نواجى، حلبة الكميت، قاهره ١٩٣٨، ص ١١-١٢.
77. مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادى، القاموس المحيط، تحقيق: مكتب تحقيق التراث فى مؤسسه الرسالة، بإشراف: محمد نعيم العرقسوسى، الناشر: مؤسسه الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، 1426 هـ - 2005 م.

رسائل ومجلات

78. شرح كتاب العقول للإمام الحافظ ابن أبى الدنيا، الشيخ على أحمد عبد العال الطهطاوى، دار الكتب العلمية.
79. محمود محمد سالم، دور الأدب فى مكافحة الخمر بين الجاهلية والإسلام، الناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، الطبعة: (السنة الرابعة عشرة العدد الرابع والخمسون) ربيع الثانى - جمادى الأولى - جمادى الآخرة 1402 هـ.
80. عبد الفتاح بن سليمان عشاوى، الخبيثة أم الخبائث، الناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، الطبعة: السنة الخامسة. عشر العدد الثامن والخمسون. ربيع الآخر - جمادى الأولى - جمادى الآخرة 1403 هـ.

81. نام مجله: التمدن الإسلامي، (مجله علمی، ادبی، اسلامی)، این به صورت ماهانه صادر می شد، رئیس تحریر: احمد مظهر العظمه، مدیر مجله: احمد شفیق نصری، صدور توسط: جمعیه التمدن الإسلامي، محل صدور: دمشق، سوریه، سال تاسیس: 1946 سال تعلیق: 1982 چاپ شده در مطبوعات الترقی در دمشق.

82. شهاب الدین ابراهیم بن عبدالله المعروف بابن أبي الدم الحموی الشافعی، أدب القضاء وهو الدرر المنظومات فی الأفضیه والحکومات، تحقیق د. محمد بن مصطفى الزحیلی، دار الفكر، دمشق، ط 2، 1402هـ.

83. فقه العقوبات فی الشریعہ الإسلامیة: دراسة مقارنة، بواسطة عیسی العمری.

84. الشبهات وأثرها فی العقوبه الجنائیة فی الفقه الإسلامی .

85. الخمر بین اليهودیة والمسیحیة والإسلامیة !؟؟، ماغی خوری، الحوار المتمدن،

<http://www.ahewar.org/debat/show.art.asp?aid=95221&r=0>

(<http://www.ikhwanwiki.com/index.php?title>).

قوانین:

1. د. أحمد خلیفہ، النظریة العامة للتجريم ص 111 طبع: 1959.
2. القانون الجنائی السودانی لسنة 1991، الطبعة الأولى.
3. وزارت عدلیه ج.ا.ا، کود جزاء، شماره (1260)، تاریخ نشر: 25 ثور 1396.
4. وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون مبارزه علیه مسکرات ومواد مخدر.
5. وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون اصول محاکمات مدنی، شماره: 1341، تاریخ: 19/9/1368.

Summary of Discussion

The summary of the research discussion that I wrote for the master's degree under the title of The rules of wine and the crime and crime of drinking according to the jurisprudence and law of Afghanistan is as follows; In the first chapter, the definition of Khmer and its types are discussed as generalities; Khmer Hanaf is what is made from grape juice by squeezing hard, boiling and foaming, naturally without fire, otherwise it is called Khmer. From the point of view of medicine and alchemy, Khmer is a famous liquid obtained from the fermentation of some beans with fruits, whose sugary and unpleasant substances are converted into alcohol because they contain bacteria that can secrete certain substances, which exist for Fermentation is essential. These liquids are called Khmer for this reason. Because they cover the intellect and destroy perception and discernment. Wine is found in different names in the market and sometimes it is divided into special types with the credit and 100% presence of alcohol in it. In Judaism and Christianity, drinking laxatives, wine, and even fresh, dried grapes is forbidden due to destructive changes. Khmer wine is one of the major sins that is forbidden to commit because it is absolutely forbidden for reasons of the Qur'an, Sunnah and consensus and the wisdom of its prohibition is also due to the right of reason and property. And in the second chapter, under the title of reviewing the texts on alcohol, its ruling and harms, such a discussion has taken place; According to some commentary books, the Qur'an has used the method of gradual preparation to prevent and forbid some prohibitions, and it has used the same method for drinking wine, and has made it forbidden during the following stages; first stage ; Refers to the denial of second-stage drinking; Emphasis on overcoming losses over the benefits of the third stage; Encouragement to quit wine, stage four; Complete boycott of Khmer wine.

The gradual wisdom of the sanctity of wine: The main and true wisdoms of the divine commandments are considered to be the rules of the rulers themselves, and that is enough. But from thinking and thinking in the Shari'a rules, it is clear that the holy Shari'a of Islam in issuing the rules, has fully considered and observed the inner feelings and states of man so that man does not have much trouble in carrying them out. And this wisdom has been observed regarding the sanctity of wine. The unparalleled enthusiasm of the Companions in carrying out the sentence: The faithful and obedient companions, upon receiving the first command, poured all the wines they had left in the houses for drinking. Whoever had a glass of wine dropped it on the ground, and whoever had patience or flesh took it out of the house and broke it. Purification and impurity of Khmer; Scholars and jurisprudents disagreed about the purity of wine or the impurity of that objective impurity, in which there are two

theories: The second view is pure wine, which is the theory of Dawood Zaheri, Rabieh, Laith Ibn Sa'd and Mazni, who are also chosen by Shokati, Albani and Ibn Uthim. In the third chapter, under the title of examining the ways of proving the extent of drinking and its punishment in Islamic law and the laws of Afghanistan, the following is discussed; Punishment for the crime of drinking alcohol in Islamic law: Islamic law for drinking wine has determined a certain and certain punishment, including limits, a punishment that is not permissible for the guardian and the judge to pass or prevent its enforcement after it has been proven.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

**Master Program in
Jurisprudence & Law**



**Islamic Republic of
Afghanistan**

Ministry of Higher Education

**Private Universities
Presidency**

The rules of wine and the crime and crime of drinking according to the jurisprudence and law of Afghanistan

Student: Waezah Ahadyar

Teacher: Pro.Dr. Muhammad Unes(Ebrahemi)

Year: 2019

